

江蘇

مسافران آسمان

حفظ موضوعی قرآن ویژه نوجوانان



سازمان اوقاف امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

مسافران آسمان

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه
تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی پژوهشی
نویسنده: سید مهدی هاشمی
لیتوگرافی و چاپ: چاپخانه بزرگ قرآن کریم (اسوه)
قطع: خشتی

نوبت چاپ: اول / تابستان ۱۳۹۳
شمارگان: ۵۰۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه،
معاونت فرهنگی و اجتماعی

آدرس مجتمع: قم، خیابان جمهوری، بین کوچه ۱۶ و ۱۸ پ ۴۸
مجتمع فرهنگی پژوهشی معاونت فرهنگی و اجتماعی اوقاف

تلفن: ۰۲۵-۳۲۹۳۶۰۴۲ نمابر: ۰۲۵-۳۲۹۳۶۰۴۳

غیر قابل فروش

اهدای معاونت فرهنگی و اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه

فهرست مطالب

بخش دوم:

آفریننده‌ی من کیست؟

- ۲۶ (۵) پیرزن خداشناس
- ۲۸ (۶) پای درس مورچه
- ۳۰ (۷) جنگ خدایان
- ۳۲ (۸) برگزیده‌ی قرآن
- ۳۴ (۹) فراتر از چشم‌ها
- ۳۶ (۱۰) نزدیک‌تر از خودم
- ۳۸ (۱۱) چه نیازی به ظلم است؟

۱۴ مقدمه

۱۴ (۱) به سفر می‌رویم

بخش اول:

من کیستم؟

- ۱۸ (۲) بهترین لقب
- ۲۰ (۳) برترین آفریده
- ۲۲ (۴) رو به خورشید

بخش سوم:

راهنما و پیشوای من کیست؟

- ۴۲ (۱۲) عذرتراشی ممنوع
- ۴۴ (۱۳) راه مشترک
- ۴۶ (۱۴) آخرین پیام‌رسان
- ۴۸ (۱۵) نشان ابدی
- ۵۰ (۱۶) بالاتر از آیه‌های قرآن
- ۵۲ (۱۷) هم‌کلام با خدا
- ۵۴ (۱۸) گوش به فرمان خدا
- ۵۶ (۱۹) ساده؛ اما کوبنده
- ۵۸ (۲۰) انگشتر امام‌ها
- ۶۰ (۲۱) خاندان نور
- ۶۲ (۲۲) ثروت هنگفت
- ۶۴ (۲۳) حاضر غایب

بخش چهارم:

سرانجام من چه خواهد شد؟

- ۶۸ (۲۴) تلخ یا شیرین؟
- ۷۰ (۲۵) معلم بی‌منطق
- ۷۲ (۲۶) پاسخ دندان‌شکن
- ۷۴ (۲۷) گویاترین اسم
- ۷۶ (۲۸) دادگاه یک نفره
- ۷۸ (۲۹) کارنامه
- ۸۰ (۳۰) در راه منشینید

بخش پنجم:

نقشه‌ی راه چیست؟

- ۸۴ مستقیم بهشت (۳۱)
- ۸۶ کتابی گران بها (۳۲)
- ۸۸ نسخه‌ی شفابخش (۳۳)
- ۹۰ کتابی برای همیشه (۳۴)
- ۹۲ مثل کف دست (۳۵)
- ۹۴ انیس تنهایی (۳۶)
- ۹۶ شرط اول (۳۷)
- ۹۸ جرعه جرعه (۳۸)
- ۱۰۰ گوش جان (۳۹)
- ۱۰۲ شکایت دلسوزانه (۴۰)

بخش ششم:

دشمن و راهزن کیست؟

- ۱۰۶ دشمن همیشگی (۴۱)
- ۱۰۸ گام به گام تا دوزخ (۴۲)
- ۱۱۰ خودتان را سرزنش کنید (۴۳)
- ۱۱۲ پناه‌گاه امن (۴۴)
- ۱۱۴ شیطان بزرگ (۴۵)

بخش هفتم:

توشه‌ی راه چیست؟

- | | | | |
|-----|----------------------------------|-----|-----------------------|
| ۱۵۴ | (۶۴) پل پیروزی | ۱۱۸ | (۴۶) بهترین توشه |
| ۱۵۶ | (۶۵) رحمت حق بر گنهکاران خوش است | ۱۲۰ | (۴۷) ملاک برتری |
| ۱۵۸ | (۶۶) کلید طلائی | ۱۲۲ | (۴۸) اکسیر خوشبختی |
| ۱۶۰ | (۶۷) پله پله تا ملاقات خدا | ۱۲۴ | (۴۹) بهترین لباس |
| ۱۶۲ | (۶۸) ادب حضور | ۱۲۶ | (۵۰) جنگ درونی |
| ۱۶۴ | (۶۹) عاقبت به‌خیری | ۱۲۸ | (۵۱) بهترین همراه |
| ۱۶۶ | (۷۰) توفیق همیشگی | ۱۳۰ | (۵۲) بزرگ‌ترین اشتباه |
| ۱۶۸ | (۷۱) اعتراف به خطا | ۱۳۲ | (۵۳) فرمول موفقیت |
| ۱۷۰ | (۷۲) بخیل نباشیم | ۱۳۴ | (۵۴) تاجر موفق |
| ۱۷۲ | (۷۳) فرمول محبوبیت | ۱۳۶ | (۵۵) تکیه بر آسمان |
| ۱۷۴ | (۷۴) تغییر صد و هشتاد درجه‌ای | ۱۳۸ | (۵۶) قدردانی حقیقی |
| ۱۷۶ | (۷۵) یک قطره عسل | ۱۴۰ | (۵۷) دوستی قدیمی |
| ۱۷۸ | (۷۶) معامله با خدا | ۱۴۲ | (۵۸) به قله فکر کن |
| ۱۸۰ | (۷۷) رمز محبوبیت | ۱۴۴ | (۵۹) دقیق‌تر از ساعت |
| ۱۸۲ | (۷۸) از همه سریع‌تر | ۱۴۶ | (۶۰) تصمیم تاریخی |
| ۱۸۴ | (۷۹) راه شناخت دیگران | ۱۴۸ | (۶۱) بهترین پشتیبان |
| ۱۸۶ | (۸۰) چوپان دوست‌داشتنی | ۱۵۰ | (۶۲) قانون معجزه‌گر |
| ۱۸۸ | (۸۱) پشت پا از دوست | ۱۵۲ | (۶۳) قطار سریع‌السیر |
| ۱۹۰ | (۸۲) قاعده‌ی طلائی | | |
| ۱۹۲ | (۸۳) بهتر از برادر | | |
| ۱۹۴ | (۸۴) گزنده‌تر از مار | | |

بخش هشتم:

وظیفه‌ی عملی من چیست؟

- ۲۳۸ تاج بندگی (۱۰۵)
- ۲۴۰ شستشوی گناه (۱۰۶)
- ۲۴۲ فرزند بی‌اعتنا (۱۰۷)
- ۲۴۴ سفارش مهم (۱۰۸)
- ۲۴۶ بی‌نهایت ثواب (۱۰۹)
- ۲۴۸ یک عبادت و این همه فایده (۱۱۰)
- ۲۵۰ چلچراغ رحمت (۱۱۱)
- ۲۵۲ سپر آتش (۱۱۲)
- ۲۵۴ جایزه‌ی بزرگ (۱۱۳)
- ۲۵۶ معامله‌ی سودآور (۱۱۴)
- ۲۵۸ دیگران را از غرق شدن نجات دهیم (۱۱۵)
- ۲۶۰ دستور فردی و گروهی (۱۱۶)
- ۲۶۲ هم‌کلاسی چادری (۱۱۷)
- ۲۶۴ چادرِ نگین (۱۱۸)
- ۲۶۶ مهمانی پر از سؤال (۱۱۹)
- ۲۶۸ گناهان بنزینی (۱۲۰)

- ۱۹۶ چه کسی اول بهشت می‌رود؟ (۸۵)
- ۱۹۸ بهترین و بدترین عضو (۸۶)
- ۲۰۰ حدیث هر روز پیامبر ﷺ (۸۷)
- ۲۰۲ تا مرد سخن نگفته باشد (۸۸)
- ۲۰۴ زشت‌ترین صدا (۸۹)
- ۲۰۶ یک هدیه‌ی کوچک (۹۰)
- ۲۰۸ خوب نگاه کن (۹۱)
- ۲۱۰ بهترین دستور پزشکی (۹۲)
- ۲۱۲ دو شرط مهم (۹۳)
- ۲۱۴ حس آرامش‌بخش (۹۴)
- ۲۱۶ سبک‌بار (۹۵)
- ۲۱۸ کلید بدی‌ها (۹۶)
- ۲۲۰ خورش سگ‌های جهنم (۹۷)
- ۲۲۲ سنگین‌ترین بار (۹۸)
- ۲۲۴ به خاطر همان یک کار (۹۹)
- ۲۲۶ عذاب خوارکننده (۱۰۰)
- ۲۲۸ آتشی بر هیزم اعمال (۱۰۱)
- ۲۳۰ برادران شیطان (۱۰۲)
- ۲۳۲ فوتبال پر از گناه (۱۰۳)
- ۲۳۴ ارزش لحظه‌ها (۱۰۴)

بسم الله الرحمن الرحيم

سخنی با مریبان:

دوران نوجوانی یکی از مهم ترین دوران ها در شکل گیری شخصیت و تربیت افراد است. نوجوانان با پشت سر نهادن دوران کودکی، قدرت تفکر در مسائل و موضوعات اساس زندگی خود را پیدا می کنند و برای رسیدن به یک نظام فکری و عقیدتی تلاش می کنند تا بتواند پاسخ گوی نیازهای فکری و عاطفی آن ها باشد. تحقیقات علمی نشان می دهد که بهترین دوران علم آموزی و انتخاب مسیر زندگی نیز در دوران نوجوانی رخ می دهد. به همین علت، یکی از نیازهای اصیل نوجوانان، بازگویی معارف دینی به زبان آن هاست. در این میان، آن چه در این سنین بیش از سایر راه کارهای تربیت دینی، مورد تأکید احادیث قرار گرفته است، انس با قرآن و حفظ آن است. از سوی دیگر، اساتید و کارشناسان حفظ قرآن نیز بهترین دوران حفظ قرآن را سنین نوجوانی می دانند. بر این اساس، باید علاوه بر آموزش علوم و فنون قرائت قرآن، منتخبی از آیات و سوره های کوچک قرآن را در قالبی جذاب و گیرا برای نوجوانان ارائه کرد تا زمینه ی انس آنان با قرآن فراهم گردد. کتاب حاضر به همین منظور و به منظور حفظ موضوعی قرآن برای نوجوانان تدوین شده است. تلاش نویسنده ی کتاب بر آن بوده است تا از جدیدترین روش های آموزشی و تبلیغی برای ایجاد علاقه و انس با قرآن در نوجوانان بهره گرفته شود.

برخی از امتیازات این اثر عبارت است از:

- توجه به مهم‌ترین نیازهای سنین نوجوانی در سه حوزه‌ی مهم اعتقادات، احکام و اخلاق.
- ساختار به هم پیوسته و مرتبط موضوعات که بر اساس آن ۱۲۰ موضوع کاربردی، حول محور اصلی کتاب و نام آن - «به سفر می‌رویم» - تدوین شده است. در مقدمه‌ی کتاب به سیر کلی و ارتباط موضوعات اشاره خواهد شد.
- توجه و اهتمام فراوان به رویکردهای نوین تربیتی - آموزشی از قبیل آموزش فعال و درگیرانه، بیان مثال، شعر، داستان و ضرب‌المثل، ارائه‌ی تمرین و فعالیت آموزشی پرنشاط، برخورداری از جذابیت قالب و محتوا و ...
- تبیین نسبتاً مستقیم مطالب دینی و آشنایی نوجوانان با اصطلاحات علمی مشهور در منابع دینی.
- ترجمه و شرح روان آیات.
- تلاش در جهت آشنا نمودن نوجوانان به منابع اصیل تفسیر دین چون قرآن و حدیث.
- هم‌خوانی مطالب ارائه شده با ساختار کتب آموزشی مدارس.
- در ادامه، توجه مریبان و اساتید قرآنی را به چند نکته‌ی ضروری جلب می‌نماییم:
 - ۱- کتاب حاضر، به منظور حفظ موضوعی آیات نگاشته شده است. بر این اساس، روش تدریس کتاب به این صورت خواهد بود که در ابتدا آیات مربوط به دروس گذشته و موضوعات آن - به ویژه پنج درس گذشته - مرور و پرسیده می‌شود. سپس متن درس

هر روز خوانده شده و مربی مطالب مورد نیاز را به قرآن‌آموزان توضیح می‌دهد. سپس تلاش می‌شود تا آیه‌ی درس به همراه ترجمه و موضوع آن حفظ شود. این کار باید به صورت دقیق و مضبوط انجام شود. دقت کنید که پیوستگی موضوعات، خود نکات مهم و باارزشی به مخاطبان می‌آموزد. بنابراین، از حفظ و مرور جزیره‌ای و مجزای آیات خودداری شود.

۲- مخاطب این کتاب، نوجوانان بین سنین ۱۲ تا ۱۷ سال است. به همین جهت، ممکن است در مواردی سطح علمی کتاب تغییر کند. از این رو، مربی باید به تناسب سن شرکت‌کنندگان در کلاس، سطح توضیحات هر درس را عمیق یا روان تر بکند.

۳- در موارد بسیار محدودی، عنوان آیه موضوع مستقیم آیه نیست، ولی به جهت کاربرد و اهمیت زیاد یادگیری آن در این سنین، انتخاب شده است. هم چنین تلاش شده تا برای هر آیه عنوانی انتخاب شود که گویای موضوع و کاربرد آن باشد. حفظ هر آیه با موضوع آن، مانع به هم ریختگی و بی‌نظمی آیات در ذهن قرآن‌آموزان می‌شود. گفتنی است عنوان هر درس برای ایجاد جذابیت آن درس انتخاب شده و نباید با عنوان یا موضوع آیه - که حفظ آن ضروری است- اشتباه شود.

۴- به منظور ارتباط بهتر نوجوانان با مفهوم آیه، تلاش شده تا ترجمه از حالت تحت‌اللفظی خارج و مفهومی باشد.

۵- سه هدف از ارائه‌ی فعالیت‌های کلاسی - با عنوان «فکر کن و بگو»- دنبال می‌شود: انگیزه و نشاط در مخاطب؛ ایجاد زمینه برای تفکر پیرامون موضوع و نیز گشودن دریچه‌های

جدید علمی مرتبط با موضوع. بر این اساس، برخی از این فعالیت‌ها، نیاز به مشارکت فعال قرآن‌آموزان در کلاس و یاری مربی با آنان دارد. بدیهی است مربیان محترم می‌توانند با افزایش این پرسش‌ها یا تغییر در قالب آن به فعال شدن کلاس کمک نمایند. به دلیل اختلاف سطوح علمی مخاطبان، این پرسش‌ها از آسان به مشکل چیده شده است.

در پایان، از مؤسسه‌ی فرهنگی قرآن و عترت نورالثقلین که در تهیه این کتاب با معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه همکاری داشته تشکر نموده و نیز از زحمات مؤلف ارجمند حجت‌الاسلام و المسلمین سید مهدی هاشمی کمال قدردانی را نموده و ضمن آرزوی توفیق روزافزون برای ایشان و عموم مشتاقان کلام وحی، صمیمانه خواستار هر گونه راهنمایی و اظهار نظر از عموم مخاطبان - به ویژه مربیان و اساتید محترم - می‌باشیم.

معاونت فرهنگی و اجتماعی

سازمان اوقاف و امور خیریه

مقدمه

۱ به سفر می‌رویم!

آیا خود را برای سفری طولانی و درازمدت آماده کرده‌اید؟ مهم‌ترین سفر هر کس در طول زندگی! سفری سخت و البته لذت‌بخش! سفری که مقصد آن بدون شک، هزار هزار بار زیباتر و دلپذیرتر از بهترین جاهایی است که تاکنون دیده‌اید! سفری که کم‌ترین تأخیر در آن ممکن است به پشیمانی بی‌اندازه‌تان بینجامد! سفر به سوی همه‌ی خوبی‌ها! سفر از تاریکی‌ها به سوی نور! سفر به سوی برترین آرزوهای بشری! سفر به سوی پروردگارا! اشتباه نکنید! سفر ما یک سفر خیالی و داستان‌گونه نیست؛ این یک سفر واقعی است؛ آن قدر واقعی که خدا در قرآن بر آن تأکید کرده است:

انسان به سوی خدا می‌رود.

يَتَّيْنَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ ﴿٦﴾

ای انسان! تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و حتماً او را ملاقات خواهی کرد! **إِنِّهِ** این سفر هم مانند همه‌ی سفرها نیاز به اطلاعات لازم درباره‌ی مبدأ، مقصد، راه و چگونگی مسیر دارد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «رَجَمَ اللَّهُ امْرَأَةً عَلِمَ مِنْ أَيْمَنٍ وَ فِي أَيْمَنٍ إِلَىٰ أَيْمَنٍ؛ خدا رحمت‌کننده بنده‌ای را که بداند از کجا آمده است؛ در کجا هست؟ و به کجا می‌رود؟» در این کتاب قصد داریم اطلاعات کافی نسبت به این سفر مهم و حیاتی را به دست آوریم.

بنابراین این کتاب را به چند بخش تقسیم کرده‌ایم:

بخش اول: من کیستم؟ (اطلاعات درباره‌ی خودمان و توانایی‌هایمان)

بخش دوم: آفریننده‌ی من کیست؟ (اطلاعات درباره‌ی مبدأ سفر)

بخش سوم: راهنما و پیشوای من کیست؟ (اطلاعات درباره‌ی راهنمای سفر)

بخش چهارم: سرانجام من چه خواهد شد؟ (اطلاعات درباره‌ی مقصد و فرجام سفر)

بخش پنجم: نقشه‌ی راه چیست؟ (اطلاعات درباره‌ی نقشه راه)

بخش ششم: دشمن و راهزن کیست؟ (اطلاعات درباره‌ی خطرات سفر و کمین‌گاه‌های دشمن)

بخش هفتم: توشه‌ی راه چیست؟ (اطلاعات درباره‌ی وسایل و ابزار لازم و مفید برای سفر و یا وسایل غیرضروری و مشقت‌آور.)

بخش هشتم: چه کارهایی باید انجام دهیم؟ (اطلاعات درباره‌ی قوانین و مقررات لازم و بایسته در سفر)

بخش اول:

من کیستم؟

حتماً تاکنون این سؤال‌ها را از خود پرسیده‌اید که من چه کسی هستم؟ چگونه به وجود آمده‌ام؟ هدف از زندگی من چیست؟ سرانجام من چه خواهد شد؟ و جالب است بدانید این پرسش‌ها مهم‌ترین سؤال‌هایی است که از ابتدای جهان تاکنون ذهن انسان‌ها را به خود مشغول ساخته و درباره‌ی آن سخن گفته شده است. قرآن کریم به خوبی پاسخ این سؤال‌ها را بیان کرده است.

به مجموعه‌ی مباحثی که پرسش‌های بالا را پاسخ می‌دهد، «انسان‌شناسی» گفته می‌شود. در این بخش قصد داریم پاسخ این پرسش‌ها را در قرآن پیدا کنیم:

آیا می‌دانید که اولین انسان چگونه آفریده شد؟ خداوند در قرآن ماجرای خلقت اولین انسان - یعنی حضرت آدم - را این‌گونه حکایت کرده است:

هنگامی که خداوند خواست آدم علیه السلام را بیافریند، به فرشتگانش گفت: «من قصد دارم موجودی را بیافرینم که جانشینم بر روی زمین باشد.» فرشتگان از خداوند پرسیدند: «چرا می‌خواهی موجودی را خلق کنی که در زمین قتل و خونریزی انجام می‌دهد و دستورهای تو را نادیده می‌گیرد؟» خداوند در پاسخ فرمود: «من از خلقت انسان و جانشینی او بر روی زمین، هدفی دارم که شما آن را نمی‌دانید.» سپس خداوند به فرشتگان دستور داد تا برای آدم سجده کنند و به مقام او به عنوان جانشین خدا بر روی زمین اعتراف کنند.

انسان؛ جانشین خداست.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٣٠﴾

آن زمان را به یاد بیاور که پروردگارت به فرشتگان گفت: من جانشینی در زمین قرار می‌دهم. گفتند: آیا موجودی را در زمین قرار می‌دهی که در آن فساد و خونریزی کند؛ درحالی‌که ما همواره تو را ستایش کرده و منزه می‌دانیم. [پروردگار] فرمود: من چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید. (بقره، ۳۰)

از این آیه به خوبی فهمیده می‌شود که همه‌ی ما چه جایگاه بلندی در این جهان داریم. آری! بهترین لقب برای ما همین است: جانشین خدا در زمین!
حتماً از خود می‌پرسید مگر می‌شود خدا جانشین داشته باشد؟ او که نیاز به جانشین ندارد و خودش همیشه هست. آری! حق با شماست. جانشینی خدا به این معنا نیست که خدا نباشد و انسان کارهای او را انجام دهد؛ بلکه جانشین خدا کسی است که در میان موجودات جهان بیش از همه خود را به خدا نزدیک نموده و هم‌چون پروردگارش صفات نیکو دارد. پس اگر انسانی به خدا ایمان داشته و اخلاق پسندیده نیز داشته باشد، خداوند او را بر سایر آفریده‌ها برتری داده و همه چیز - حتی فرشتگان - را به فرمان او در می‌آورد.

• فکر کن و بگو:

۱. داستان خلقت حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام در قرآن را پیدا کرده و برای دوستانتان بازگو کنید.

۲. این شعر از کیست و چه معنایی دارد؟

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت!

۳. اولین پاسخ برای سؤال «من کیستم؟»، این است که «من انسان هستم». این جواب را - با توجه به مطالبی که امروز یاد گرفته‌اید - توضیح دهید.

آیا می‌دانید انسان تنها موجودی است که می‌تواند با دست خود کارهای ظریف و خارق‌العاده انجام دهد؟ آیا می‌دانید قابلیت ذخیره و پردازش مغز انسان میلیون‌ها بار بیش‌تر از کامپیوترهای پیشرفته است؟ آیا می‌دانید هر چقدر بیشتر حفظ کنید، حافظه‌ی مغزتان گنجایش بیشتری خواهد داشت؟ آیا تاکنون با خود فکر کرده‌اید که چه نیرویی در انسان وجود دارد که سبب می‌شود حیوانات درنده و وحشی را نیز در اختیار خود درآورد و گاه در سیرک آن‌ها را به بازی درآورد؟ اصلاً تاکنون با خود فکر کرده‌اید مهم‌ترین امتیاز انسان‌ها نسبت به سایر موجودات چیست؟

انسان؛ موجود برتر است.

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَجْرِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ
عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ﴿٧٠﴾

به یقین فرزندان آدم را کرامت و برتری دادیم، و آنان را در خشکی و دریا سوار کردیم، و به آنان از نعمت‌های پاکیزه روزی بخشیدیم، و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری کامل دادیم

(اسراء، ۷۰)

همان‌گونه که خواندید، خداوند در قرآن از برتری و بزرگی انسان بر بسیاری از آفریده‌ها سخن گفته است. از آیات قرآن می‌توان فهمید که عقل بالاترین و مهم‌ترین ویژگی انسان نسبت

به دیگر مخلوقات است. انسان هم می‌تواند مانند حیوان تنها به خوردن و آشامیدن و خوابیدن و لذت‌های دیگر فکر کند و هم می‌تواند مثل فرشتگان به یاد خدا و به فرمان او باشد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «خداوند موجودات جهان را سه‌گونه آفرید: فرشتگان و حیوانات و انسان‌ها. فرشتگان عقل دارند، ولی لذت‌های دنیا را ندارند. حیوانات لذت‌های دنیا را دارند، ولی عقل ندارند. اما انسان هم عقل دارد و هم لذت‌های دنیا را. بنابراین اگر عقل انسان بر لذت‌های دنیا پیروز شود و آن را در اختیار خود بگیرد، از فرشتگان برتر است و اگر لذت‌ها بر عقل چیره شده و آن را در اختیار خود بگیرند، ارزش او از حیوانات پایین‌تر می‌رود.»

• فکر کن و بگو:

۱. اگر بخواهید لشگری به فرماندهی عقل و لشگری به فرماندهی نادانی تشکیل بدهید، هر یک از صفات زیر را به کدام فرمانده می‌دهید: شجاعت، ترس، صبر، بی‌تابی، بی‌نظمی، تنبلی، پاکیزگی، پشتکار.
۲. تا حالا به این موضوع فکر کردید که هیچ نعمتی بالاتر از عقل نیست. به نظر شما چگونه می‌توان بهترین و بیشترین استفاده را از این نعمت کرد؟
۳. با کمک مربی و دوستانت بگو فرق بین عقل و علم چیست؟

در این درس، می‌خواهیم به سراغ قرآن برویم و پرسیم که هدف از زندگی ما چیست؟ و ما چگونه به بالاترین مراحل انسانی - که برتر از فرشته‌ها بود - می‌رسیم؟

قبل از پاسخ این سؤال، این داستان زیبا و جالب را بخوانید: «وقتی باغبان، گل کوچولو و افسرده رو تو باغش کاشت، گل‌های دیگه آروم آروم با هم پیچ پیچ می‌کردند و با خودشون می‌گفتند: «چه گل زشت و کوچیکی! منظره‌ی باغ ما رو خراب می‌کنه!» گل تازه‌وارد که تازه با جای جدیدش آشنا شده بود، پاهاش رو محکم تر کرد و سرش رو بلند کرد. بعد با صدای لرزان گفت: «خورشید کجاست؟» گل‌های دیگر با تعجب به او نگاه کردند و گفتند: «خورشید رو می‌خوای چکار کنی؟» گل تازه‌وارد گفت: «می‌خوام بهش نگاه کنم و بهش بگم که من چقدر برای زندگیم بهش نیاز دارم. می‌خوام صورتم رو طرفش قرار بدم تا بهتر من رو ببینه.» گل‌های دیگر از این حرف کلی خندیدند و با تمسخر گفتند: «واقعاً تو فکر می‌کنی خورشید حرفات رو می‌شنوه و به تو فکر می‌کنه؟ اصلاً برای خورشید مهم نیست که تو کی هستی و چه کار می‌کنی.» گل تازه‌وارد به حرف‌های آنان توجهی نکرد و صورتش را با اشتیاق به سمت خورشید برگرداند. هر جا که خورشید می‌رفت، او هم رویش را به سمت خورشید می‌کرد. مدتی بعد، همه‌ی گل‌های باغ با تعجب به گل تازه‌وارد نگاه می‌کردند؛ چون او الآن از همه بلندقدتر شده و صورت شاداب و بوی خوشش همه را شگفت‌زده کرده بود. حالا دیگر این گل آفتاب‌گردان بود که گل سرسبد باغ شده بود.» حالا برای پاسخ به سؤال اول درس، به سراغ قرآن می‌رویم:

عبادت، هدف خلقت انسان است.

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ﴿٥٦﴾

جن و انس را فقط برای این آفریدم که مرا عبادت کنند. (ذاریات، ۵۶)

هدف خداوند از خلقت انسان‌ها این است که او را بشناسند و عبادت کنند. اگر انسان‌ها به سخنان خدا گوش داده و از او پیروی کنند، به بالاترین مراحل انسانیت رسیده و به پاداش و خوشبختی همیشگی می‌رسند؛ اما اگر خدا را عبادت نکنند، به پایین‌ترین مراحل انسانی سقوط می‌کنند و خودشان را در سخت‌ترین حالت قرار می‌دهند. دقت کنید که خداوند به عبادت ما نیازی ندارد؛ همان‌طور که خورشید به گل آفتاب‌گردان نیازی نداشت. این ما هستیم که اگر روی خودمان را متوجه پروردگار کنیم، به خوشبختی و سعادت می‌رسیم.

• فکر کن و بگو:

۱. عبادت به چه معناست؟ چند مورد از عبادات را نام ببر.
۲. از این داستان چه نکات خوب دیگری می‌توان آموخت؟
۳. بالاترین مرحله‌ی انسانیت چیست؟

بخش دوم:

آفریننده من کیست؟

اولین پرسشی که برای هر انسانی پس از شناخت خودش به وجود می‌آید، این است که من چگونه به وجود آمده‌ام؟ آیا کسی مرا آفریده است؟ اگر این چنین است، آن فرد چه خصوصیتی دارد؟

به مجموعه‌ی مباحثی که پرسش‌های بالا را پاسخ می‌دهد، «خداشناسی» گفته می‌شود. در این بخش نیز قصد داریم پاسخ این پرسش‌ها را در قرآن پیدا کنیم:

روزی پیامبر اکرم ﷺ با اصحاب خویش به پیرزنی برخورد که با چرخ دستی کوچکش نخریسی می‌کرد. پیامبر ﷺ از او پرسید: «ای پیرزن! آیا به خدا ایمان داری؟» پیرزن جواب داد: «بله.» پیامبر ﷺ پرسید: «چگونه به خدا ایمان آوردی؟» پیرزن دستش را از دسته‌ی چرخ برداشت و گفت: «همان‌گونه که این چرخ بدون دست من نمی‌چرخد و باید دستی باشد تا آن را بچرخاند، جهان با این همه عظمت نیز، همانند چرخ‌ی است که دستی دانا و توانا باید آن را بگرداند.» پیامبر ﷺ از استدلال ساده‌ی پیرزن برای وجود خدا خشنود شده و به اصحاب خود فرمود: «شما نیز همانند این پیرزن خدا را باور داشته باشید!»

در این حکایت، دلیل ساده و محکمی برای اثبات خدا بیان شده است. ما نیز می‌توانیم از همین راه خدا را ثابت کنیم. اگر کسی به ما بگوید: «به نظر شما خدا وجود دارد یا خیر؟» در پاسخ می‌گوییم: «آری! وجود دارد؛ زیرا این جهان با عظمت و موجودات بسیار زیبا و متنوع روی زمین و آسمان پر از شگفتی و شکوه نمی‌تواند بدون هیچ دلیلی و خودبخود به وجود آمده باشد. به بیان دیگر، همان‌گونه که از یک ساختمان زیبا و مجلل می‌فهمیم که کسی آن را ساخته و آن فرد نیز باهوش و کاردان بوده است، از بنای عظیم جهان نیز پی به سازنده و علم و قدرت او می‌بریم.»

برهان علیت برای وجود خدا

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ ﴿٣٥﴾

آیا از هیچ چیز آفریده شده‌اند یا خودشان خود را آفریده‌اند؟! (طور، ۳۵)

خداوند در این آیه از پیامبر ﷺ می‌پرسد که کافران چه گمان می‌کنند؟ آیا می‌پندارند از هیچ چیز خلق شده‌اند و هیچ آفریننده‌ای ندارند؟ یا گمان می‌کنند خودشان خالق خود هستند؟ معلوم است که هیچ یک از این دو فرض درست نیست. پس راهی نمی‌ماند؛ مگر اینکه بگوییم که جهان را خدایی قادر و توانا خلق کرده است. دانشمندان، این دلیل خداشناسی را «برهان علیت» نام‌گذاری کرده‌اند.

• فکر کن و بگو:

۱. با استفاده از کلمات زیر، چند مثال برای رابطه‌ی علت و معلول بیان کنید: دود و آتش، دود و آلودگی هوا، آلودگی هوا و بیماری.
۲. برهان علیت را توضیح دهید.
۳. به نظر شما، آیا این امکان وجود ندارد که برخی انسان‌ها انسان‌های دیگر را آفریده باشند؟ چرا؟

زندگی مورچه‌ها را می‌توان با پیشرفته‌ترین تمدن‌های اجتماعی بشر مقایسه کرد. صف‌های خاص و منظم آنان که برای به دست آوردن غذا و ذخیره‌ی آن تشکیل می‌شود، تعجب و شگفتی هر بیننده‌ای را برمی‌انگیزد. مورچه با وجود این که بینی ندارد، ولی حس بویایی بسیار قوی دارد که از طریق شاخک‌های روی سرش بو را حس می‌کند و به وسیله‌ی همین شاخک‌ها می‌تواند راه را پیدا کند و با مورچه‌های دیگر ارتباط برقرار کند. جالب است بدانید که مورچه با این که جثه‌ی خیلی کوچکی دارد، ولی توانایی‌اش در حمل بار خیلی زیاد می‌باشد و باری حداقل ۱۰ یا ۱۵ برابر وزن خودش را می‌تواند حمل کند. مورچه‌ها جانوران بسیار زحمت‌کشی هستند و تمام عمر خود را فقط کار می‌کنند.

این تنها یک نمونه از موجودات روی زمین است. هر یک از گونه‌های حشرات، پرندگان، خزندگان، جانوران آبی، حیوانات اهلی و وحشی، موجودات ریز جثه، ستارگان و اجرام آسمانی، کوه‌ها و معادن و خلاصه هر پدیده‌ای در جهان خلقت، دنیایی با همین پیچیدگی و نظم را دارند. به راستی چه کسی این پدیده‌های منظم و شگفت‌انگیز را به وجود آورده است؟ آیا نشانه‌ای از این بهتر برای وجود خدا پیدا کرد.

نظم در آفرینش؛ نشانه‌ی وجود خداست.

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْءَانَهُ ﴿١٧﴾ فَإِذَا قَرَأْتَهُ فَاتَّبِعْ قُرْءَانَهُ ﴿١٨﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ﴿١٩﴾ كَلَّا بَلْ

تُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ ﴿٢٠﴾ وَتَذُرُونَ الْآخِرَةَ ﴿٢١﴾

آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟! (۱۷) و به آسمان نگاه نمی‌کنند که چگونه برافراشته شده؟! (۱۸) و به کوه‌ها که چگونه در جای خود نصب گردیده! (۱۹) و به زمین که چگونه گسترده و هموار گشته است؟! (۲۰) پس تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده‌ای! (۲۱) (قیامت)

در این آیات خداوند به چند نمونه‌ی دیگر از پدیده‌های خارق‌العاده‌ی جهان اشاره و از اینکه برخی با وجود چنین نشانه‌های روشنی، وجود او را انکار می‌کنند، اظهار تعجب می‌کند. به نظر شما، با وجود این همه درس‌های خداشناسی که در طبیعت وجود دارد، باز می‌شود خدا را انکار کرد؟!

• فکر کن و بگو:

۱. چه شگفتی‌هایی در خلقت شتر هست که خداوند ما را به دقت در آن دعوت می‌کند؟
۲. این شعر را معنا کن:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت‌کردگار

۳. نام دلیل خداشناسی که در این درس به آن پرداختیم، «برهان نظم» است. با توجه به مطالب بالا، این دلیل را توضیح بده.

فرض کنید در یک کلاس دو معلم وجود داشته باشد. در این صورت، هر کدام از آنان می‌خواهد کلاس را با شیوه‌ی خودش اداره کند؛ مثلاً یکی دوست دارد امروز ریاضی درس بدهد، ولی معلم دیگر می‌خواهد فارسی تدریس کند. این اختلاف نظرها باعث دودستگی میان دانش‌آموزان و سردرگمی آن‌ها خواهد شد. جهان اطراف ما نیز همین‌طور است. اگر قرار باشد دو خدا در جهان باشد، آن دو در چگونگی خلقت و اداره‌ی جهان با هم اختلاف می‌کردند و در نتیجه جهان نابود می‌شد؛ مثلاً یک خدا دوست داشت آسمان را قرمز بیافریند، ولی خدای دیگر می‌خواست آسمان آبی باشد یا یکی انسان را با سه چشم خلق می‌کرد و خدای دیگر آن را با دو چشم می‌آفرید و بدین ترتیب، این اختلاف‌ها باعث از بین رفتن نظم جهان و سردرگمی آفریده‌ها می‌شد. پس، با مطالعه و مشاهده‌ی نظم و یکنواختی جهان می‌فهمیم که خدا یگانه و یکتاست.

نظم جهان دلیل برای یگانگی خداست.

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿۲۲﴾

اگر به جز خدای یگانه، خدای دیگری در آسمان و زمین بود، حتماً هر دو نابود می‌شدند. (انبیاء، ۲۲)

از این آیه می‌فهمیم: خدا یکی است؛ چون اگر دو تا باشد، بین خداها اختلاف شده و نظم جهان از بین می‌رفت.

اعتقاد به یکتایی خداوند «توحید» نامیده می‌شود. توحید اولین اصل از اصول دین مسلمانان است.

• فکر کن و بگو:

۱. نام کدام سوره‌ی قرآن به اولین اصل دین ما اشاره می‌کند؟ این سوره را از حفظ بخوان و معنا کن.

۲. این ضرب‌المثل را کامل کن: آشپز که دو تا شد

۳. مردمک چشم ما هنگام تاریکی، بزرگ می‌شود تا چشم ما بهتر اطراف خود را مشاهده کند. این نمونه‌ای از هماهنگی میان اجزای طبیعت است. با استفاده از کلمات زیر چند نمونه‌ی دیگر نام ببر:

نور خورشید و رشد گیاهان:

تولد کودک و شیر مادر:

درباره‌ی خدا چه چیزهایی می‌دانید؟ خدا یکی است؛ قدرت بسیاری دارد؛ علمش بی‌پایان است و ... معلوم است که آن‌چه ما از خدا می‌دانیم، بسیار بسیار کمتر از آن چیزهایی است که درباره‌ی او نمی‌دانیم؛ اما می‌توانیم با گفتن این جمله تا حد زیادی خداوند را معرفی کنیم: «خداوند هر صفت خوب و کاملی را دارد و هیچ نقص و عیبی ندارد.»

اگر بخواهیم خدا را از زبان خودش بشناسیم، باید به قرآن مراجعه کنیم. در چند آیه از قرآن، خداوند خودش را معرفی کرده است. یکی از این آیات «آیه‌الکرسی» است:

صفات نیکوی پروردگار (آیه‌الکرسی)

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

خدای یکتا که جز او هیچ معبودی نیست، زنده است و بر پای خود ایستاده و برپا دارنده و نگه دارنده همه‌ی مخلوقات است، هیچ‌گاه چرت و خواب سنگین او را فرا نمی‌گیرد، آنچه در آسمان‌ها و آنچه

در زمین است برای اوست. کیست که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه را در مقابل مردم آشکار است و آنچه را پشت سر آنان پنهان است، می‌داند. و آنان به چیزی از دانش او احاطه ندارند؛ مگر به آنچه او بخواهد. تخت [حکومت و قدرتش] آسمان‌ها و زمین را فرا گرفته و نگهداری آنها بر او مشقت آور نیست؛ و او بلند مرتبه و بزرگ است. (بقره، ۲۵۵)

این آیه جایگاه ویژه‌ای در بین آیات قرآن دارد؛ به طوری که پیامبر عزیز صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن را برگزیده‌ی قرآن و بهترین آیه نامیده است. می‌دانید چرا؟ چون در این آیه بسیاری از صفات خداوند به خوبی بیان شده و فهم همین یک آیه برای شناخت خداوند کافی است.

• فکر کن و بگو:

۱. بعد از «آیه‌الکرسی» دو آیه‌ی دیگر وجود دارد که خواندن آن‌ها نیز ثواب زیادی دارد. آن دو آیه را نیز به همراه «آیه‌الکرسی» حفظ کرده و در کلاس بخوانید.
۲. کدام دعای مشهور است که هزار صفت خداوند در آن آمده است؟
۳. هر کدام از صفت‌های زیر در «آیه‌الکرسی» برای خداوند بیان شده است. عبارت مربوط به هر کدام را بنویسید:

قدرت:

علم:

حیات:

یکی از پرسش‌هایی که بیشتر افراد مطرح می‌کنند، این است که خدا شبیه چیست؟ چگونه می‌شود خدا را معرفی و توصیف کرد؟ آیا او نیز مانند انسان‌ها دست دارد؛ بر تخت می‌نشیند و فرمان می‌دهد، می‌خوابد و بیدار می‌شود؟ چگونه می‌توان به موجودی ایمان بیاوریم که او را نمی‌بینیم و صدایش را نمی‌شنویم؟!

جالب است بدانید این سؤال - بر خلاف ظاهر ساده و پاسخ روشنش - سبب گمراهی بسیاری از مردم و عامل اصلی بت‌پرستی در طول تاریخ بوده است. علت پرسش این‌گونه سؤال‌ها، طبیعی است؛ چون ما انسان‌ها بیشتر با پدیده‌های طبیعی و مادی سر و کار داریم و ذهن ما عادت ندارد تا موجودات غیر مادی را تصور کند. بسیاری از ما انسان‌ها این‌گونه هستیم که اگر چیزی را نبینیم، باور نمی‌کنیم، ولی آیا این اعتقاد درست است؟ آیا باید همه چیز را دید تا باور کرد؟!

برای روشن شدن پاسخ، چند مثال می‌زنیم: آیا شما تاکنون جریان الکتریسیته و برق را دیده‌اید؟ از کجا می‌دانید که چنین جریانی وجود دارد؟ آیا تاکنون هوا را با چشمانتان مشاهده کرده‌اید؟ نیروی جاذبه‌ی زمین را چگونه می‌بینید؟ می‌بینید که خیلی چیزها در جهان وجود دارد که ما آن را با چشم نمی‌بینیم، ولی چون آثار و نشانه‌هایش را می‌بینیم، وجود آن را پذیرفته‌ایم. خدا نیز با چشم دیده نمی‌شود، ولی از آثار و نشانه‌هایش شناخته می‌شود. به این‌آیه توجه کنید:

خدا دیده نمی‌شود.

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ﴿١٠٣﴾

چشم‌ها او را در نمی‌یابند (نمی‌بینند)، ولی او چشم‌ها را در می‌یابد، و او لطیف و آگاه است. (انعام،

۱۰۳)

ممکن است از خود پرسید که چرا خداوند دیده نمی‌شود؟ پاسخ این سؤال وقتی روشن می‌شود که بدانید چشم ما تنها چیزهایی را می‌بیند که ماده و شکل داشته باشند یا به عبارت ساده‌تر، جسم باشند. خداوند چون جسم نیست و شکل و صورت ندارد، قابل دیدن هم نیست.

• فکر کن و بگو:

۱. جای خالی شعر را کامل کن:

به بنگرم دریا تو بینم

به صحرا بنگرم ... تو بینم

به ... بنگرم کوه و در و دشت

نشان از قامت رعنا تو بینم

۲. فردی از امام علی علیه السلام پرسید: «آیا خدا را دیده‌ای؟» امام پاسخ داد: «مگر می‌شود کسی

را که ندیده‌ام عبادت کنم؟!» به نظر شما، منظور امام از این جمله چه بوده است؟

۳. با کمک معلم و دوستانت این حدیث زیبا از امام علی علیه السلام را معنا کن: «لَا تُدْرِكُهُ الْعُيُونُ

فِي مَشَاهِدَةِ الْأَبْصَارِ وَ لَكِنْ رَأَتْهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ»

جوانی نزد امام حسین علیه السلام آمد و با ناراحتی گفت: «آقای من! من به گناه عادت کرده‌ام و نمی‌توانم آن را ترک کنم. لطفاً مرا راهنمایی کنید تا از گناه دست بردارم.» امام رو به جوان کرد و گفت: «اشکالی ندارد! اگر می‌خواهی گناه بکنی، بکن، فقط جایی برو که خدا تو را نبیند.» جوان سر به زیر انداخت و گفت: «حق با شماست. من هر کجا بروم، خدا نیز مرا می‌بیند. من دیگر گناه نمی‌کنم.»

خدا به ما نزدیک است.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَهُ مَا تُوَسَّوَسُ بِهِ نَفْسُهُ وَمَنْ أَوْلَىٰ إِلَيْهِ مِنْ جَبَلٍ أَلْوَيْدٍ ﴿١٦﴾

ما انسان را آفریدیم و وسوسه‌های نفس او را می‌دانیم، و ما به او از رگ قلبش نزدیک‌تریم! (ق، ۱۶)

خدا کجاست؟ آیا از ما خبر دارد؟ آیا کارهای ما را می‌بیند؟ چگونه با او حرف بزنم؟ آیا صدای مرا می‌شنود؟ چرا پاسخ مرا نمی‌دهد؟ اگر خدا کارهای ما را می‌بیند، پس چرا با کسانی که به دیگران ظلم و ستم می‌کنند، برخورد نمی‌کند؟

همه‌ی این‌ها سؤالاتی است که گاه ذهن ما را درگیر خود می‌کند. بیشتر کسانی که این سؤالات را می‌پرسند، خداوند مهربان را به خوبی نشناخته‌اند. آن‌ها فکر می‌کنند خدا این جهان را آفریده و آن را به حال خود رها کرده است؛ در حالی که این تصور اشتباه است. خدا نه تنها از کارها، آرزوها، خواسته‌ها و مشکلات ما خبر دارد؛ بلکه حتی چیزهایی را که به ذهن ما

خطور می‌کند و کسی از آن آگاه نیست، می‌داند. سخنان ما را می‌شنود و از خواسته‌های ما آگاه است. آری! او مهربان‌ترین دوست ماست؛ مهربان‌ترین و نزدیک‌ترین؛ حتی از خودمان به خودمان نزدیک‌تر است.

• فکر کن و بگو:

۱. این جمله از کیست؟
«عالم محضر خداست. در محضر خدا معصیت نکنیم!»
۲. جای خالی را پر کن:
اگر می‌خواهی خدا با تو حرف بزند بخوان.
اگر می‌خواهی تو با خدا حرف بزنی بخوان.
۳. این آیه را معنا کن: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (علق، ۱۴)

چه نیازی به ظلم است؟!

۱۱

می‌دانید که یکی از اصول دین ما شیعیان، عدالت خداوند است؛ یعنی ما معتقدیم خداوند هرگز کار ناشایست و قبیح انجام نداده و به هیچ کس ظلم نمی‌کند. می‌دانید چرا؟ چون نیازی به ظلم کردن ندارد. به عبارت دیگر، تنها کسانی به دیگران ظلم می‌کنند که از چیزی می‌ترسند یا دوست دارند به چیزی برسند یا نمی‌دانند که ظلم چیست و یا از انجام کار خوب عاجز و ناتوان هستند؛ درحالی‌که خداوند هیچ کدام از این کمبودها را ندارد. پس چرا باید ظلم کند؟! (خوب دقت کنید!)

خدا عادل است.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ﴿٤٤﴾

خداوند به مردم هیچ ستمی نمی‌کند ولی این مردمند که به خویشتن ستم می‌کند! (یونس، ۴۴)

ممکن است بپرسید پس چرا ما گاهی اوقات می‌بینیم که برخی انسان‌ها همواره در سختی و مشکلات هستند و برخی دیگر در رفاه و نعمت زندگی می‌کنند؟ آیا این بی‌عدالتی و ظلم نیست؟

پاسخ این سؤال نیاز به کمی توضیح دارد. خداوند مهربان به شیوه‌های مختلف همه‌ی انسان‌ها را مورد امتحان و آزمایش قرار می‌دهد؛ مثلاً به یکی مال و ثروت فراوان می‌دهد تا ببیند آیا آن را در راه درست و کمک به نیازمندان مصرف می‌کند یا خیر؟ کسی را به فقر

و بیماری دچار می‌سازد تا ببیند آیا وی همچنان شکرگزار خداوند هست یا زبان به شکوه و شکایت می‌گشاید؟ به هر حال، تفاوت انسان‌ها در امکانات و شرایط زندگی به معنای تبعیض و نورچشمی بودن یک عده نیست؛ زیرا خداوند در روز قیامت، هر کس را به اندازه‌ی توان و استعدادش حسابرسی می‌کند.

• فکر کن و بگو:

۱. در آیه‌ی بالا آمده است: «مردم به خودشان ظلم می‌کنند.» منظور از این جمله چیست؟
۲. چند نمونه از ظالمان تاریخ را نام ببر و انگیزه‌ی هر کدام را از ظلم بیان کن! (مثال: فرعون: چون می‌ترسید موسی تاج و تختش را از بین ببرد.)
۳. به نظر شما، آیا عدالت به این معناست که خداوند با همه‌ی انسان‌ها در روز قیامت به یک شکل برخورد کند؟ چرا؟

بخش سوم:

راهنما و پیشوای من کیست؟

روشن است که برای قدم برداشتن در هر مسیری نیاز به راهنما احساس می‌شود؛ راهنمایی که خود این مسیر را طی کرده باشد و به خوبی از موانع و آسیب‌های راه آگاه باشد. مسیر رسیدن انسان به کمال و سعادت نیز، مسیر پرپیچ و خمی است که دارای موانع و مشکلات فراوان است. بنابراین نیاز به راهنمایی دارد که ما را در پیمودن این راه کمک کنند. ما به این راهنمایان، پیامبر و امام می‌گوییم. موضوعات این بخش سؤال‌های ما را درباره‌ی دو اصل اعتقادی مهم به نام «نبوت و امامت» پاسخ می‌دهد:

تا به حال با خود فکر کرده‌اید پیامبران چه فوایدی برای ما دارند؟ اگر انبیاء نبودند، چه اتفاقی می‌افتاد؟ چرا ما باید از آنان پیروی کنیم؟ برای پاسخ این سؤال‌ها به این مثال دقت کنید:

فرض کنید شما با دوستانتان به اردوی تفریحی خارج شهر رفته‌اید، ولی پس از مدتی بازی و تفریح، هوا تاریک شد و شما مریب خود را گم کردید. در این صورت ترس و وحشت تمام وجود شما را فراگرفته و نمی‌دانید باید چه کنید؟ از کدام راه بروید که به مقصد برسید؟ چه آب و غذایی بخورید که آلوده و سمی نباشد؟ کجا استراحت کنید که حیوانات وحشی به سراغ شما نیاید؟ و ... اما اگر در این حالت، نقشه و انسان راهنمایی داشته باشید که راه را به شما نشان داده و اطلاعات کافی از محیط در اختیارتان قرار دهد، ترس و اندوهتان برطرف شده و نگرانی ندارید. کاربرد دین در زندگی ما همان نقشه‌ی راه و فایده‌ی پیامبران نیز همان راهنمای راه است. به عبارت دیگر، دین، نقشه‌ی راه انسان‌ها در زندگی را نشان می‌دهد و پیامبران ما را در پیمودن این راه یاری و راهنمایی می‌کنند. بنابراین خداوند با ارسال پیامبران، ابزارهای لازم برای هدایت ما را کامل کرده است.

چرا به پیامبران نیاز داریم؟

رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ

اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٦٥﴾

پیامبرانی که مژده‌رسان و بیم‌دهنده بودند تا مردم [در دنیا و آخرت در برابر خدا] پس از فرستادن پیامبران، عذر و بهانه و حجتی نداشته باشند؛ و خدا همواره توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است. (نساء،

۱۶۵)

از این آیه می‌فهمیم: بعثت پیامبران برای هدایت بشر لازم و ضروری است؛ زیرا اگر آن‌ها نبودند، مردم برای گمراهی خود عذر و بهانه موجهی داشتند. البته پیامبران علاوه بر هدایت مردم، اهداف بزرگ دیگری نیز داشتند؛ مانند برپایی عدالت، مبارزه با ستمگران، پاسخ به نیازهای علمی مردم، رشد اخلاقی مردم و

• فکر کن و بگو:

۱. اولین و آخرین پیامبر که بود؟
۲. با دوستانت مسابقه بگذار که چه کسی بیشتر می‌تواند این جمله را صحیح و درست کامل کند:
اگر پیامبران نبودند
۳. چند مورد از اهداف بعثت انبیاء را نام ببرید.

در درس گذشته آموختیم که خداوند متعال برای هدایت بشر پیامبرانی را مبعوث کرد تا راه صحیح بندگی را به آنان نشان داده و قلب‌های آنان را به خدا نزدیک کنند. مردمی که با دعوت انبیاء روبرو می‌شدند، دو دسته بودند: گروه بسیاری از مردم به خاطر علاقه‌ی شدید به لذت‌های دنیا با تعالیم انبیاء مخالفت کرده و یا حتی آنان را می‌کشتند. آری! در طول تاریخ ستمکاران و متکبران از هیچ کاری برای دشمنی علیه پیامبران و دور کردن مردم از آنان دریغ نمی‌کردند. در طرف مقابل، گروه اندکی از مؤمنان نیز وجود داشتند که با جان و دل به سخنان پیامبران گوش داده و به آن عمل می‌کردند. وظیفه‌ی ما نیز در برابر پیامبران الهی این است که اولاً به آنان ایمان بیاوریم و ثانیاً به سمت راهی حرکت کنیم که پیامبران ما را به آن دعوت کرده‌اند؛ راه توحید و بندگی خداوند.

وظیفه‌ی ما در برابر همه‌ی پیامبران

ءَاَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ ۚ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ
وَرُسُلِهِ ۚ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ ۚ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۚ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا
وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٨٥﴾

پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. و همه‌ی مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند (و می‌گویند): ما در میان هیچ یک از

پیامبران او، فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم). و (مؤمنان) گفتند: «ما شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! (انتظارِ) آمرزش تو را (داریم) و بازگشت (ما) به سوی توست.» (بقره، ۲۸۵)

در این آیه می‌بینیم که خداوند، پیامبر ﷺ و مؤمنان را ستایش می‌کند چون به او، فرشتگان، پیامبران و کتاب‌های آسمانی ایمان آورده و با تمام وجود از آن پیروی می‌کنند. پس ما نیز باید به تمام پیامبران احترام گذاشته و از راه مشترک همه‌ی آن‌ها - که توحید و عبادت خداست - پیروی کنیم.

• فکر کن و بگو:

۱. پیامبران اولوالعزم چه کسانی بودند و چرا به این نام خوانده می‌شوند؟
۲. آیا می‌دانید تعداد پیامبران چند نفر بود؟ آیا همه‌ی امت‌ها پیامبر داشتند؟
۳. به نظر شما، محتوای دعوت همه‌ی انبیاء یکی بوده است؟

همان‌گونه که می‌دانید پیامبر اسلام ﷺ آخرین فرستاده از جانب خدا برای هدایت مردم بود و پس از او هیچ پیامبری نخواهد آمد.

پیامبر اسلام ﷺ آخرین پیامبر است.

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ﴿٤٠﴾

محمد، پدر هیچ يك از مردان شما نیست، ولی فرستاده‌ی خدا و خاتم پیامبران است؛ و خدا به هر چیزی داناست. (احزاب، ۴۰)

شاید پرسید پس این همه دلیلی که برای بعثت انبیاء مطرح شد، چه می‌شود؟ آیا مردم پس از زمان پیامبر ﷺ نیازی به هدایت نداشتند؟ پاسخ این سؤال این است که دین اسلام کامل‌ترین ادیان است و تمام نیازهای بشر تا روز قیامت با عمل به آن برآورده می‌شود. از طرفی قوانین و دستورات این دین نیز به وسیله قرآن و سخنان پیامبر ﷺ و امامان به دست ما رسیده است. بنابراین نیازی به پیامبر جدید وجود دارد. در واقع، خداوند همان ابزارهای لازم برای هدایت انسان‌ها را در قرآن کریم و سخنان پیامبر ﷺ و جانشینانش فراهم کرده است. حتماً تاکنون این حدیث مشهور را شنیده‌اید که پیامبر ﷺ در اواخر عمر پربرکت خود

فرمودند: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ؛ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي مَا إِنْ مَسَّكُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا أَبَدًا؛
من دو چیز گران بها برای شما به یادگار می گذارم: کتاب خدا (قرآن) و اهل بیت. تا وقتی
که به آن دو توجه کرده و عمل کنید، گمراه نخواهید شد.»

آری! با عمل به این سخن مشهور پیامبر ﷺ، دیگر عذر و بهانه‌ای برای گمراهی مردم پس
از پیامبر ﷺ وجود ندارد.

• فکر کن و بگو:

۱. از چه راه‌هایی می‌توان پیامبران را شناخت؟
۲. آیا دین اسلام پس از پیامبر اکرم ﷺ دچار تغییر و دگرگونی (تحریف) نشد؟
۳. از مریب خود بخواهید تا داستان برخی از کسانی که پس از پیامبر ﷺ ادعای نبوت کرده و
رسوا شدند را برایتان بازگو کند.

چهارتن از بزرگ‌ترین دانشمندان عرب - که با اسلام مخالف بودند - تصمیم گرفتند برای مبارزه با قرآن، آیاتی همانند آن بیاورند. به همین منظور، قرار گذاشتند تا سال بعد هر کدام به اندازه‌ی یک چهارم قرآن، اشعاری درست کنند که مثل قرآن زیبا و تأثیرگذار باشد. سال بعد همگی در زمان حج و در کنار خانه‌ی خدا جمع شدند تا نتیجه‌ی کارهایشان را به هم نشان دهند، ولی هر کدامشان با نهایت سرشکستگی و شرمندگی اعتراف کرد که حتی نتوانسته یک آیه مانند قرآن بیاورد. در این هنگام امام صادق علیه السلام از کنار آنان عبور کرد و این آیه‌ی شریفه را خواند:

قرآن معجزه‌ی ابدی پیامبر و سخن خداست.

قُلْ لِّیْنَ اَجْمَعَتِ الْاِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَیْ اَنْ یَّاتُوْا بِمِثْلِ هٰذَا الْقُرْاٰنِ لَا یَاتُوْنَ بِمِثْلِهٖ
وَلَوْ کَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیْرًا



بگو: قطعاً اگر جن و انس جمع شوند که مانند این قرآن را بیاورند، نمی‌توانند مانندش را بیاورند اگرچه

پشتیبان یکدیگر باشند. (اسراء، ۸۸)

همان‌گونه که می‌دانید مهم‌ترین راه شناخت پیامبران، معجزه است. معجزه یعنی چیزی که دیگران از انجام آن عاجز و درمانده هستند و پیامبران آن را برای اثبات نبوت خود انجام می‌دادند. قرآن کریم معجزه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله اسلام است. این کتاب مقدس در زمانی نازل شد

که شعر و ادب عربی در اوج شکوفایی خود قرار داشت و شاعران فراوانی همیشه به خواندن شعرهای زیبا و شنیدنی می پرداختند. با نزول قرآن، همگان به فصاحت و شیوایی قرآن اعتراف کرده و کلامی برتر از قرآن نیامد. قرآن کریم در چهار مرتبه از همه ی مخالفان می خواهد تا اگر می توانند کتاب یا سوره یا حداقل آیه ای مانند این کتاب را بیاورند. آیه ی بالا، یکی از این آیات است. بسیاری از مخالفان تلاش زیادی برای مبارزه با قرآن کردند، ولی بافته های آنان جز تمسخر و خنده ی دیگران سود دیگری نداشت.

• فکر کن و بگو:

۱. معجزه ی پیامبران اولوالعزم علیهم السلام چه بوده است؟
۲. آیا معجزه بودن قرآن فقط در زیبایی و آیات دلنشین آن است؟ زمینه های دیگر اعجاز قرآن (اعجاز علمی، اعجاز در پیشگویی و ...) را با کمک مربی تان بیان کنید.
۳. با مراجعه به آیات بیان شده، چهار مرحله از مبارزه طلبی قرآن با مخالفان را شرح دهید.
(هود، ۱۳ / بقره، ۲۳ / طور، ۳۴ / اسراء، ۸۸)

یکی از مهم‌ترین دلایل گسترش سریع دین اسلام و محبوبیت گسترده‌ی پیامبر ﷺ نزد مردم زمانش، اخلاق نیکوی آن حضرت بود. حتی دشمنان سرسخت و لجاج ایشان نیز اخلاق او را مورد تقدیر و ستایش قرار می‌دادند. قرآن کریم در موارد مختلف از صفات نیکو و پسندیده آن حضرت ستایش می‌کند.

اخلاق نیکوی پیامبر اسلام ﷺ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَّ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ ﴿١﴾ مَا أَنْتَ بِمَجْنُونٍ ﴿٢﴾ وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

﴿٣﴾ وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿٤﴾

به نام خدا که رحمتش بی اندازه است و مهربانی اش همیشگی * سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند، (۱) که به سبب رحمت پروردگارت تو دیوانه نیستی؛ (۲) و بی‌تردید برای تو پاداشی همیشگی است؛ (۳) و یقیناً تو بر [قله‌ی بلند صفات نیکو و] اخلاق بزرگی قرار داری. (۴) (قلم)

گوشه‌ای از اخلاق آن حضرت را این‌گونه می‌توان توصیف کرد: با دیگران همواره با خوشرویی و احترام رفتار می‌نمود؛ به بزرگ‌ترها احترام کرده و با کودکان بسیار مهربان و صمیمی بود؛ از خطای دیگران گذشت می‌نمود و هیچ‌گاه کسی را مورد تحقیر و سرزنش قرار نمی‌داد؛

با وجود سن بالايش، ديگران را در كارهاي دسته جمعي ياري مي كند؛ از مشكلات و سختي ها هراسي نداشت و با دشمنان دين نامهربان و سخت گير بود؛ در كنار تهيدستان مي نشست و با آنان غذا مي خورد؛ هيچ گاه با تكبر و بزرگ بيني با كسي رفتار نكرد؛ به نظافت و پاكدامني اهميت فوق العاده مي داد و همواره آراسته و خوش بو بود؛ علم و دانش را بسيار دوست مي داشت و مؤمنان را به فراگيري آن دعوت مي نمود؛ امانت دار و درستكار بود و از دروغ و فريب كاري پرهيز مي نمود؛ در انجام عبادت و مناجات با خدا بانشاط و خستگي ناپذير بود و ...

• فكر كن و بگو:

۱. پيامبر ﷺ چه سختي هايي در زندگي خود كشيده است؟
۲. با مراجعه به قرآن آيات ۱۲۸ سوره توبه و ۱۵۹ سوره آل عمران را بخوانيد و بگويد در اين آيات خداوند از كدام اخلاق پيامبر ﷺ تقدير نموده است؟
۳. آيا همي پيامبران معصوم بودند؟ معنای عصمت چیست؟

پیابر گرامی اسلام ﷺ برترین مخلوق خدا و یگانه گوهر هستی است که مقامی بسیار والا و ارزشمند دارد. آیات فراوانی از قرآن به مقام والای پیامبر اکرم ﷺ اشاره می‌کند. در میان این آیات، شاید هیچ آیه‌ای از این آیه فراتر نباشد که در آن خداوند می‌فرماید که به همراه فرشتگان، بر رسولش درود می‌فرستند:

درود خدا بر پیامبر ﷺ

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا

تَسْلِيمًا ﴿۵۶﴾

همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر ﷺ درود و رحمت می‌فرستند. ای اهل ایمان! بر او درود فرستید و آن گونه که شایسته است، تسلیم او باشید. (احزاب، ۵۶)

حتماً تاکنون این آیه را پس از نمازهای جماعت خوانده یا شنیده‌اید. در این آیه خداوند به مؤمنان خبر داده است که خود و فرشتگانش بر پیامبر اکرم ﷺ درود می‌فرستند. درود خدا بر رسول گرامی اسلام ﷺ به این معناست که همواره او را مورد رحمت و مهر خاص خود قرار می‌دهد. سپس خداوند متعال از مؤمنان خواسته تا آنان نیز بر پیامبرشان درود فرستاده و در برابر سخنان او تسلیم باشند.

صلوات بر پیامبر ﷺ، نوعی قدردانی و سپاس از بهترین راهنمای انسان هاست. صلوات بر پیامبر ﷺ و خاندانش سبب می‌شود تا ما به یاد آنان افتاده و سعی کنیم زندگی خودمان را شبیه و هماهنگ با آنان کنیم. به همین دلیل است که در سخنان پیشوایان ما تأکید شده تا زیاد بر پیامبر ﷺ و خاندانش درود بفرستیم. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «سنگین‌ترین عملی که در روز قیامت بر ترازوی اعمال گذاشته می‌شود، صلوات بر محمد و اهل بیتش علیهم السلام است.» اللهم صلّ علی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

• فکر کن و بگو:

۱. در آیه‌ی بالا، خداوند علاوه بر صلوات بر پیامبر ﷺ چه دستور دیگری به مؤمنان داده است؟
۲. بیت زیر را کامل کنید:
سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی
.....
۳. از مربی خود بخواهید چند حدیث درباره‌ی ثواب صلوات برایتان بخواند.

در درس قبل به مقام والای پیامبر اکرم ﷺ اشاره کردیم. حالا باید ببینیم وظیفه‌ی ما در برابر آن حضرت چیست؟ قبل از بیان این مطلب باید به این نکته توجه کرد که پیامبر گرامی اسلام ﷺ - هم چون سایر پیامبران - هیچ مزد و پاداشی برای دعوت مردم به سوی خدا طلب نکرده‌اند. آنان تنها برای رضایت و خشنودی خداوند هرگونه سختی و رنجی را به جان خریدند تا کام تشنه مردم را با چشمه‌ی زلال وحی سیراب نمایند. بنابراین، وقتی از وظیفه‌ی خود در برابر پیامبران سخن می‌گوییم، به این معنا نیست که انجام این وظیفه توسط ما به نفع انبیاء باشد یا ترک آن توسط ما به ضررشان باشد. مهم‌ترین وظیفه‌ی ما در برابر پیامبر ﷺ آن است که به سخنانش گوش داده و کاملاً از او پیروی کنیم:

وظیفه‌ی ما در برابر پیامبر ﷺ

وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ... ﴿٧﴾

و آنچه پیامبر ﷺ [از احکام و معارف دینی] به شما عطا کرد، بپذیرید و از آنچه شما را نهی کرد، دوری کنید ... (حشر، ۷)

خداوند متعال در قرآن کریم، اطاعت از پیامبر ﷺ را اطاعت از خود خوانده است و با تأکید زیاد از مسلمانان خواسته تا به سخنان پیامبرشان گوش داده و از او پیروی کنند؛ زیرا این کار به سود آنان است و سبب خوشبختی آنان خواهد شد.

حضرت علی علیه السلام در سخن بسیار زیبا و پرمفهومی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به پزشکی تشبیه کرده است که با داروهایش در میان انسان‌ها می‌گردد و هر کس که مریض و بیماری دارد، شفا می‌دهد. به نظر شما، آیا شایسته است که بیماری خود را از این طبیب مهربان پنهان کرده و یا به داروهای ساختگی دیگر روی بیاوریم؟!

• فکر کن و بگو:

۱. این آیه را ترجمه و معنا کنید: **وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ** (انبیاء، ۱۰۷)
۲. خداوند در آیه ۲۱ سوره‌ی احزاب، پیامبر صلی الله علیه و آله را الگوی مؤمنان معرفی می‌کند. این آیه را در قرآن پیدا کنید و ترجمه کنید.
۳. با دقت در این آیه بگویید چگونه می‌توان از آن برداشت کرد که پیامبر ما صلی الله علیه و آله هیچ خطا و اشتباهی نمی‌کند و از گناه معصوم است؟

یکی از اصول دین شیعیان، امامت است؛ یعنی ما شیعیان معتقدیم که پیامبر اسلام ﷺ در آستانه‌ی رحلت خود، امام علی را به عنوان جانشین خود معرفی کرده و به همه‌ی مسلمانان دستور دادند تا از ایشان پیروی کنند. دلایل بسیاری برای امامت بیان شده است. برای نمونه به آیه زیر توجه کنید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ... ﴿۵۹﴾

ای اهل ایمان! از خدا اطاعت کنید و [نیز] از پیامبر ﷺ و صاحبان امر خودتان [که منظور امامان و اهل بیت‌اند] اطاعت کنید... (نساء، ۵۹)

پیامبر اکرم ﷺ بعد از نزول این آیه دوازده امام شیعه را یک به یک نام بردند و فرمودند: «منظور از اولوالأمر، این دوازده تن هستند.» ما شیعیان برای امامت دلایل عقلی زیادی هم داریم. یکی از ساده‌ترین این دلایل این است:

فرض کنید راننده‌ی یک اتوبوس از ابتدا بداند که به دلایلی نمی‌تواند تا انتهای سفر رانندگی کرده و مسافرانش را همراهی کند. روشن است که در این صورت مسافران از او توقع دارند که فرد دیگری را به عنوان جانشین خود برگزیند تا رانندگی اتوبوس را در ادامه‌ی مسیر به عهده بگیرد. پیامبر گرامی ما ﷺ نیز - به عنوان راهنمای زندگی ما - می‌دانست که پس از مدتی از دنیا خواهد رفت. آیا ممکن است که امت خود را پس از رحلتش رها کرده باشد؟

به ویژه آن‌که، وی حتی هنگامی که برای جنگ با دشمنان از مدینه خارج می‌شد، فردی را به عنوان جانشین خود در مدینه انتخاب می‌کرد.

• فکر کن و بگو:

۱. پیامبر گرامی ﷺ در کجا و چگونه امام علی ؑ را به عنوان جانشین خود معرفی کردند؟
۲. کدام آیه از قرآن به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد تا جانشینش را به مردم معرفی کند؟
۳. به نظر شما، آیا خود مردم بدون هدایت خدا و پیامبر ﷺ می‌توانند فردی را به عنوان رهبر خود برگزینند؟ چرا؟

ابوذر غفاری - یکی از یاران باوفای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - نقل می‌کند: روزی از روزها در مسجد نماز ظهر را خواندم. بعد از نماز، نیازمندی بلند شد و از مردم یاری خواست، کسی به او چیزی نداد. او دستانش را به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «خدایا! تو شاهد باش در مسجد پیامبرت از مسلمانان یاری خواستم، اما کسی به من کمک نکرد. در این هنگام، علی علیه السلام در گوشه‌ای از مسجد در حال رکوع نماز بود که با انگشست کوچک دست خود که انگشتری در آن بود به فرد نیازمند اشاره کرد و او نزدیک آمد و انگشتر را از دست آن حضرت بیرون آورد. پس از مدتی رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مسجد شد و به آن سائل گفت: «آیا کسی چیزی به تو کمک کرده است؟» وی پاسخ داد: «آری! آن مرد که نماز می‌خواند.» پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «چه چیزی به تو داد؟» آن مرد پاسخ داد: «انگشترش را» رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دوباره پرسید: «در چه حالی انگشتر را به تو بخشید؟» وی پاسخ داد: «در حال رکوع نماز به انگشتر خود اشاره کرد و من آن را برداشتم.»

در این هنگام، پیامبر صلی الله علیه و آله این آیه‌ی شریفه را تلاوت کرد:

إِنهَآ لَیْکُمْ أَنلَهُ وَرَسُولُهُ وَالذِّینَ ءَامَنُوا الذِّینَ یَقِیمُونَ الصَّلَاةَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاةَ وَهَمَّ رَاکِعُونَ ﴿۵۵﴾

سرپرست شما فقط خدا و رسول اوست و مؤمنانی [مانند علی بن ابی طالب‌اند] که همواره نماز را برپا می‌دارند و در حالی که در رکوعند، زکات می‌دهند. (مائده، ۵۵)

تمام مسلمانان قبول دارند که این آیه یکی از آیات فراوان قرآن در فضیلت حضرت علی علیه السلام می باشد. بنا بر این آیه، آن حضرت سرپرست و رهبر مؤمنان می باشد.

فکر کن و بگو:

۱. چه آیات دیگری برای فضیلت امام علی علیه السلام می شناسید؟
۲. کدام آیه ی قرآن به ماجرای فداکاری و از جان گذشتگی حضرت علی علیه السلام در هنگام هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله اشاره می کند؟
۳. مصرع اول شعر را بگو:
.....
که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را!

در درس گذشته، بیان شد که خداوند به پیامبر گرامی اسلام ﷺ دستور داد تا از همان ابتدا برای خود جانشین تعیین کند و هدایت مسلمانان پس از خود را به وی بسپرد. آن حضرت نیز از همان ابتدای بعثت در جلسات گوناگون و با عبارات مختلف، اعلام کرد که جانشینان پس از او دوازده امام از نسل وی هستند. آن حضرت در سخنان متعددی نام یک‌یک آنان را نیز اعلام کرد تا بهانه‌ای برای سرپیچی و مخالفت دشمنان باقی نماند. اگرچه در قرآن نام امامان نیامده است، اما در آیات زیادی بر فضیلت و برتری آنان نسبت به دیگران تأکید شده است.

یکی از مشهورترین این آیات، «آیه تطهیر» است:

...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ﴿۳۳﴾

... خدا همواره می‌خواهد هرگونه پلیدی را از شما اهل بیت [یعنی محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین

علیهم‌السلام] برطرف نماید، و شما را چنان که شایسته است [از همه گناهان] پاک و دور نگه دارد. (احزاب، ۳۳)

منظور از «اهل بیت» در این آیه، امامان شیعه هستند. هنگامی که این آیه نازل شد، پیامبر

گرامی اسلام ﷺ عباى خود را بر روی امام علی، حضرت فاطمه، امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام

انداخت و فرمود: «خداوند! این‌ها اهل بیت و خاندان من هستند؛ پس آنان را از هرگونه

آلودگی و گناه دور کن!»

این آیه ثابت می‌کند که امامان ما نیز هم چون پیامبران عصمت دارند؛ یعنی زشتی و پلیدی گناه را می‌دانند و هیچ‌گاه در زندگی مرتکب گناه و خطا نمی‌شوند.

• فکر کن و بگو:

۱. چه آیات دیگری برای فضیلت اهل بیت علیهم‌السلام در قرآن سراغ دارید؟
۲. لقب هر یک از امامان ما را بیان کرده و معنای هر یک را بگویید؟
۳. از مربی خود بخواهید معنای این حدیث را توضیح دهد: «زمین هیچ‌گاه از حجت خدا خالی نمی‌شود»

در این درس قصد داریم شما را با ثروتی هنگفت آشنا کنیم که خداوند مهربان به ما ارزانی داشته است. به این حکایت توجه کنید:

یکی از دوستان امام صادق علیه السلام که فقیر و تنگدست بود، چند بار خدمت حضرت صادق علیه السلام رسید و هر بار عرض کرد: «من فقیرم! لطفاً به من کمک کنید...» امام هر بار فرمودند: «تو فقیر نیستی.» بار آخر سؤال کرد: «چطور من فقیر نیستم؟» امام فرمودند: «آیا حضری همه‌ی دنیا را بگیری و مقداری از محبت ما اهل بیت علیهم السلام را بدهی؟» عرض کرد: «نه آقای من! محبت شما را با همه‌ی عالم عوض نمی‌کنم.» امام فرمودند: «دیدنی فقیر نیستی، چه ثروتی عظیم‌تر از این؟!»

آری! محبت اهل بیت علیهم السلام بالاترین نعمت خداوند بر ماست که سبب می‌شود تا همواره آنان را دوست داشته باشیم و سعی کنیم مانند آنان زندگی کنیم. خداوند در قرآن کریم، بارها ما را به دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام دعوت کرده است. یکی از این آیات، آیه‌ی «مودت» است:

دوستی اهل بیت علیهم السلام؛ مزد رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله

... قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ...

بگو: از شما [در برابر ابلاغ رسالت] هیچ پاداشی جز دوستی و مودّت نزدیکانم [یعنی اهل بیت علیهم السلام] را نمی‌خواهم. (شوری، ۲۳)

منظور از «قربی» در این آیه، امامان شیعه یا همان اهل بیت علیهم السلام هستند. خداوند در این آیه پیامبر صلی الله علیه و آله را مأمور می‌کند تا به همگان اعلام کند مزد زحماتی که برای هدایت آنان کشیده است، دوستی و محبت خاندانش است. می‌دانیم که محبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نفعی برای آن حضرت ندارد؛ بلکه این ما هستیم که با دوستی آن بندگان صالح و خوب خداوند، به خدا نزدیک‌تر می‌شویم.

• فکر کن و بگو:

۱. آیا دوستی اهل بیت علیهم السلام تنها به معنای علاقه‌ی قلبی به آنان است یا پیروی از آن‌ها هم نیاز هست؟

۲. این حدیث را معنا کنید: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ مَاتَ عَلَى حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيداً»

۳. از مربی خود بخواهید چند حدیث درباره‌ی دوستی اهل بیت علیهم السلام برای شما بخواند.

قرآن کریم چندین بار به مؤمنان بشارت داده است که در آخرالزمان حکومت و فرماندهی زمین را به آنان خواهد سپرد تا دین را در جامعه آن گونه که شایسته است، اجرا کنند و انتقام خود را از ستمگران را بگیرند:

حکومت مستضعفان در زمین (ظهور امام زمان؟ عج؟)

وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ

الْوَارِثِينَ ﴿٥﴾

ما می خواهیم به آنان که در زمین به ناتوانی گرفته شده بودند، نعمت های بارزش دهیم، و آنان را پیشوایان مردم و وارثان [بر روی سرزمین ها] گردانیم. (قصص، ۵)

جالب است بدانید که وعده ی آمدن فردی صالح و تشکیل حکومت صالحان، تقریباً در همه ی ادیان وجود دارد؛ اگرچه نام آن فرد در ادیان مختلف متفاوت است. به اعتقاد ما شیعیان، منظور از این فرد موعود، حضرت مهدی؟ عج؟ است که خداوند برای حفظ جانش از دست دشمنان، او را از نظرها غایب نموده است. البته غیبت آن حضرت به معنای نبودن او نیست؛ بلکه به معنای استفاده کمتر از حضور آن حضرت است. از پیامبر گرامی اسلام ﷺ پرسیدند: «آیا شیعیان در زمان غیبت حضرت مهدی؟ عج؟ از وجود مبارک او بهره مند می گردند؟» آن حضرت فرمود: «آری! سوگند به خدا، آنان در غیبت او، از وجودش بهره مند

می‌گردند و از نور امامت او، روشنائی برای زندگی خویش می‌گیرند، درست هم چون بهره‌ور شدن از خورشیدی که ابرها چهره‌ی آن را بیوشانند.»

آری! همان‌گونه که خورشید با وجود غایب بودن پشت ابر، به مردم گرما و نور می‌دهد، امام زمان؟ عج؟ نیز با وجود غیبت ظاهریشان اعمال ما را می‌بیند و ما را در راه دین کمک می‌کند.

• فکر کن و بگو:

۱. به نظر شما، وظیفه‌ی ما در زمان غیبت امام زمان؟ عج؟ چیست؟
۲. این حدیث از کیست و به چه معناست؟ «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ»
۳. به نظر شما، آیا امکان دارد که کسی این قدر عمر کند؟ چند نفر که عمر طولانی داشتند نام ببرید.

بخش چهارم:

سرانجام من چه خواهد شد؟

مشخصاً انسانی که به سرانجام و مقصد سفر خود فکر نکند، فاقد عقل و تدبیر است. دین ما به خوبی و به روشنی پاسخ سؤال‌های مهم و کلیدی در این زمینه را بیان کرده است.

در این بخش قصد داریم به مهم‌ترین موضوعات پیرامون «معاد» اشاره کنیم:

شاید اگر از خیلی از ما انسان‌ها پرسند: «ترسناک‌ترین چیز در دنیا چیست؟» در پاسخ به موضوعاتی چون مرگ، مرده، قبرستان و مانند آن اشاره می‌کنیم. دلیل این همه ترس از مرگ چیست؟ حقیقت این است که بسیاری از ما تصور درستی از مرگ نداریم و به همین جهت از آن هراس داریم. به همین دلیل، پیشوایان دینی ما تلاش زیادی نموده‌اند تا مردم را با حقیقت مرگ آشنا ساخته و آنان را برای زندگی ابدی خود آماده سازند. به این آیه‌ی قرآن توجه کنید:

مرگ پایان زندگی نیست.

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْجَ عَنْ
النَّكَارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمَتْعٌ عَارِضٌ

۱۸۵

هر کسی مرگ را می‌چشد؛ و بدون تردید روز قیامت پاداش‌هایتان به طور کامل به شما داده می‌شود. پس هر که از آتش دور باشد و به بهشت برود، مسلماً خوشبخت شده است؛ و زندگی این دنیا جز

کالای فریبنده نیست. (آل عمران، ۱۸۵)

مرگ پایان زندگی نیست؛ بلکه انتقال آدمی از زندگی دنیا به زندگی دیگری است که جاودانه و ابدی است. در سخنان پیشوایان ما آمده است که مرگ برای مؤمن مثل در آوردن لباس کثیف و کهنه و پوشیدن لباس رنگین و گران بها یا مثل آزاد شدن از زندان است و برای کافر مثل درآوردن لباس گران قیمت و یا خارج شدن از بهشت و داخل شدن به زندان است.

در آیه‌ای که گذشت، تأکید شده که مرگ به سراغ همه‌ی انسان‌ها خواهد آمد و فقط آن‌هایی که در این دنیا به خدا ایمان داشته و عمل صالح انجام داده‌اند، وارد بهشت می‌شوند و به رستگاری می‌رسند.

• فکر کن و بگو:

۱. این جمله از کیست؟ «مرگ در نظر من از عسل شیرین‌تر است.»

۲. این حدیث از امام حسین علیه السلام را کامل کنید: الدُّنْيَا ... الْمُؤْمِنِ و ... الْكَافِرِ

۳. این شعر را معنا کنید:

بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر دیدی که چگونه گور بهرام گرفت.

فرض کنید پس از آن که یک سال درسی را با تلاش و کوشش فراوان پشت سر گذاشته و شب‌های امتحان بی‌خوابی کشیده‌اید تا نمره‌ی قابل قبولی در امتحان پایان سال به دست آورید. در همین مدت، دوستانتان را می‌دیدید که به درس بی‌توجه بوده و تنبلی می‌کردند. در روز امتحان، برگه‌های آزمون را در اختیار شما قرار می‌دهند و شما با خوشحالی پاسخ همه‌ی سؤالات را می‌نویسید، اما پس از پایان امتحان، به طور اتفاقی معلمان را می‌بینید که برگه‌های امتحان را به سطل آشغال می‌اندازد. آیا این کار او منطقی و درست است؟!

حال، آیا می‌توان فرض کرد خداوندی که همه‌ی کارهایش بر اساس حکمت و منطق است و در تمام امور، هدفی را دنبال می‌کند، با ما این چنین رفتار کند و پاداشی برای مؤمنان در نظر نگیرد. آیا در این صورت خلقت این جهان بیهوده نمی‌شود؟ به ایه‌ی زیر دقت کنید:

دلیل واقع شدن معاد

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ ﴿۱۱۵﴾

آیا گمان کردید ما شما را بیهوده آفریدیم و شما به سوی ما باز گردانده نمی‌شوید؟ (مؤمن، ۱۱۵)

از این آیه فهمیده می‌شود که هدف از آفرینش این جهان تنها زمانی محقق می‌شود که پس

از این دنیا، جهانی دیگری باشد تا در آن خداوند عدالت را به طور کامل محقق کند. آری! اگر قیامت و معادی در کار نباشد، زندگی در این جهان پوچ و بی‌معنی خواهد شد؛ انسان‌ها برای به قدرت رسیدن و لذت بردن از این دنیا دست به هر کاری می‌زنند تا به قدرت و ثروت بیشتری برسند و در واقع روح حیوانی و قانون جنگل در این دنیا حاکم می‌شود و انسانیت و نوع‌دوستی به کلی از بین می‌رود. بی‌جهت نیست که بیش از یک پنجم آیات قرآن درباره‌ی معاد است.

• فکر کن و بگو:

۱. اگر روز قیامتی در کار نباشد، چه اتفاقی می‌افتد؟
۲. رابطه‌ی معاد با عدل خدا چیست؟
۳. چرا امکان ندارد خدا کار بیهوده انجام دهد؟

بسیاری از کسانی که معاد را انکار می‌کنند، در امکان وقوع آن شک دارند؛ یعنی می‌گویند: «چگونه ممکن است که ما پس از آن که از بین رفتیم و تبدیل به مستی خاک شدیم، دوباره به همان صورت اول برگردیم و اجزای بدن ما یکی شود؟!»، در تاریخ آمده است که مردی از اعراب استخوان مرده‌ای را در قبرستان یافت و پیش پیامبر ﷺ آورد. سپس آن استخوان را در مشیت خود خرد کرد. هنگامی که استخوان پوسیده و متلاشی شده بر زمین ریخت، با تمسخر به آن حضرت گفت: «چه کسی می‌تواند این استخوان را دوباره را به حالت اول برگرداند؟!»، قرآن کریم به این سؤال، جواب محکم و دندان شکنی داده است: «همان کسی که بار اول این استخوان را در حالی که هیچ نبود، خلق کرده و به وجود آورد، می‌تواند دوباره نیز آن را زنده کند و تازه این کار آسان‌تر از بار اول است.» (یس، ۷۸ و ۷۹)

گاهی نیز قرآن به نمونه‌های معاد در همین دنیا اشاره می‌کند. یکی از این نمونه‌ها، آمدن بهار و فصل شکوفانیدن درختان و باغ‌هاست. خدای مهربان هر سال طبیعت بی‌جان و مرده را هنگام بهار دوباره زنده و باروح و نشاط می‌کند. این خود نمونه‌ی روشنی از قدرت خدا در زنده کردن مردگان است.

بهار و سرسبزی درختان؛ نشانه‌ی معاد

فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحِي
الْمَوْتِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٥٠﴾

پس با تأمل به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مردگی‌اش زنده می‌کند، بی‌تردید این [خدای قدرتمند] زنده‌کننده مردگان است و او بر هر کاری تواناست (روم، ۵۰)

• فکر کن و بگو:

۱. کدام پیامبر بود که از خداوند درخواست کرد تا زنده کردن مردگان را به او نشان دهد؟ پاسخ خدا چه بود؟
۲. معنای این حدیث از پیامبر ﷺ چیست؟ «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّبِيعَ فَأَكْثَرُوا ذِكْرَ النُّشُورِ»
۳. برخی دیگر از نمونه‌های معاد در دنیا، ماجرای اصحاب کهف، زنده شدن عزیر نبی پس از صد سال، زنده شدن یکی از کشته شدگان بنی‌اسرائیل و مانند آن است. از مربی خود بخواهید ماجرای هر یک از این نمونه‌ها را برایتان بازگو کند.

روز قیامت چه روزی است؟ چه زمانی واقع می‌شود؟ مدت آن چقدر است؟ قبل از وقوع آن چه اتفاقی در دنیا می‌افتد؟ آیا همه‌ی انسان‌ها در یک جا محسور می‌شوند؟ چگونه ممکن است به حساب این همه انسان در طول تاریخ پرداخته شود؟ بهشت و جهنم کجاست؟ و ...

سؤال‌های زیادی درباره‌ی روز قیامت و چگونگی وقوع آن در ذهن ما جود دارد. خیلی از این سؤال‌ها از پیامبر ﷺ نیز پرسیده شده و پاسخ آن در قرآن آمده است. با هم برخی ویژگی‌های روز قیامت در قرآن را بررسی می‌کنیم:

زمان روز قیامت را هیچ‌کس جز خدا نمی‌داند؛ زیرا اگر می‌دانستند با خیال راحت گناه می‌کردند و حالت آماده‌باش دائمی برای وقوع قیامت نداشتند.

روز قیامت روزی بسیار بسیار طولانی است. البته مؤمنان از این جهت خیال راحتی دارند؛ چون در آن زمان خسته نشده و در نعمت به سر می‌برند، ولی کافران و گناه‌کاران از طولانی شدن روز قیامت و گرمای آن عذاب می‌کشند.

روز قیامت اسامی مختلفی در قرآن دارد که هر کدام از آن‌ها ما را به تأمل و فکر فرو می‌برد. یکی از گویاترین این اسامی در این آیه آمده است:

روز قیامت؛ روز حسرت و پشیمانی است.

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿٣٩﴾

و آنان را از روز حسرت - آن گاه که کار از کار بگذرد - بترسان، که اینان در بی‌خبری هستند و

ایمان نمی‌آورند (مریم، ۳۹)

منظور از روز حسرت، روزی است که در آن کافران و گناه‌کاران حسرت می‌خورند که ای کاش! در دنیا اعمال نیک انجام می‌دادند، ولی دیگر فایده‌ای ندارد و جز پشیمانی و حسرت چیزی نصیبشان نمی‌شود.

• فکر کن و بگو:

۱. با کمک معلم و دوستانت پنج مورد از اسامی روز قیامت در قرآن را نام ببرید.
۲. آیا خداوند در روز قیامت به مجرمان فرصت دوباره می‌دهد تا اشتباهشان را جبران کنند؟ چرا؟
۳. به نظر شما، آیا برخی بهشتیان نیز در روز قیامت حسرت می‌خورند؟ چرا؟

قبل از وقوع قیامت، اتفاقات عظیم و دهشتناکی در دنیا رخ می‌دهد؛ خورشید تاریک شده، ماه و ستارگان نور خود را از دست می‌دهند، کوه‌ها به حرکت در می‌آیند؛ زلزله‌ی وحشتناکی سراسر زمین را می‌لرزاند؛ دریاها چون آتشفشان فوران کرده و به جوش و خروش در می‌آیند. سپس به حساب اعمال انسان‌ها پرداخته می‌شود و کوچک‌ترین عمل آن‌ها نیز مور بازرسی قرار می‌گیرد. حتماً تاکنون سوره‌ی زیبا و پرمحتوای زلزال را خوانده‌اید. این سوره آیات تأثیرگذاری درباره‌ی قیامت دارد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا ۝١ وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا ۝٢ وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا ۝٣ يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ۝٤ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْحَىٰ لَهَا ۝٥ يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ ۝٦ النَّاسُ أَشُنَّاءٍ لَّيْرَؤُا أَعْمَالَهُمْ ۝٦ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ۝٧
وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ ۝٨

به نام خدا که رحمتش بی‌اندازه است و مهربانی‌اش همیشگی * هنگامی که زمین را با [شدیدترین] لرزشش بلرزاند، (۱) و زمین بارهای گران‌اش را بیرون اندازد، (۲) و انسان بگوید: زمین را چه شده است؟ (۳) آن روز است که زمین اخبار خود را می‌گوید؛ (۴) چون پروردگارت به او وحی کرده

است. (۵) آن روز مردم [پس از پایان حساب] به صورت گروه‌های پراکنده [به سوی منزل‌های ابدی خود بهشت یا دوزخ] می‌آیند تا اعمالشان را [به صورت تجسم یافته] به آنان نشان دهند. (۶) پس هرکس به قدر ذره‌ای نیکی کند، آن نیکی را ببیند. (۷) و هرکس به قدر ذره‌ای بدی کند، آن بدی را ببیند. (۸) (زلزال)

• فکر کن و بگو:

۱. چه سوره‌ی دیگری می‌شناسید که درباره‌ی اوصاف قیامت باشد؟
۲. در آیه ۴ سوره‌ی زلزال آمده است که زمین در روز قیامت، اخبار خود را بازگو می‌کند. منظور از این جمله چیست؟
۳. دادگاه قیامت روزی است که در آن قاضی و شاهد و مجرم یکی است. آیا می‌توانید بگویید قاضی و شاهد و مجرم چه چیزهایی هستند؟

همه‌ی ما تاکنون لحظه گرفتن کارنامه و مشخص شدن نتایج امتحاناتمان را به یاد داریم؛ لحظاتی سخت و پراز استرس و نگرانی برای آنان که درس نخونده‌اند و لحظاتی شیرین و به یاد ماندنی برای آن‌ها که از موفقیت خود مطمئن هستند.

قبول‌شدگان با خوشحالی کارنامه‌ی خود را به دوستانشان نشان داده و سرشان را بالا می‌گیرند. مردودی‌ها و آن‌ها که نمره‌ی کمی گرفتند، کارنامه‌شان را مخفی کرده و خود را به سکوت زده و دوست ندارند هیچ کس از نمره‌شان بپرسد.

لحظه‌ی حسابرسی و دادن نامه‌ی اعمال در قیامت، هزاران بار شدیدتر و سخت‌تر از این صحنه است.

حسابرسی دقیق از اعمال انسان‌ها در قیامت

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يُؤْتِينَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ﴿٤٩﴾

کتاب [اعمال] هر کسی [در برابر دیدگانش] نهاده می‌شود، پس مجرمان را می‌بینی که از آنچه در آن است هراسانند و می‌گویند: وای بر ما، این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را

پنهان نکرده است و هر عملی را انجام داده‌اند در مقابل خود حاضر می‌یابند، و پروردگارت به هیچ کس ستم نخواهد کرد (کهف، ۴۹)

مؤمنان و بهشتیان با شادی و خوشحالی نامه‌ی اعمالشان را بالا گرفته و فریاد می‌زنند: «بیایید! نامه‌ی عمل من را بخوانید! من می‌دانستم که روزی نتیجه‌ی کارهای خوبم را خواهم دید!» اما کافران و گناه‌کاران سر به زیر انداخته و با خود می‌گویند: «ای کاش هرگز نامه‌ی عملم را نمی‌دیدم. ای کاش خاک بودم و این لحظه را احساس نمی‌کردم! نه مال زیادم و نه قدرت فراوانم سودی نداشت!»

• فکر کن و بگو:

۱. صفحه‌ی دوم سوره‌ی حاقه را در کلاس خوانده و معنا کنید.
۲. منظور از جمله‌ی «وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا» در آیه‌ی بالا چیست؟
۳. نامه‌ی عمل مؤمنان را به دست راست و نامه‌ی عمل مجرمان را به دست چپ و یا از پشت سر خواهند داد. چرا؟

فرض کنید در یک تابستان با دوستانتان به اردو رفته و تصمیم گرفته‌اید تا به پشت کوه رفته و آبشار دیدنی و زیبای آن منطقه را ببینید؛ آبشاری که قبلاً تعریف آن را خیلی شنیده‌اید و در کنار آن، درختان سرسبز با میوه‌های لذیذ و گوارا و حوضچه‌ی بزرگی قرار دارد که برای شنا کردن بسیار مناسب می‌باشد. شما برای رسیدن به آبشار از کوه بالا می‌روید، ولی یکی از دوستانتان به خاطر تبلی، از شما می‌خواهد تا همین جا توقف کرده و در کنار همین نهر کوچک آب بنشینید. مسلماً پیشنهاد او را نمی‌پذیرید؛ چون می‌دانید که اگر کمی سختی را تحمل کنید، به زودی به خوشی بسیار بیشتری دست خواهید یافت. زندگی ما انسان‌ها در این دنیا نیز همین‌گونه است. خداوند مهربان آیات زیادی از قرآن را به توصیف بهشت و نعمت‌های دلپذیر آن اختصاص داده است تا به ما بفهماند که به خوشی‌های کم و زودگذر دنیا دل خوش نکنیم و برای خوشی و لذت پایدار بهشت تلاش کنیم. قرآن بهشت و جهنم را در پیش روی ما وصف کرده است تا خودمان را عاقبت خودمان را انتخاب کنیم:

مقایسه‌ی بهشت و جهنم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ ① مَا الْقَارِعَةُ ② وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ③ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ

كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ ④ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ⑤
 فَأَمَّا مَنْ ثَقَلَتْ مَوَازِينُهُ ⑥ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ⑦ وَأَمَّا مَنْ
 خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ⑧ فَأَمَّهُ هَاوِيَةٌ ⑨ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ ⑩ نَارٌ
 حَامِيَةٌ ⑪

بنام خداوند بخشنده مهربان: آن حادثه کوبنده (۱) و چه حادثه کوبنده‌ای؟! (۲) و تو چه می‌دانی که حادثه کوبنده چیست؟ (۳) روزی که مردم مانند پروانه‌های پراکنده به هر سو می‌دوند. (۴) و کوه‌ها مانند پشم رنگین حلاجی شده می‌گردد. (۵) (در آن روز) کسی که ترازوهای اعمالش سنگین است. (۶) در یک زندگی خشنود خواهد بود. (۷) و اما کسی که ترازوهایش سبک است. (۸) پناهگاهش هاویه (دوزخ) است. (۹) و تو چه می‌دانی هاویه چیست؟ (۱۰) آتشی است سوزان (۱۱) (قارعه)

• فکر کن و بگو:

۱. چند مورد از نعمت‌های بهشتی را نام ببرید.
۲. چند مورد از عذاب‌های جهنمیان را نام ببرید.
۳. آیا بهشتیان و جهنمیان در روز قیامت با هم سخن می‌گویند؟ متن گفتگوی اهل بهشت و جهنم را در قرآن بیابید و بخوانید.

بخش پنجم:

نقش‌های راه چیست؟

قدم برداشتن در مسیر زندگی بدون داشتن برنامه و نقشه‌ی مشخص، خسته‌کننده و بی‌نتیجه است. خداوند متعال نیز به همین منظور، علاوه بر این که انبیاء را برای هدایت بشر فرستاده است، نقشه و قانون زندگی بندگان را نیز ترسیم و تبیین کرده تا حجت بر آنان تمام شود.

موضوعات این بخش ما را با نقش قرآن در زندگی بهتر، آشنا می‌سازد:

همان‌گونه که گفته شد برای پیمودن هر سفری نیاز به نقشه‌ی دقیق از اطلاعات راه دارید. برای سفر مهم زندگی خود نیز نقشه‌ای دقیق و مطمئن نیاز داریم که دغدغه‌ی ما را در این زمینه برطرف سازد. بسیاری از دانشمندان غیرالهی در طول تاریخ تلاش کرده‌اند تا کتاب برنامه و سبک زندگی انسان‌ها را تدوین نمایند. روشن است که هیچ‌یک از این کتاب‌ها نمی‌تواند انسان را به موفقیت برساند؛ زیرا انسان یک موجود پیچیده و ناشناخته‌ای است که هیچ‌کس جز خدا از همه‌ی خصوصیات و ویژگی‌ها او آگاه نیست. برای مثال بهترین بروشور برای استفاده از یک یخچال را تنها سازنده‌ی آن می‌تواند بنویسد؛ نه خود یخچال و نه فرد دیگر!

انسان نیز آفریننده‌ای حکیم و مهربان دارد و تنها اوست که می‌تواند سعادت و موفقیت او را تأمین کند. خداوند این کار را با نزول قرآن بر پیامبر خویش انجام داده و سبک زندگی و برنامه‌ی موفقیت انسان‌ها را در اختیارشان قرار داده است.

قرآن ما را به بهترین راه هدایت می‌کند.

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ

لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ﴿١﴾

بی‌تردید این قرآن به بهترین راه و استوارترین دین هدایت می‌کند، و به مؤمنانی که کارهای شایسته

انجام می‌دهند، مژده می‌دهد که برای آنان پاداشی بزرگ است. (اسراء، ۹)

راهی که قرآن ما را به آن دعوت می‌کند، مستقیم و بدون هیچ کجی و انحراف و در یک کلام، شاه‌راه پیروزی و مستقیم‌ترین راه به بهشت است.

قوانین فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی قرآن در کنار یکدیگر روح و جسم انسان را رشد داده و او را به کمال می‌رساند. به راستی که اگر همه‌ی انسان‌ها به قرآن عمل کنند، خوشبختی آنان در دنیا و آخرت قطعی خواهد بود.

• فکر کن و بگو:

۱. چند مورد از اسامی قرآن را نام ببر!
۲. تفاوت قرآن با کتاب‌های آسمانی دیگر مانند تورات و انجیل چیست؟
۳. این آیه را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (بقره، ۲)

فرض کنید به شما خبر داده‌اند کتابی گران بها و باارزش در یکی از کشورهای دوردست قرار دارد که تمام سوالات شما را پاسخ می‌دهد و فرمول موفقیت همیشگی و در همه حال را در آن نوشته‌اند. شما برای به دست آوردن این کتاب چه تلاشی می‌کنید؟ چقدر حاضرید برای به دست آوردن آن کتاب هزینه کنید؟ چه مقدار از عمرتان را حاضرید برای فهمیدن کتاب صرف کنید؟ آیا به ترجمه‌ی کتاب اکتفا می‌کنید یا حاضرید برای فهم بهتر آن، زبان اصلی کتاب را هم یاد بگیرید؟ آری! جواب روشن است. چنین کتابی آن قدر ارزش دارد که برای به دست آوردن آن هر هزینه و زحمتی را متحمل می‌شویم.

قرآن بیان‌گر همه‌ی نیازهای ماست.

وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بَيِّنَاتٍ لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ﴿۸۹﴾

و این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر هر چیزی و هدایت و رحمت و مژده‌ای برای تسلیم‌شدگان [به فرمان‌های خدا] ست. (نحل، ۸۹)

قرآن کریم نیز کتابی است که در آن همه‌ی مطالب مورد نیاز بشر در حال و آینده‌ی بیان شده است. این کتاب بهترین و آسان‌ترین راه موفقیت را در اختیار ما قرار می‌دهد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «به درستی که خداوند متعال در قرآن برای هر چیز بیان روشنی قرار داد تا جایی که به خدا سوگند! چیزی را باقی نگذاشت که بندگان به آن احتیاج داشته

باشند؛ به گونه‌ای که مطلبی نیست که بنده‌ای بتواند عذرتراشی کرده و بگوید: اگر این مطلب در قرآن نازل شده بود، من به آن عمل می‌کردم.»

• فکر کن و بگو:

۱. با دقت در آیه‌ی درس، چهار هدف از نزول قرآن را بگویید.
۲. آیا در قرآن مطالب علمی نیز آمده است؟
۳. چرا قرآن به زبان عربی نازل شده است؟

گفتیم که ما انسان‌ها در حال سفر به سوی خدا هستیم؛ سفری مهم و حیاتی از تاریکی به سوی نور. طبیعی است که در طول این سفر، با مشکلات و سختی‌های زیادی روبرو شده و چه بسا دچار بیماری هم بشویم. بنابراین باید با خود داروهای لازم و پزشک ماهر همراه داشته باشیم تا در هنگام سختی‌ها به کمک ما بیایند و ما را از بیماری‌های روحی و جسمی نجات دهند.

نقش قرآن کریم در زندگی ما همین است. خداوند در توصیف قرآن می‌فرماید:

قرآن داروی همه‌ی دردهای روحی و جسمی است.

وَنَزَّلْنَا مِنَ الْقُرْآنِ مَاهُوشِفَاءً وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا ﴿۸۲﴾

و ما از قرآن آنچه را برای مؤمنان مایهٔ درمان و رحمت است، نازل می‌کنیم و [قرآن] به ستمکاران جز زیان و خسارت نمی‌افزاید. (اسراء، ۸۲)

آری! قرآن شفای همه‌ی دردهای فردی و اجتماعی، اعتقادی و اخلاقی، روحی و جسمی است. چشمه‌ی جاری و زلال معارف قرآن، هر تشنه‌ای را سیراب می‌کند؛ به شرط آن‌که به سراغ قرآن آمده و در آن تأمل کند. به همین علت است که در ادامه‌ی آیه می‌خوانیم که قرآن برای کافران جز زیان و خسارت هیچ فایده‌ای ندارد. درست مانند این‌که یک غذای نیرو بخش را به عالم مجاهد و دانشمند مبارزی بدهیم تا از آن نیروی کافی برای تعلیم

و تربیت و یا جهاد در راه حق بگیرد، ولی اگر همین غذای نیروبخش را به ظالم بیدادگری بدهیم، از نیروی آن برای ظلم بیشتر استفاده می‌کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که فتنه‌های زمان شما چون قطعه‌های شب تاریک شما را در بر گرفت، به نور هدایت قرآن چنگ زنید.»

• فکر کن و بگو:

۱. چرا قرآن به سرگذشت اقوام و انبیاء گذشته می‌پردازد؟ این قصه‌ها چه اثر تربیتی دارد؟
۲. نزول دفعی و تدریجی قرآن را توضیح دهید.
۳. قرآن ناطق کیست؟ توضیح دهید.

قرآن کتاب هدایت‌گر انسان‌ها در همه‌ی زمان‌ها و برای همه‌ی مردم است. این مطلب از آیات زیادی برداشت می‌شود. یکی از این آیات، این است:

جاودانگی قرآن

بَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا ﴿١﴾

همیشه بزرگ است [خدایی] که فرقان را [یعنی قرآن که جداکننده‌ی حق از باطل است] به تدریج بر بنده‌اش نازل کرد تا برای [همه‌ی] جهانیان [در همه‌ی زمان‌ها] بیم‌دهنده باشد. (فرقان، ۱)

بعضی از مخالفان اسلام در جاودانگی قرآن تردید ایجاد کرده و می‌گویند: «چگونه ممکن است که کتابی با گذشت این همه سال، هم‌چنان پاسخ‌گوی نیازها و سؤالات مردم باشد؟» با پیشرفت چشم‌گیر علوم و دانش‌های بشری دیگر نمی‌توان به سخنان قرآن گوش داد.

برای روشن شدن پاسخ این عده باید در نظر داشته باشیم که همان‌گونه که قوانین طبیعی مانند قانون جاذبه زمین کهنه نمی‌شود و با گذشت زمان خاصیت خود را از دست نمی‌دهد، دستورهای اخلاقی و فقهی قرآن نیز رنگ کهنگی به خود نمی‌گیرد و همیشه تازه است. یکی از اصحاب امام هادی علیه السلام به آن حضرت عرض کرد: «چرا هر چه قرآن می‌خوانیم، باز هم تازگی و طراوت آن حفظ شده و انسان خسته نمی‌شود؟»

امام هادی علیه السلام فرمود: «برای این که خداوند قرآن را برای زمان مشخص و مکان خاصی قرار نداده است؛ بلکه قرآن در هر زمانی نو و برای هر ملتی تا روز قیامت تازه و شاداب است.»

• فکر کن و بگو:

۱. در آیه‌ی درس کدام نام قرآن ذکر شده است؟ این نام به چه معناست؟
۲. کدام آیه‌ی قرآن به عدم تحریف این کتاب عزیز اشاره دارد؟
۳. جمع‌آوری قرآن توسط چه کسی صورت گرفت؟

در ابتدای بخش گفتیم که ما برای پیمودن مسیر بندگی و رسیدن به سعادت ابدی، نیاز به نقشه و برنامه‌ی مشخص از سوی خدا داریم تا سریع، امن و مطمئن این راه را سپری کنیم. این نقشه‌ی راه همان قرآن است.

حال اگر بخواهید به خوبی بر زوایای مختلف یک نقشه آگاه باشید، نیاز دارید تا آن نقشه را بارها و بارها به دقت مطالعه کنید و به قول مشهور آن را مثل کف دستان بشناسید. به نظر شما بهترین راه برای شناخت دقیق و تسلط بر نقشه‌ی راه زندگی ما - یعنی قرآن - چیست؟ آری! حفظ قرآن.

حفظ قرآن کاربرد حیاتی در زندگی ما دارد. وقتی آیات قرآن در ذهن ما جا گرفت، به خوبی می‌توانیم در هر زمان و مکانی از آن استفاده و به آن عمل کنیم. بسیاری از بزرگان دینی ما آرزو کرده‌اند که ای کاش به دوران نوجوانی خود برگشته و قرآن را حفظ می‌کردند. جالب است بدانید که قرآن تنها کتاب آسمانی است که به راحتی می‌توان آن را حفظ کرده و در ذهن سپرد. خداوند در چهار جا از سوره‌ی قمر به این نعمت بزرگ اشاره می‌کند.

خوب است بدانید که حافظان قرآن مقام بسیار والایی نزد خدا دارند. خداوند می‌فرماید:

اهمیت حفظ قرآن و مقام حافظان قرآن

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا

الظَّالِمُونَ ﴿٤٩﴾

بلکه این قرآن، آیات روشنی در سینه کسانی است که به آنان معرفت و دانش عطا شده است؛ و آیات ما را جز ستمکاران انکار نمی کنند. (عنکبوت، ۴۹)

احادیث زیادی درباره ی فضیلت حفظ قرآن و بزرگی حافظان قرآن وارد شده است. در یکی از این احادیث پیامبر گرامی اسلام ﷺ می فرماید: «بزرگان امت من حافظان قرآن و شب زنده داران هستند.»

• فکر کن و بگو:

۱. آیا حفظ قرآن به تنهایی می تواند زمینه ی هدایت انسان را فراهم کند؟
۲. این حدیث از پیامبر ﷺ را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «فَضَّلَ حَمَلَةَ الْقُرْآنِ عَلَى الَّذِي لَمْ يَحْمِلْهُ كَفَضْلِ الْخَالِقِ عَلَى الْمَخْلُوقِ»
۳. از مربی خود بخواهید تا منتخبی از احادیث پیرامون اهمیت حفظ قرآن کریم را برایتان بازگو کند.

اگر در تمام دنیا هیچ انسانی غیر از شما وجود نداشته نباشد، چه احساسی خواهید داشت؟ از شدت غربت و تنهایی وحشت می‌کنید؟ آیا امکان دارد که خم به ابروی خود نیآورده و هیچ ترس و دلهره‌ای نداشته باشید؟ مطمئناً پاسخ همه‌ی ما منفی است، ولی جالب است بدانید که کسانی هستند که حتی در این حالت هیچ اندوه و نگرانی ندارند و آرام و آسوده خاطر هستند؛ زیرا با چیزی خو گرفته‌اند که بهتر از تمام مردم روی زمین است. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «اگر تمام مردم در مشرق و مغرب عالم بمیرند و تنها قرآن با من باشد، من هرگز دچار وحشت نخواهم شد.»

آری! اگر کسی با کلام خداوند انس گرفته باشد و همواره خود را در مقابل پروردگارش احساس کند، احساس تنهایی و وحشت نمی‌کند؛ حتی اگر در زندان باشد. خداوند مهربان بارها ما مؤمنان را به قرائت قرآن و انس گرفتن با این کتاب عزیز دعوت کرده است. در یکی از این آیات می‌فرماید:

انس همیشگی با قرآن

... فَأَقْرَأُوا مَا يَسْرَمِنَ الْقُرْآنِ ...

...پس هر مقداری از قرآن که برای شما ممکن است، بخوانید... (مزمّل، ۲۰)

این آیه دستور می‌دهد که هر مسلمانی باید تا جایی که می‌تواند در همراهی و انس با قرآن

کوشش کند. امام باقر علیه السلام می فرماید: «کسی که در روز پنجاه آیه از قرآن را نخواند، از ما [مسلمانان] نیست.»

خوب است بدانیم که برای انس با قرآن، بهترین سنین همین سنین ابتدایی عمر است؛ زیرا تجربه نشان داده است که اگر از کودکی به چیزی علاقه نشان دهیم و با آن انس بگیریم، هیچ‌گاه آن را فراموش نخواهیم نکرد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «کسی که در جوانی قرآن بیاموزد، قرآن با گوشت و خون او آمیخته خواهد شد.»

• فکر کن و بگو:

۱. راه‌های انس با قرآن چیست؟

۲. این حدیث را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ عَلَّمَهُ»

۳. چه آیات دیگری در ارتباط با انس با قرآن سراغ دارید؟

انجام هر کاری، آداب و شروط مخصوص خود را دارد که باید آن را مراعات کرد. تلاوت قرآن کریم و انس با آن نیز آداب و شروطی دارد که در این چند درس به آن می‌پردازیم: یکی از آداب تلاوت قرآن، نظافت و طهارت است. منظور از طهارت، با وضو بودن است. از نظر شرعی دست زدن بدون وضو به خط قرآن حرام است و بهتر است موقع خواندن قرآن هم با وضو باشد؛ حتی اگر به آن دست نمی‌زند. این حکم از این آیه استفاده شده است:

با وضو بودن هنگام تلاوت قرآن

إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ ﴿٧٧﴾ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ ﴿٧٨﴾ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ ﴿٧٩﴾

قطعا این قرآن، قرآنی ارجمند و بارز است (۷۷) [که] در کتابی محفوظ از هر گونه تحریف و تغییر [جای دارد]. (۷۸) و کسی جز پاک‌شدگان به آن دسترسی ندارد. (۷۹) (واقعه)

دقت داشته باشیم که قرآن دارای جایگاه بسیار والا و بلندی است. چه خوب است اگر کسی قصد تلاوت قرآن را دارد، ابتدا جسم خود و سپس روح خود را آماده‌ی شنیدن کلام خدا بگرداند تا پیام قرآن به خوبی بر قلبش نشسته و او را متذکر گرداند. بنابراین، نباید هنگام تلاوت قرآن، با آن مانند کتاب‌های دیگر رفتار کنیم. روی زمین گذاشتن

قرآن، خوابیدن و پادراز کردن مقابل قرآن، کثیف کردن یا خدای نکرده آسیب زدن به آن به دور از ادب و احترام است. نظافت و پاکی دهان نیز از آداب تلاوت قرآن است که پیامبر ﷺ به آن سفارش کرده است.

• فکر کن و بگو:

۱. چرا نباید بدون وضو به قرآن دست زد؟
۲. موارد دیگری برای احترام به قرآن نام ببرید.
۳. از آیه ی ۷۹ چه برداشتی می کنید؟

یکی از مهم‌ترین آداب تلاوت قرآن، ترتیل است. احتمالاً تاکنون این اصطلاح را شنیده‌اید، ولی خوب است بدانید که منظور از ترتیل در این جا با آن چه شنیده‌اید کمی تفاوت دارد. آن چه امروز به عنوان ترتیل گفته می‌شود، نوع خاصی از قرائت قرآن است که سرعت آن بیش‌تر از حد معمول باشد، ولی ترتیل در این جا به همه‌ی انواع قرائت قرآن گفته می‌شود که در آن صدای نیکو همراه با رعایت نظم، تجوید و دقت در معنا باشد.

در این آیه از قرآن خداوند به پیامبر ﷺ دستور داده است تا قرآن را با ترتیل تلاوت کند:

تلاوت شمرده و همراه با تأمل (ترتیل)

... وَرَقِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً ﴿٤﴾

... و قرآن را شمرده و روشن و با تأمل و دقت بخوان. (مزمّل، ۴)

کم نیستند کسانی که قرآن را سرسری و بدون دقت در معنای آن و با هدف پایان رساندن جزء یا ختم قرآن می‌خوانند. آنان تنها به حجم تلاوت قرآن می‌اندیشند؛ نه کیفیت آن؛ درحالی‌که مهم این است که ما چقدر از تلاوت قرآن بهره می‌بریم. به همین دلیل، بزرگان دینی ما تأکید کرده‌اند که تلاوت اندک همراه با تدبر، از زیاد خواندن بدون اندیشه در معنا و مفهوم آیات بهتر است و با هدف قرآن سازگارتر می‌باشد. به عبارت

دیگر، جرعه جرعه نوشیدن از دریای زلال و گوارای قرآن بهتر از سرکشیدن یک باره و هضم نکردن کامل آن است.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «ترتیل آن است که وقتی از کنار آیه‌ای می‌گذری که در آن از بهشت سخن گفته شده است، توقف کنی و از خدا بهشت را بخواهی و هنگامی که از آیه‌ای می‌گذری که در آن نام دوزخ است، از آن به خدا پناه ببری و خود را از آن دور سازی!»

• فکر کن و بگو:

۱. چرا در احادیث سفارش شده است که قرآن با صدای نیکو خوانده شود؟
۲. منظور از تجوید قرآن چیست؟ تجوید قرآن چه اهمیتی دارد؟
۳. آیا رعایت کردن وقف و ابتدا هم در تلاوت قرآن ضروری است؟ چرا؟

فرض کنید شما را به مجلس مهمی دعوت کرده‌اند که در آن فرد مهمی در حال سخنرانی و بیان نکات مهمی برای شماست. در این حالت، یکی از افراد حاضر در جلسه، مدام در حال حرف زدن با بغل دستی خودش است. آیا این کار او بی ادبی نیست؟ روشن است که این کار او هم حواس دیگران را پرت می‌کند و هم بی‌احترامی به سخنران مجلس است. حالت ما در مقابل سخنان خداوند نیز باید همین‌گونه باشد؛ یعنی نباید هنگامی که قرآن خوانده می‌شود، با یکدیگر حرف زده و حواسمان پرت باشد. یکی از آداب احترام به قرآن، گوش سپردن به آن است:

گوش سپردن به تلاوت قرآن

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ، وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۲۰۴﴾

و هنگامی که قرآن خوانده شود، به آن گوش فرا دهید و سکوت کنید تا مشمول رحمت شوید.

(اعراف، ۲۰۴)

«استماع» به معنای «خوب گوش دادن» و «انصات» به معنای «توجه کامل و دقت به سخنان فرد مقابل» است. بنابراین، در این آیه به مؤمنان دستور داده می‌شود که هنگام شنیدن آیات قرآن ساکت شده و خوب به آن گوش دهند تا پیام آن را درک نمایند. تعجب آور است که بعضی افراد هنگام مشاهده‌ی یک فیلم یا شنیدن یک قصه چنان به آن گوش می‌دهند

که از اتفاقات اطراف خود کاملاً بی‌خبر می‌شوند، ولی موقع شنیدن قرآن و کلام دلگشای خداوند به آن اعتنا نمی‌کنند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر کس مشتاق خدا باشد، باید کلام او - یعنی قرآن - را نیز گوش دهد.»

• فکر کن و بگو:

۱. آیا گوش دادن به قرآن مثل خواندن آن ثواب دارد؟
۲. در آیه‌ی درس، فایده‌ی گوش دادن و سکوت در برابر قرآن چه چیزی بیان شده است؟
۳. کلمات زیر را جابجا کن تا شعر کامل شود:

بخوانند- خموش- چو- دیگر- قرآن

گوش- قرآن- به- فرادار- آیات

فرض کنید فقیری را می‌شناسید که نیاز شدیدی به کمک دارد و شما برای برطرف شدن نیازش به او کمک قابل توجهی کردید؛ به قدری که دیگر نیاز به گدایی و درخواست کمک از دیگران ندارد. با این حال، فردا صبح دوباره او را می‌بینید که در گوشه‌ی خیابان نشسته و دست‌گدایی به سوی دیگران دراز می‌کند. چه واکنشی نشان می‌دهید؟ آیا از این کار او متنفر نمی‌شوید؟ آیا افسوس نمی‌خورید که چرا با وجود آن همه اموال و ثروت، دوباره این‌گونه خود را کوچک و حقیر کرده است؟ آیا پیش همه از او شکایت نمی‌کنید؟ مسلماً این کار او را بسیار ناپسند و غیرعقلانه می‌دانید.

به همین دلیل است که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز از ما شکایت می‌کند:

شکایت پیامبر از امتش به خاطر دوری از قرآن

وَقَالَ الرَّسُولُ يَرْبِّ إِنِّي قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا ﴿٣٠﴾

پیامبر [درقیامت] می‌گوید: ای پروردگار من! همانا قوم من این قرآن را متروک گذاشتند! (فرقان، ۳۰)

آری! همان پیامبر دلسوز و مهربان - که برای هدایت امتش هر کاری می‌کرد - از مسلمانان شکایت می‌کند. می‌دانید چرا؟ چون با وجود در اختیار داشتن بهترین سرمایه، دست‌نیاز به سوی غیرمسلمانان دراز کرده و از آنان کمک می‌خواهند. درست همانند گدایی که همه چیز در اختیار دارد، ولی به آن بی‌توجهی کرده و دوباره گدایی می‌کند.

این یک واقعیت است که قرآن در میان زندگی ما کم‌رنگ و گوشه‌افتاده است. بیایم با تلاوت، حفظ و عمل به قرآن، به این خواسته‌ی پیامبرمان گوش داده و جامعه‌ی مسلمانان را از ضعف و شکست خوردگی نجات دهیم!

• فکر کن و بگو:

۱. به نظر شما، هر یک از ما چه کمکی می‌تواند به برپایی قرآن در جامعه کند؟
۲. این سخن از کیست؟ «مراقب باشید تا غیرمسلمانان در عمل به قرآن از شما سبقت نگیرند!»
۳. این حدیث از امام صادق علیه السلام را کامل کنید:
سه چیز در روز قیامت از انسان شکایت می‌کند: ۱- مسجدی که در آن ... نخواند؛ ۲- عالم دینی که از او ... نپرسند؛ ۳- ... که گرد و غبار بر روی آن نشسته و آن را نخوانند.

بخش ششم:

دشمن و راهزن کیست؟

برای رسیدن به هر هدفی خطرات و سختی‌هایی وجود دارد. راه مستقیمی که ما را به سوی خدا می‌برد نیز پر از خطرات و ناامنی‌های فراوان هست. بنابراین، باید با حيله‌ها و ترفندهای دشمنان و راهزنان این مسیر آشنا شد تا اسیر آنان نشویم. موضوعات این بخش، سؤال‌های ما را این باره برطرف می‌کند.

آشکارترین دشمن انسان در راهی که به سوی خدا طی می‌کنیم، دشمنی قسم خورده و حيله‌گر است که بر سر این راه نشسته است تا هر طور که شده اجازه‌ی عبور و پیمودن این مسیر را از ما بگیرد. نام این دشمن سرسخت و بی‌رحم، ابلیس یا همان شیطان است. خداوند در قرآن بیش از هر چیز دیگری ما را از شیطان و حيله‌های او بر حذر داشته و بارها او را دشمن دیرین و آشکار انسان‌ها دانسته است:

شیطان؛ دشمن دیرینه‌ی انسان

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا ... ﴿٦﴾

البتّه شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید ... (فاطر، ۶)

دشمنی ابلیس با ما به همان ابتدای خلقتمان برمی‌گردد که خداوند به فرشتگان دستور داد تا بر آدم سجده کند. او از این کار خودداری کرد و با غرور و تکبر به خدا گفت: «من از آتش خلق شده‌ام و آدم از گِل. من هیچ‌گاه بر مخلوقی که از من پست‌تر است، سجده نمی‌کنم.» خداوند او را از بهشت بیرون کرد و او سوگند خورد تا نسل آدم را تا روزی که زنده است، گمراه ساخته و در آتش وارد سازد. شرح این واقعه در چند جای قرآن آمده است. منطقی نیست که با داشتن چنین دشمن آشکار، حيله‌گر و سوگندخورده‌ای که ذره‌ای رحم و عطف ندارد و با سپاهیان بسیارش در کمین ماست، بی‌محابا پا به میدان کارزار بگذاریم

و خود را از تیرهای نامرئی و کاری او در امان بدانیم. بنابراین، باید دشمن حقیقی خودمان را خوب بشناسیم؛ نقاط قوت او و کمین‌گاهش را شناسایی و راه‌کارهای غلبه بر او را بررسی کنیم.

• فکر کن و بگو:

۱. داستان نافرمانی ابلیس از دستور سجده به حضرت آدم علیه السلام را در قرآن پیدا کرده و شرح دهید.
۲. راه مبارزه با شیطان چیست؟
۳. آیا ابلیس بر همه‌ی انسان‌ها تسلط دارد؟

شیطان نقاط قوت زیادی دارد و به هیچ وجه دشمن ضعیف و ناتوانی نیست. یکی از نقاط قوت این دشمن دیرینه، آن است که می‌داند چگونه هر کدام از ما را فریب داده و به انحراف بکشد. شیطان انسان را گام به گام و به صورت تدریجی از خدا بازمی‌دارد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

شیطان انسان را به تدریج منحرف می‌کند.

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا تَتَّبِعُوْا خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ فَاِنَّهٗ يَمُرُّ

بِالْفَحْشَآءِ وَالْمُنْكَرِ ... ﴿۲۱﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از گام‌های شیطان پیروی نکنید! هر کس پیرو شیطان شود (گمراهش می‌سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می‌دهد. (نور، ۲۱)

در این آیه می‌خوانیم که از گام‌های شیطان نباید پیروی کرد؛ چون او به هیچ مرحله‌ای از گناه و گمراهی ما قانع نمی‌شود. برای مثال، برای گمراه کردن فرد نمازخوان، ابتدا او را از نماز اول وقت باز داشته و سپس به کلی از نماز خواندن منصرف می‌کند. بنابراین، باید از همان گام اول شیطان را از خود ناامید کنیم تا به گمراهی بیشتر ما طمع نکند.

یکی از مهم‌ترین راه‌های فریب شیطان، خیال‌پردازی و آرزوهای بیهوده است. او انسان‌ها

را با طمع و آرزوهای بیهوده سرگرم می‌کند تا از هدف اصلی زندگی خود بازمانده و به مسائل پوچ دلخوش کنند.

• فکر کن و بگو:

۱. با کمک دوستانتان چند مورد از راه‌های فریب شیطان را نام ببرید.
۲. آیا پس‌انداز کردن و برنامه‌ریزی برای آینده هم از موارد آرزوهای طولانی است؟
۳. این حدیث از امام علی علیه السلام را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَتَيْنِ طُولُ الْأَمَلِ وَاتِّبَاعُ الْهَوَى»

در درس‌های گذشته تاحدودی با نقاط قوت شیطان آشنا شدیم. ممکن است این سؤال برای شما مطرح شده باشد که چرا خداوند به شیطان این همه قدرت و فرصت و امکانات داده تا مؤمنان را فریب دهد؟ پاسخ این است که خداوند هیچ نفوذ و قدرتی برای شیطان در مقابل مؤمنان قرار نداده است. به عبارت دیگر، همان‌طور که میکروب و ویروس فقط در بدن‌های ضعیف و واکسینه نشده نفوذ کرده و آن‌ها را از پا می‌اندازد، شیطان هم فقط در کسی تأثیر دارد که روحش را ضعیف کرده و به ایمنی آن توجه نکرده است. برای فهم بهتر این مطلب به این آیه توجه کنید که در آن خداوند درباره‌ی شیطان می‌فرماید:

شیطان بر مؤمنان تسلط ندارد.

إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿٩٩﴾ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ ﴿١٠٠﴾

او (شیطان) بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلط ندارد. (۹۹) تسلطش فقط بر کسانی است که او را سرپرست و دوست خود گرفته‌اند و بر کسانی است که برای خدا شریک قرار داده‌اند. (۱۰۰) (نحل)

آری! مؤمنان در پناه لطف و عنایت خداوند قرار دارند و شیطان هرگز بر آنان تسلطی ندارد؛ مگر این که خودشان راه نفوذ او را فراهم کنند.

جالب است بدانید به فرموده‌ی قرآن، خود ابلیس هم در روز قیامت این مطلب را بارها بیان می‌کند. هنگامی که کافران و گناه‌کاران وارد دوزخ می‌شوند، به خداوند می‌گویند: «خدایا! این ابلیس ما را گمراه کرد؛ به او عذاب دوبرابر بده!» شیطان در پاسخ می‌گوید: «دروغ می‌گویید! خداوند به شما وعده داد و من هم وعده دادم. شما به وعده‌ی راست خدا گوش ندادید و به وعده‌ی دروغ من گوش دادید. من هم به عهد خود وفا نکردم. پس من را سرزنش نکنید و خودتان را سرزنش کنید!»

• فکر کن و بگو:

۱. در این آیات دو شرط برای دوری از شیطان بیان شده است. آن دو شرط کدام است؟
۲. گفتار شیطان و دوزخیان در آیه ۲۲ سوره‌ی ابراهیم آمده است. آن را بخوانید و ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید.
۳. چرا شیطان بر مؤمنان تسلط ندارد؟

فرض کنید پلیس هستید و می‌خواهید افراد شروری را دستگیر کنید که در بالای ساختمانی کمین کرده و شما را در وسط حیاط محاصره کرده‌اند. در میان آن‌ها افرادی هستند که بسیار خوب تیراندازی می‌کنند و می‌توانند کاملاً شما را از پا ببندزند؛ ضمن این‌که شما دید کافی ندارید و نمی‌دانید آنان در کجا پناه گرفته‌اند. در این جنگ نابرابر چه می‌کنید؟ شکست شما حتمی است! مگر نه؟

شاید باورش سخت باشد که وضعیت ما در مقابل شیطان هم همین‌طور است؛ زیرا شیطان هم بسیار خوب تیراندازی می‌کند و در گمراه کردن انسان‌ها چیره‌دست است؛ هم بی‌رحم است و تا ما را نابود نکند، دست بردار نیست و هم ما او را نمی‌بینیم، ولی او و لشکریانش ما را می‌بینند. با این وجود، شکست ما در برابر او نیز حتمی است! مگر نه؟ اکنون به این آیه توجه کنید:

راه نجات از شیطان

وَإِذَا يَزْعَجُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾ إِنَّ
الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُم مُّبْصِرُونَ ﴿٢٠١﴾

و هر گاه وسوسه‌ای از شیطان به تو رسد، به خدا پناه بر که او شنونده و داناست (۲۰۰) مسلماً کسانی که تقوا دارند، هرگاه وسوسه‌هایی از سوی شیطان به آنان می‌رسد [خدا و قیامت را] یاد می‌کنند و

بلافاصله بینا و آگاه می‌شوند [و از دام و سوسه‌هایش نجات یابند] (۲۰۱) (اعراف)

این آیه تنها راه حل پیروزی بر شیطان را به ما نشان می‌دهد و آن قرار گرفتن در پناهگاه نامرئی و امن خدا و کمک خواستن از اوست.

تنها راه حل پیروزی در مثال بالا این است که از خلبان چیره‌دست و ماهری کمک بخواهیم که تیرانداز خوبی نیز باشد؛ زیرا او دشمن را حتی اگر بالای پشت‌بام باشد، می‌بیند و می‌تواند با شلیک‌های دقیق و پر قدرت، او و سپاهش را نابود کند. خداوند نیز از شیطان نیرومندتر است و اگر بخواهد می‌تواند او و لشکریانش را برای همیشه در مقابل ما ناکام کند.

• فکر کن و بگو:

۱. کدام آیه از سوره‌ی ناس به معنای پناه بردن از شیطان به خداست؟
۲. پناه بردن به خدا از شر شیطان، در گفتار است یا در عمل؟
۳. استعاذه به چه مناسبت و چرا در ابتدای قرآن نیز مستحب است؟

بسیاری از مردم تصور می‌کنند شیطان فقط موجودی نامرئی است که از جنیان است و ما هیچ وقت او را نمی‌بینیم؛ درحالی‌که قرآن به ما می‌گوید که شیطان‌هایی نیز وجود دارند که به صورت انسان هستند. به عبارت درست‌تر، انسان‌هایی هستند که رفتار آنان شیطانی است و خود نماد گمراهی و فریب دیگران هستند. برای درستی این مطلب می‌شود به خیلی از دشمنان پیامبران اشاره کرد که با تکبر و زورگویی خود، آنان را به قتل رساندند:

برخی انسان‌ها، مثل شیطان هستند.

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ ... ﴿۱۱۲﴾

اینچنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم... (انعام، ۱۱۲)

در این آیه بیان شده است که دشمنان پیامبران، شیاطین انس و جن هستند. نمونه‌ی انسان‌هایی که مانند شیطان زندگی می‌کنند، در زندگی ما زیاد هست؛ مثلاً افرادی که دیگران را از کارهای خیر باز می‌دارند و یا آن‌ها را وادار می‌کنند که به گناه مشغول شوند و یا حتی کشورهایی که جنگ، ظلم، بی‌حیایی و گناه را در جهان ترویج می‌کنند، همگی از مصادیق شیطان هستند.

به همین دلیل است که دین عزیز اسلام، ما را از دوستی با گناه‌کاران و افراد ناباب

نهی می‌کند؛ چون حتماً به طور ناخودآگاه تأثیرشان را بر ما خواهند گذاشت و ما را وسوسه می‌کنند تا کارهای خوب را ترک کنیم.

• فکر کن و بگو:

۱. این جمله‌ی معروف از کیست و چه معنایی دارد؟ «آمریکا شیطان بزرگ است.»
۲. برای مبارزه با انسان‌های ظالم و ستمگر چه باید کرد؟
۳. از چه راهی می‌شود دشمنان داخلی و خارجی اسلام را در هر زمانی شناخت؟

بخش هفتم:

توشه‌ی راه چیست؟

برای هر سفری به وسایل و ابزار کاربردی و غذای مختصر و مفید نیاز است. شناخت این مواد و وسایل، نقش بسیار مهمی در سرعت و کیفیت پیمودن راه دارد. این بخش طولانی‌ترین بخش کتاب است که به همین نیازها اختصاص یافته است. این بخش به سه قسمت کلی تقسیم می‌شود: ۱- بهترین توشه چیست؟ ۲- بهترین همراه چیست؟ ۳- فرمول موفقیت چیست؟ ۴- فرمول محبوبیت نزد خدا و مردم چیست؟ ۵- چه چیزهایی بار ما را سنگین می‌کند؟

هر کدام از بخش‌ها موضوعات فرعی و جزئی زیادی دارد. در این بخش، به مهم‌ترین موضوعات در حوزه‌ی «اخلاق و آداب اسلامی» پرداخته می‌شود:

فرض کنید برای رسیدن به باغ سرسبز و دلپذیری، مجبور باشید از جایی عبور کنید که پر از خارهای خطرناک و حیوانات گزنده و خطرناک است. روشن است که در هنگام عبور از آن زمین، بی احتیاط و بدون توجه قدم بر نمی دارید؛ بلکه با تمام دقت و هوشیاری به اطراف و زیرپای خود نگاه کرده و قدم هایتان را در جاهای امن و صاف می گذارید. چه بسا کوچک ترین غفلت و بی توجهی در طول مسیر باعث مجروح شدن و حتی از بین رفتن شما بشود. زندگی ما در این دنیا نیز همین طور است؛ یعنی برای عبور از راه پریچ و خم زندگی و رسیدن به هدف، به دقت و هوشیاری زیادی نیاز داریم تا اسیر خطرات بین راه نشویم. بهترین وسیله برای حفظ انسان از خطرات و آسیب های سفر زندگانی، تقوا و پرهیزکاری است. به همین خاطر است که قرآن کریم، تقوا را بهترین توشه برای سفر آخرت، معرفی می کند:

بهترین توشه برای انسان، تقواست.

... وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ ﴿۱۹۷﴾

... و زاد و توشه تهیه کنید، که بهترین زاد و توشه، پرهیزکاری است! (بقره، ۱۹۷)

تقوا به معنای حفظ و نگهداری خویشتن از گناه است. روزی حضرت علی علیه السلام به همراه اصحابش از کنار قبرستانی عبور کرد. حضرت رو به قبرها کرد و فرمود: «سلام بر شما ای

اهل قبور! شما پیش از ما به قبر رفتید و ما نیز به شما مخلق می‌شویم.» سپس امام به اصحاب خود فرمود: «آگاه باشید! اگر ایشان سخن می‌گفتند، به یقین می‌گفتند: «ما تقوا و پرهیزکاری را بهترین توشه در این جا یافتیم.»

• فکر کن و بگو:

۱. صفات پرهیزکاران در ابتدای سوره‌ی بقره آمده است. این صفات را نام ببرید.
۲. آیا انسان می‌تواند فقط با ایمان به خدا و پیامبرش به رستگاری برسد؟ رابطه‌ی ایمان و عمل صالح چیست؟
۳. معنای دقیق تقوا چیست؟

هنگام اذان شده بود. برق خوشحالی در چشمان همه موج می‌زد. حالا پس از هفت سال، مسلمانان دوباره به مکه برگشته بودند. سال‌ها پیش وقتی به خاطر شکنجه‌های مشرکان از این شهر گریخته و به مدینه هجرت کرده بودند، فکر نمی‌کردند که به این زودی خداوند آنان را بر مشرکان پیروز کرده و بتوانند دوباره در مکه عبادت کنند. هنگام اذان شد. همه منتظر بودند تا ببینند چه کسی این افتخار را خواهد داشت که برای اولین بار بر بام خانه‌ی خدا رفته و اذان بگوید. پیامبر ﷺ رو به بلال کرد و گفت: «بلال! بر بام کعبه برو و اذان بگو!» برخی از مسلمانان از این انتخاب پیامبر ﷺ تعجب کردند. و هر کدام با تمسخر گفتند: «کسی بهتر از این برده‌ی سیاه نبود که اذان بگوید؟!» «او حتی بلد نیست حرف «شین» را درست تلفظ کند!» «خدا را شکر، پدرم از دنیا رفت و اذان این سیاه حبشی را نشنید!» «کلاغ سیاه بالای کعبه اذان می‌گوید!» این سخنان بر رسول خدا ﷺ گران آمد و آن حضرت تصمیم گرفت تا فرد دیگری را برای اذان انتخاب کنند. در این هنگام خداوند آیه‌ی زیر را نازل کرد:

ارزش هر کس به تقوای اوست.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ

عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ﴿١٣﴾

ای مردم! ما شما را از يك مرد و زن آفریدیم و [به صورت] ملت‌ها و قبیله‌ها [ی مختلف] قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی تردید گرمی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است. (حجرات، ۱۳)

این آیه به همه‌ی مردم گوشزد می‌کند که معیار برتری و موفقیت انسان‌ها، رنگ صورت یا نوع لباس یا مقدار مال و ثروت یا زیبایی و هر چیز دیگر نیست؛ بلکه تنها تقوا و خداترسی هر کس است که ارزش او را مشخص می‌کند.

• فکر کن و بگو:

۱. چرا تقوا ملاک برتری انسان‌هاست؟
۲. با توجه به مطالب درس، بگویند چرا خداوند تحقیر و تمسخر دیگران را حرام کرده است؟
۳. آیا کسی می‌تواند خود را باتقواتر از دیگری بداند؟

آیا می‌دانید از نظر اسلام اکسیر خوشبختی و موفقیت در زندگی چیست؟ با نوشیدن این اکسیر خواهید توانست بر تمام مشکلات پیروز شده و راه حل بیرون آمدن از گرفتاری را پیدا کنید. اگر باور ندارید به این جمله از ابوذر غفاری - یار باوفای پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام - توجه کنید: «من آیه‌ای را می‌شناسم که اگر تمام انسان‌ها فقط به همان آیه عمل کنند، برای حل مشکلاتشان کافی است. سپس این آیه را خواند:

تقوا سبب روزی‌های مادی و معنوی خدا می‌شود.

... وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ﴿۲﴾ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ... ﴿۳﴾

و هر که از خدا پروا کند، خدا برای او راه بیرون شدن [از مشکلات و تنگناها را] قرار می‌دهد.

(۲) و او را از جایی که گمان نمی‌کند روزی می‌دهد... (۳) (طلاق)

خیلی از انسان‌ها فکر می‌کنند با راه‌های غلط و اشتباه مثل دروغ، دزدی، حيله‌گری و فریب دیگران، می‌توانند به مقصود خود رسیده و زودتر از همه به خواسته‌شان برسند، ولی خداوند در این آیه راه دیگری را نشان می‌دهد و تأکید می‌کند که اگر کسی تقوا و پرهیزکاری را رعایت کند، خودش به کمک او می‌آید و او را از مشکلات نجات داده و به شکلی روزی‌اش را به او می‌رساند که خودش هم گمان نمی‌کند. حال، انتخاب با خود ماست که ضمانت خدا را باور کرده و به راه پیشنهادی او رو بیاوریم یا راه

نادرست را انتخاب کنیم.

آری! تقوا نه تنها وسیله‌ی حفاظت و بیمه‌ی انسان در مقابل گناه است؛ بلکه سبب افزایش روزی و حل مشکلات و در یک کلام، اکسیر خوشبختی هم می‌شود.

• فکر کن و بگو:

۱. این آیه را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ

يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا»

۲. آیا تقوای هر فرد، سبب پیشرفت جامعه نیز می‌شود؟

۳. منظور از روزی معنوی مؤمنان چیست؟

تا به حال به نقش لباس در زندگی خود دقت کرده اید؟ لباس یکی از نعمت های خداست که فواید زیادی برای ما دارد. مهم ترین فواید لباس سه چیز است:

- ۱- باعث زینت و زیبایی انسان می شود؛
- ۲- انسان را از سرما و گرمای زیاد حفظ می کند؛
- ۳- زشتی ها بدن ما را می پوشاند.

خوب است بدانید که روح ما نیز مثل بدن ما نیاز به لباس دارد؛ یعنی به چیزی احتیاج دارد که زشتی های روحی را بپوشاند و او را از خطر نجات داده و باعث زیبایش هم بشود. بهترین لباس برای روح ما تقواست. خداوند در قرآن می فرماید:

تقوا بهترین لباس در زندگی است.

يٰۤاَيُّهَا اٰدَمُ قَدْ اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ لِبَاسًا يُّؤْوِي سَوْءَتِكُمْ وَرِدِيًا وَّلِبَاسُ النُّفُوٰى ذٰلِكَ خَيْرٌ
ذٰلِكَ مِنْ ءَايٰتِ اللّٰهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُوْنَ ﴿٢٦﴾

ای فرزندان آدم! لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می پوشاند و مایه ی زینت شماست. اما لباس پرهیزگاری بهتر است! اینها (همه) از آیات خداست، تا متذکر

(نعمت های او) شوند! (اعراف، ۲۶)

آری! همان طور که در این آیه، خیلی زیبا و جذاب بیان شده است، تقوا بهترین لباس انسان است؛ چون بیشتر از همه ی لباس ها عیب های ما را می پوشاند و بهتر از همه ی لباس ها ما را از آتش جهنم دور می کند و بالاتر از همه ی لباس ها به زیبایی و آراستگی معنوی ما کمک می کند. امام علی علیه السلام می فرماید: «تقوا باعث می شود مؤمن از حرام چشم پوشی کند.» بنابراین چه خوب است که خودمان را به زیور تقوا آراسته کرده و در پناه امن آن جای بگیریم.

• فکر کن و بگو:

۱. شباهت های میان لباس جسم و روح را بررسی کرده و بگویند چرا تقوا بهترین لباس است؟
۲. به نظر شما، چرا لباس یکی از نعمت های خدا شمرده شده است؟
۳. از کجای آیه می شود فهمید که آراسته بودن لباس کاری پسندیده و نیکوست؟

قبلاً اشاره شده که امتیاز انسان نسبت به سایر مخلوقات خداوند این است که دارای قوای متضاد و مختلفی است؛ یعنی هم قوای حیوانی در وجود آدمی هست و هم قوای فرشته بودن. بنابراین در درون انسان همیشه جنگ تمام عیاری میان عقل و نفس در حال رخ دادن است. مثلاً عقل انسان می‌گوید: «به دوستت کمک کن و با او مهربان باش» ولی نفس بدکار انسان می‌گوید: «به او بی‌توجهی کن یا قدرت و زورت را نشانش بده» یا این که عقل دوست دارد ما درس بخوانیم و عالم شویم ولی نفس می‌خواهد تنبلی و تن‌آسایی کنیم. خلاصه این جنگ و کشمکش بین عقل و نفس از ویژگی‌های خلقت انسان است.

خداوند بارها ما بندگان را توصیه کرده است که اجازه ندهیم نفس بدکارمان ما را به کارهای بد کشانده و بر عقل ما پیروز شود. خوشبختی و پیروزی برای کسی است که نفس بدکار خود را مهار کرده و به او اجازه فرماندهی ندهد.

بهشت در گرو خودسازی و پرورش نفس است.

وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٤٠﴾ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ ﴿٤١﴾

و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوس بازدارد، (۴۰) قطعاً بهشت جایگاه

اوست! (۴۱) (نازعات)

امام علی علیه السلام می فرماید: «من نفس خود را با تقوا پرورش می دهم. نفس انسان مانند حیوان سرکش است که هر از چند گاهی می خواهد فرار کرده و سرکشی کند؛ پس انسان باید با تقوا افسار آن را مهار کرده و به راه آورد.»

• فکر کن و بگو:

۱. منظور از خودسازی چیست؟
۲. جهاد اکبر به چه جهادی گفته می شود؟
۳. آیا اقسام نفس را می شناسید؟ از مری خود بخواهید تا شما را با نفس اماره، لوامه و مطمئه آشنا سازد؟

برای مسافرت دور و دراز خود نیاز به همراه داریم. به نظر شما بهترین همراه کیست؟ کسی که بودنش باعث آرامش و امنیت خاطر انسان شود و او را از ناامیدی و ترس برهاند. آری! بهترین همراه ما، یاد خداست. بهترین مونس و همدم برای تنهایی انسان، خداست که همه جا و در همه حال وجود دارد. خوب است بدانید که ذکر و یاد خدا، تنها عبادتی است که حد و اندازه‌ای ندارد و در هر حالی خوب است. به همین خاطر خدا در قرآن می‌فرماید:

همیشه به یاد خدا باشیم.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا ﴿٤١﴾ وَسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ﴿٤٢﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را بسیار یاد کنید، (۴۱) و صبح و شام او را تسبیح گویند! (۴۲)
(احزاب)

خداوند در آیات دیگر قرآن، شرط کرده است که هر کس او را یاد کند، او هم به یادش خواهد بود. (بقره، ۱۵۲) هم چنین تأکید کرده که هر کس از یاد او رویگردان شود، زندگی سخت و طاقت فرسایی خواهد داشت. (طه، ۱۳۴)

به یاد داشته باشیم که ذکر و یاد خدا فقط با زبان نیست؛ بلکه در دل هم هست. یاد خدا دل‌ها را نورانی می‌کند و انسان را از غم و غصه‌های دنیایی می‌رهاند. یکی از

برجسته‌ترین صفات پرهیزکاران این است که در هر حالی خدا را یاد می‌کنند؛ در حال کار کردن، عبادت کردن، تفریح و ورزش، قبل از خواب و پس از آن، در هنگام ناراحتی و غم و غصه و در زمان شادی و سرور.

• فکر کن و بگو:

۱. چرا هر کاری را با بسم الله شروع می‌کنیم؟
۲. یکی از نام‌های قرآن ذکر است. مفهوم این نام چیست؟
۳. چگونه می‌شود در حال تفریح هم به یاد خدا بود؟

حتماً تا به حال صخره‌نوردانی را دیده‌اید که از صخره‌های صعب‌العبور و مرتفع بالا می‌روند و هیچ ترسی به خود راه نمی‌دهند. لابد از خود پرسیده‌اید که چه چیزی باعث شده تا آنان با خیال راحت بر کار خود تمرکز کنند و از افتادن و سقوط نترسند. آری! آنان با خود طناب محکمی دارند تا در صورت سقوط، جانشان حفظ شود و در دره نیفتند.

ما نیز برای عبور از دره‌های سخت زندگی به چنین دستگیره‌ی محکمی نیاز داریم که به ما امنیت و آرامش ببخشد و قلب ما را مطمئن کند و برای این کار چه چیزی بهتر از یاد خدا وجود دارد؟! آری! خداوند در قرآن می‌فرماید:

یاد خدا وسیله‌ی آرامش است.

الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿۲۸﴾

آنها [یعنی افرادی که به سوی خدا بازگشته‌اند] کسانی هستند که ایمان آورده‌اند، و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است آگاه باشید، تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد! (رعد، ۲۸)

اگر همه‌ی دلایل دلهره و اضطراب انسان‌ها را در زندگی جستجو کنیم، خواهیم دید که ریشه‌ی همه‌ی آن‌ها دوری از یاد خدا و فراموش کردن اوست.

کسی که به یاد خدا باشد، از سراسیمگی‌های زندگی هراسی ندارد؛ با حوادث روزگار افسرده و مضطرب نمی‌شود؛ فکر آینده او را نگران و پریشان نمی‌کند و خلاصه، آرام و مطمئن

است. شاید بزرگ‌ترین اشتباه برخی این باشد که فکر می‌کنند آرامش و خوشبختی برای پولدارها و ثروت‌مندان و قدرت‌مندان و افراد مشهور است؛ درحالی‌که اگر به زندگی آن‌ها نیز نزدیک شویم، چیزی جز استرس، نگرانی و حتی افسردگی نمی‌بینیم.

• فکر کن و بگو:

۱. این آیه را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: « **فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ** » (بقره، ۱۵۲)
۲. با مراجعه به آیه ۱۷۹ اعراف بگویید خداوند چه کسانی را پست‌تر از چهارپایان می‌داند؟
۳. با توجه به مطالب درس، می‌توانید بگویید رمز موفقیت بزرگان دین ما در مشکلات و سختی‌ها چه بوده است؟

برای قبولی در آزمون زندگی نیاز به چند فرمول و راه کار ساده داریم. یکی از این فرمول‌ها، «فرمول موفقیت» است که در این چند درس به آن اشاره می‌کنیم. منظور از این فرمول، کارهای خوب و فضیلت‌های اخلاقی مهم و حیاتی در زندگی ماست که سبب می‌شود تا در کارهای مختلف موفق شده و به هدف برسیم. اولین قانون این فرمول، عبارت است از:

۱. کار را برای خدا انجام بده!

همه‌ی ما دوست داریم از وسایلی استفاده کنیم که هیچ وقت خراب نمی‌شوند؛ مثلاً ساعتی داشته باشیم که ضد آب باشد یا تلفن همراهی بخریم که عمر باتری آن بیشتر باشد یا لباسی را انتخاب می‌کنیم که رنگ ثابت داشته باشد و کهنه و پلاسیده نشود. چه خوب است برای کارهایمان هم همین نگاه را داشته باشیم؛ یعنی کارهایمان را طوری انجام بدهیم که اثرش بیشتر و ماندگارتر باشد. می‌دانید راهکارش چیست؟ رنگ زدن. آری! باید به کارهایمان رنگ بزنیم تا هم جلوه‌ی بیشتری داشته باشد و هم پوسیده و کهنه نشود. اما چه رنگی؟ بهترین و ماندگارترین رنگ، رنگ خدایی است:

رنگ خدا بهترین رنگ‌هاست. (اخلاص)

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ (۱۳۸)

رنگ خدایی (بپذیرید!) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است؟! و ما تنها او را عبادت می‌کنیم. (بقره،

چرا بهترین رنگ، رنگ خدایی است؟ چون جز خدا هیچ چیز پایدار و ماندگار نیست؛ پس فقط کاری پایدار می ماند که فقط برای رضایت و خشنودی او انجام شود. پس اولین عامل موفقیت بیشتر در کارها، اخلاص است.

• فکر کن و بگو:

۱. آیا اخلاص فقط در عبادات لازم است؟

۲. این حدیث زیبا از پیامبر اکرم ﷺ را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «مَنْ كَانَ لِلَّهِ كَانَّ اللَّهُ لَهُ»

۳. شعری که با بیت زیر شروع می شود، را پیدا کن و بگو از کیست؟
از علی آموز اخلاص عمل

تا به حال به کار فروشنده‌ها در مغازه دقت کرده‌اید؟ آیا دفتر حسابرسی آنان را دیده‌اید؟ می‌دانید چه افرادی در کار تجارت و بازار موفق هستند؟ آن‌هایی که هر روز مقدار درآمدها و هزینه‌هایشان - یا همان دخل و خرجشان - را حساب کرده و بررسی می‌کنند که نسبت به روز گذشته و هفته‌ی قبل یا حتی ماه و سال گذشته چقدر سود و زیان داشتند و چرا این سود و زیان به آنان رسیده است. اگر کسی همین‌طور بدون حساب و کتاب وارد کار تجارت و فروشنده‌گی شود؛ یعنی بدون این‌که قیمت‌ها را بداند، جنس بخرد و بفروشد؛ خیلی زود ورشکسته می‌شود.

در زندگی دینی و معنوی ما نیز همین‌طور است. انسان موفق کسی است که هر روز به کارهای خود دقت کرده و از خود حسابرسی کند؛ یعنی مقدار کارهای خوب و بد هر روزش را شمارش کرده و میزان پیشرفت یا پسرفت روزانه و ماهانه و سالیانه‌اش را بررسی کند. بنابراین دومین فاکتور لازم برای موفقیت عبارت است از:

۲- بر خوبی و بدی تمام کارهای خود نظارت کن!

خداوند کریم در قرآن می‌فرماید:

حسابرسی و مراقبه از اعمال خود

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اتَّقُوا اللّٰهَ وَتَنْظُرُوْا نَفْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيْرٌ

بِمَا تَعْمَلُوْنَ ﴿۱۸﴾

ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید و هر کسی باید با تأمل بنگرد که برای فردای خود چه چیزی پیش فرستاده است، و از خدا پروا کنید؛ یقیناً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (حشر، ۱۸)

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «از خودتان حسابرسی کنید؛ قبل از آن که از شما حسابرسی شود.»

• فکر کن و بگو:

۱. چرا اعمال ما نیاز به مراقبه و محاسبه توسط خود ما دارد؟
۲. با جابجایی کلمات، شعر را مرتب کنید:
باید - حساب - کرد - کنون - عمل - را
منشور - نه - که - گردد - وقتی - کتاب
۳. منظور از این حدیث حضرت علی رضی الله عنه چیست؟ «هر کس دو روزش با هم مساوی باشد. زیان دیده است.»

در هر کاری نیاز به پشتوانه و سرمایه است تا اگر خدای ناکرده به مشکلی برخوردیم، با تکیه و کمک او بتوانیم دوباره برخیزیم و راه را ادامه بدهیم. از این مطلب، سومین قانون برای فرمول موفقیت روشن می‌شود:

۳- به خدا تکیه کن!

اگر قرار است به کسی یا چیزی تکیه کنیم، چه چیزی بهتر از خدا؟! او از همه بهتر می‌تواند ما را یاری کند؛ چون می‌تواند جلوی همه‌ی دشمنانمان بایستد؛ چون علم و حکمتش از همه بیشتر است؛ چون از همه مهربان‌تر و دلسوزتر است و چون اختیار همه چیز دست اوست. پس بی‌معناترین کار دنیا این است که کسی قدرت برتر و بزرگ‌تر را رها کرده و کسانی یا چیزهایی را پشتوانه‌ی خودش قرار دهد که هم ناتوان‌اند و هم زودگذر و از بین رفتنی!

توکل بر خدا

... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ... ﴿۲﴾

... و هر کس بر خدا توکل کند، خدا برایش کفایت می‌کند ... (طلاق، ۲)

تکیه کردن به خدا در اصطلاح دینی، «توکل» نام دارد. توکل یعنی به خدا دل ببندیم و جز او به کسی امید نداشته باشیم. توکل یعنی بدانیم که اگر خدا بخواهد کاری بشود، آن کار حتماً می‌شود و اگر او نخواهد، هیچ‌گاه شدنی نیست. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هر کس به خدا

توکل کند، شکست نمی خورد.»

البته باید دقت کرد که معنای توکل، این نیست که دست روی دست بگذاریم و هیچ تلاشی برای موفقیت نکنیم تا خدا خودش به کمک ما بیاید؛ زیرا خدا به آن‌هایی کمک می‌کند که هم همت و پشتکار دارند و هم توکل و امید.

• فکر کن و بگو:

۱. این آیه را معنا کن: «وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ» (هود، ۸۸)

۲. توکل به چه معناست و چه نقشی در موفقیت ما دارد؟

۳. مفهوم این شعر چیست و به چه واقعه‌ای اشاره دارد؟

باید خلیل بود و به یار اعتماد کرد گاهی بهشت در دل آتش میسر است.

اگر کسی به شما هدیه‌ای بدهد، از او تشکر می‌کنید. چرا؟ چون این کار مطابق ادب است. اگر از او تشکر نکنید، چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر از او تشکر کنید، ولی هدیه‌اش را دور بیندازید و او بفهمد، چطور؟

شکرگزاری و حس قدردانی از خصوصیات انسان‌های خوب است. اگر در برابر خدمات و خوبی دیگران تشکر نکرده و قدردان نباشیم، زمینه محبت و لطف دوباره‌ی آنان را از بین برده‌ایم. برای همین، چهارمین قانون فرمول موفقیت عبارت است از:

۴- از خدا تشکر کن و به آن چه به تو داده، قانع باش!

شاید با خود فکر کنید که شکر و قناعت تأثیر زیادی در موفقیت انسان ندارد و فقط تسکین و آرامشی است برای شکست‌ها و رنج‌های او؛ در حالی که این تصور بی‌نهایت غلط است. برای روشن شدن موضوع، به این آیه دقت کنید:

شکر نعمت‌های خدا

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي

لَشَدِيدٌ ﴿٧﴾

و [یاد کنید] هنگامی که پروردگارتان اعلام کرد: اگر شکرگزاری کنید، قطعاً [نعمت] خود را بر شما

می‌افزایم، و اگر ناسپاسی کنید، بی‌تردید عذابم سخت است. (ابراهیم، ۷)

از این آیه به خوبی فهمیده می شود که شکر باعث می شود تا نعمت های بیشتر و بهتر شود و ناشکری نعمت را از انسان می گیرد.

توجه داشته باشد که شکر فقط با زبان نیست؛ بلکه شکر واقعی این است که از نعمت های خدا بهترین استفاده را ببریم؛ همان طور که اگر از دوستان تشکر کنیم، ولی هدیه اش را دور بیندازیم، در واقع تشکر نکرده ایم.

• فکر کن و بگو:

۲. این حدیث را ترجمه و شرح کن: «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ»

۱. مصرع اول این بیت را بگو:

کفر نعمت از کفت بیرون کند!

.....

۳. خدا چه نیازی به شکر ما دارد؟

همه‌ی ما در زندگی دچار سختی و مصیبت می‌شویم. اصلاً گمان این‌که زندگی در دنیا برای کسی بدون رنج و مشکلات باشد، گمان نادرست و اشتباهی است. بدون شک کلیدی‌ترین ابزار موفقیت بزرگان در طول تاریخ، صبر و تحمل آنان در سختی‌ها بوده است. پس قانون پنجم برای فرمول موفقیت در زندگی، این است:

۵- در برابر سختی‌ها صبر کن و ناامید نشو!

از قدیم گفته‌اند که صبر و ظفر (یعنی پیروزی) همیشه با هم هستند:

صبر و ظفر، هر دو دوستان قدیم‌اند بر اثر صبر، نوبت ظفر آید

خداوند در قرآن پاداش فراوانی را برای صابران قرار داده است و از مؤمنان خواسته تا از صبر برای پیروزی در مشکلات کمک بگیرند:

صبر و بردباری در برابر مشکلات

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اسْتَعِيْنُوْا بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّٰبِرِيْنَ ﴿۱۵۳﴾

ای اهل ایمان از صبر و نماز [برای حل مشکلات خود] کمک بخواهید زیرا خدا با صابران است

(بقره، ۱۵۳)

در روایات اسلامی آمده است که صبر برای ایمان مانند سر برای بدن است و کسی که صبر نداشته باشد، ایمان هم ندارد. امام علی علیه السلام در کلام زیبایی می‌فرماید: «هر که بر

مرکب صبر سوار شود، به میدان پیروزی و نصرت راه خواهد یافت.»
جالب است بدانید که صبر سه گونه است: ۱- صبر در برابر مشکلات. ۲- صبر و پایداری در انجام عبادت و اطاعت از خدا. ۳- صبر و پایداری در ترک گناه و معصیت.

• فکر کن و بگو:

۱. سوره‌ی عصر را تلاوت کرده و بگویید خداوند در آن چه توصیه‌ای به ما می‌کند؟
۲. داستان حضرت ایوب علیه السلام و صبر او در برابر مشکلات را بازگو کنید.
۳. هر یک از انواع صبر که در درس به آن اشاره شد، به چه معناست؟

- علامه طباطبایی رحمته الله یکی از علما و دانشمندان بزرگ اسلامی است. وی در اواخر عمرش برای مداوا به خارج رفته بود. پزشکان با تعجب زیاد، به همراهانش گفته بودند که مغز او - به خاطر مطالعه و تفکر زیاد - بسیار پیر شده و گویا به اندازه‌ی ۷۰۰ سال کار کرده است.

- یکی دیگر از دانشمندان بزرگ اسلامی، علامه امینی رحمته الله است. وی به خاطر نوشتن کتاب باارزش و گران قدر «الغدیر» تلاش بسیار زیادی نمود. یکی از مشکلات او در این راه، این بود که به کتاب‌های مورد نیازش دسترسی نداشت. برای همین به کتابخانه‌ی شهر می‌رفت تا از کتاب‌ها استفاده کند، ولی کتابخانه بیش‌تر از چهار ساعت در روز باز نبود. برای همین، با مسئول آن قرار گذاشت تا شب‌ها در را از پشت ببندد و اجازه دهد تا او در کتاب‌خانه تا صبح مطالعه کند. این کار هر روز او بود..

این دو حکایت را برای نمونه آوردیم تا بگوییم که ششمین قانون موفقیت این است که:

۶- برای رسیدن به هدف، هیچ‌گاه از کار و تلاش دست برندار!

حتماً تاکنون این ضرب‌المثل را شنیده‌اید که «نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود.» آری! این یک حقیقت است که تنها کسانی موفق شده و به هدف می‌رسند که در راه هدفشان سخت‌کوش و خستگی‌ناپذیر باشند. با تنبلی و سستی هیچ چیز به دست نمی‌آید.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

همت و تلاش برای رسیدن به هدف

... لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ﴿٣٩﴾

... برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و بهره‌ای] نیست. (نجم، ۳۹)

سرگذشت هر یک از علما و نخبگان علمی را که بخوانید، متوجه خواهید شد که هیچ‌گاه خسته نمی‌شدند و با تلاش و کوشش مثال‌زدنی به دنبال هدفشان بودند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند همت‌های بلند و شریف را دوست دارد و از چیزهای پست بیزار است.»

• فکر کن و بگو:

۱. معنای این ضرب‌المثل چیست؟ «عاقبت جوینده یابنده بُود.»
۲. چه حکایات دیگری از همت و تلاش انسان‌های موفق در تاریخ سراغ دارید؟
۳. مصرع دوم این بیت را بگو:
همت بلند دار که مردان روزگار
.....

بین چند نفر اختلاف افتاده بود که الآن ساعت چند است؟ مغازه‌داری که در آن اطراف بود، جلو آمد و گفت: «الآن ساعت دقیقاً پنج بعد از ظهر است.» همه با تعجب به او نگاه کردند که چگونه بدون این که ساعت داشته باشد، این قدر مطمئن است. به روحانی سیدی که از آن جا عبور می‌کرد، اشاره کرد و گفت: «این سید هر روز رأس ساعت پنج بعد از ظهر از جلوی مغازه‌ی من رد می‌شود. ما بازاری‌ها ساعتان را با رفت و آمد او تنظیم می‌کنیم.» آن سید، کسی جز «امام خمینی علیه السلام» - رهبر کبیر انقلاب اسلامی - نبود.

نظم و انضباط یکی از ویژگی‌های افراد موفق است؛ به طوری که بدون آن دست یافتن به هدف تقریباً غیر ممکن است. پس به یاد داشته باشید که هفتمین قانون برای فرمول موفقیت، این است:

۷- به کارهایت نظم بده و برای هر چیز زمان مشخصی در نظر بگیر.

خداوند کریم در آیات زیادی نظم و تدبیر جهان را نشانه‌ای برای خردمندان دانسته تا آنان نیز از این نظم در امور خود بهره بگیرند. به یکی از این آیات توجه کنید:

نظم خداوند؛ الگویی برای نظم مؤمنان

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿۱۱۰﴾

همانا در آفرینش [و نظم] آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد شب و روز، نشانه‌هایی برای

خردمندان است. (آل عمران، ۱۹۰)

امام علی علیه السلام در آخرین وصیت خود به شیعیان فرمود: «أوصيكم بتقوى الله و نظم أمرکم؛ شما را به تقوا و نظم در زندگی تان توصیه می‌کنم.» از این وصیت حضرت معلوم می‌شود که دین اسلام چه جایگاه مهمی برای نظم و انضباط در زندگی در نظر گرفته است.

• فکر کن و بگو:

۱. نقش نظم و برنامه‌ریزی در موفقیت انسان چقدر است؟
۲. از برخی احکام مدت دار و منظم مانند دعای هنگام سحر یا طلوع آفتاب و ... می‌توان فهمید که اسلام به وقت‌شناسی اهمیت زیادی می‌دهد. چند مورد از این احکام نام ببرید.
۳. امام کاظم علیه السلام در حدیثی توصیه کردند تا زمان خود را به چهار بخش تقسیم کنیم. این چهار بخش را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «سَاعَةٌ لِمَنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةٌ لِمُؤْمَرِ الْمَعَاشِ وَ سَاعَةٌ لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ سَاعَةٌ تَحُلُونَ فِيهَا لِلذَّائِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ»

سال‌های زیادی تلاش کرده بود تا صندوقچه‌ی جواهرات مورد نظر پادشاه را بسازد. از آن چیزی که فکرش را هم می‌کرد، زیباتر و ظریف‌تر شده بود. می‌دانست که سلطان با دیدن صندوق چه شگفت‌زده می‌شود و پول خوبی به او خواهد داد. وقتی وارد قصر شد، با نهایت تعجب دید که پادشاه به او توجه نکرد و به احترام فرد دیگری رفت. پرسید: «آن مرد کیست که سلطان این قدر به او احترام می‌گذارد؟» گفتند: «او یک دانشمند است.» لحظه‌ای به فکر فرو رفت و با آن که بیش از سی سال از عمرش گذشته بود، تصمیم گرفت سراغ درس برود و دانشمند شود.

حکایت بالا بخش مهمی از زندگانی سکاکی - دانشمند مشهور ادبیات عربی - است که با تلاش و پشتکار و علاقه‌ی زیادش به فراگیری علم، دانشمندی بزرگ در علوم مختلف شد. از این حکایت می‌فهمیم کوتاهی در کسب دانش باعث پشیمانی انسان می‌شود. پس هشتمین قانون لازم در فرمول موفقیت دائمی عبارت است از:

۸- تا پایان عمر، در یادگیری و کسب دانش کوتاهی نکن.

اسلام اهمیت زیادی برای کسب علم و دانش و فکر کردن گذاشته است. به این آیه توجه کنید:

اهمیت کسب علم و دانش

... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ... ﴿۹﴾

... آیا کسانی که می‌دانند با آن‌ها که نمی‌دانند یکسانند؟! ... (زمر، ۹)

خوب است بدانید که هیچ دینی همانند اسلام بر اهمیت علم و دانش تأکید نکرده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «به دنبال علم بروید؛ حتی اگر در چین (جای بسیار دور) باشد.»

• فکر کن و بگو:

۱. این حدیث از پیامبر ﷺ را معنا کنید: «أَطْبِئُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ»

۲. مصرع اول این بیت را بگو:

درخت تو گر بار دانش بگیرد

.....

۳. آیا هر علمی مفید است؟

امام علی علیه السلام درباره‌ی آن گفته است: «هیچ پشتیبانی بهتر از آن نیست.» پیامبر صلی الله علیه و آله در اهمیت آن گفته است: «هر کس آن را انجام دهد، پشیمان نمی‌شود.» امام صادق علیه السلام آن را باعث یقین و برطرف شدن تردیدها دانسته است. آری! سخن درباره‌ی یکی از کلیدی‌ترین عوامل موفقیت هر فرد - یعنی مشورت کردن - است:

۹- در کارها با افراد صاحب‌نظر مشورت کن!

برخی از انسان‌ها گمان می‌کنند که مشورت برای زمانی است که خودمان به نتیجه نرسیده‌ایم و خوبی یا بدی کارمان را نمی‌دانیم، ولی این تصور غلط است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آن که خود آگاه‌ترین انسان‌ها بود، در برخی کارها با دیگران مشورت می‌کرد. خداوند کریم یکی از صفات مؤمنان را مشورت کردن در کارها می‌داند:

مشورت کردن در کارها

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿۳۸﴾

و کسانی که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا می‌دارند و کارهایشان به صورت مشورت در میان آنهاست و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند. (شوری، ۳۸)

البته به خاطر داشته باشید که نباید با هر کس مشورت کرد. در احادیث آمده است که با کسی مشورت کنیم که دلسوز، آگاه، باتجربه، خیرخواه، پرهیزکار، امنت‌دار و راست‌گو باشد و ترسو، بخیل و حریص نباشد.

• فکر کن و بگو:

۱. تأثیر مشورت در موفقیت انسان چقدر است؟
۲. کدام آیه از قرآن به پیامبر ﷺ فرمان می‌دهد تا با مؤمنان مشورت کند؟
۳. آداب مشورت کردن چیست؟

تا کنون با نه قانون لازم در فرمول موفقیت آشنا شدیم. در این دو درس قصد داریم شما را با دهمین قانون در این زمینه آشنا کنیم. ما اسم این قانون، را «قانون معجزه‌گر» نامیده‌ایم؛ چون تأثیر بسیار سریع و باورنکردنی در موفقیت هر کس دارد. این قانون عبارت است از:

۱۰- پدر و مادرت را از خودت خشنود و راضی نگاه دار!
 خداوند کریم در آیات زیادی از قرآن کریم، بعد از امر به پرستش خودش، ما را به احسان و نیکی نسبت به پدر و مادر دعوت کرده است. به یکی از این آیات توجه کنید:

نیکی و احترام بسیار به پدر و مادر

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغْنِ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا نَهْرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ﴿٣٣﴾

و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هر گاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن‌ها، نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آن‌ها روا مدار! و بر آن‌ها فریاد مزین! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آن‌ها بگو! (اسراء، ۲۳)

شاید پیش خود گمان کرده باشید که این کار تأثیر چندانی در موفقیت یک فرد در

زندگی‌اش ندارد، ولی با خواندن تنها چند روایت از صدها حدیث در این زمینه، نظرتان برخواهد گشت:

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «رضایت خدا در سایه‌ی رضایت والدین و خشم خدا در سایه‌ی خشم آنان است.» «آن دو (یعنی پدر و مادر) بهشت و جهنم هر کس هستند.» «چهار کس هستند که دعای آن‌ها برگشت ندارد... یکی از آن‌ها، دعای پدر برای فرزندش است.» امام صادق علیه السلام هم می‌فرماید: «از دعای پدر علیه خود بپرهیزید که از شمشیر برنده تر است.»

• فکر کن و بگو:

۱. به نظر شما، چرا اسلام تا این حد به احترام پدر و مادر سفارش کرده است؟
۲. این حدیث را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَفْضَلُ الْفَرَائِضِ الْبِرُّ بِالْوَالِدِينَ»
۳. آیا در کارهای غیر دینی هم باید از پدر و مادر اطاعت کرد؟

در درس گذشته به نهمین قانون موفقیت در زندگی اشاره کردیم و گفتیم که نقش آن در کامیابی انسان‌ها بسیار بیشتر از آن چیزی است که فکرش را می‌کنیم. در این درس نیز قصد داریم به یک آیه و چند روایت در این موضوع اشاره بکنیم.

فروتنی در برابر والدین و دعا برای آنان

وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿٢٤﴾

و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: «پروردگارا! همان‌گونه که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!» (اسراء، ۲۴)

این آیه ادامه‌ی آیه‌ی درس گذشته است. خداوند کریم در این آیه گوشزد می‌کند که فرزندان باید در مقابل پدر و مادر خاضع و فروتن باشند و همواره برای آنان از خداوند طلب رحمت و مغفرت کنند. اینک به حکایتی درباره‌ی احترام به والدین توجه کنید:

مردی خدمت رسول خدا ﷺ رسید و گفت: «ای رسول خدا! من هیچ کار زشتی نمانده که انجام نداده باشم، آیا می‌توانم توبه کنم؟» رسول خدا ﷺ فرمود: «آیا پدر و مادرت زنده هستند؟» گفت: «پدرم زنده است.» حضرت فرمود: «برو به او نیکی کن تا آمرزیده شوی.» وقتی او راه افتاد، پیامبر زیر لب زمزمه کرد: «کاش مادرش زنده بود» (یعنی اگر به مادرش نیکی می‌کرد، زودتر آمرزیده می‌شد).

اشتباه نیست اگر نقش رضایت پدر و مادر در موفقیت هر فرد را به قطار سریع‌السیری تشبیه کنیم که بسیار سریع‌تر و راحت‌تر از ماشین‌های معمولی، آدمی را به مقصد می‌رساند. آری! انسان تیزهوش و نکته‌سنج کسی است که از این مسیر میانبر بهترین استفاده را داشته باشد و خود را در مسیر پُرسرعت دعای والدین بیندازد.

• فکر کن و بگو:

۱. چرا نیکی به مادر بیشتر از پدر سفارش شده است؟
۲. این حدیث را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «الْبَجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأُمَّهَاتِ»
۳. چه دعای دیگری از قرآن برای پدر و مادر سراغ دارید؟

حتماً تاکنون این ضرب‌المثل‌های مشهور را شنیده‌اید: «در ناامیدی بسی امید است.» «شکست پل پیروزی است.» «از این ستون به آن ستون فرج است.» این ضرب‌المثل‌ها، یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در زندگی مادی و معنوی ما را بیان می‌کند و آن، مأیوس نشدن و امید برای دستیابی به موفقیت است. پس یازدهمین عامل موفقیت عبارت است از:

۱- همواره به خودت و موفقیت امیدوار باش و از شکست‌ها ناامید مشو!

قرآن کریم بر این مطلب تأکید زیاد کرده است و انسان‌ها را از ناامیدی در زندگی برحذر داشته است: خوب است بدانید که اصلاً دلیل برخی محرومیت‌ها، زنده شدن برخی استعدادها در افراد است؛ مثلاً افراد ناتوان و معلولان جسمی از استعدادهای پنهان خود بیشتر از دیگران استفاده می‌کنند. به این آیه‌ی قرآن توجه کنید:

پیروزی در دل سختی‌هاست.

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾

قطعاً با (هر) سختی آسانی است! (۵) (آری) قطعاً با (هر) سختی آسانی است، (۶) (انشراح)

شکست و عدم موفقیت در زندگی معنوی نیز زیاد اتفاق می‌افتد؛ مثلاً بارها تصمیم به ترک گناه می‌گیریم، ولی باز هم در مقابل شیطان و نفس سرکش خود تسلیم می‌شویم یا از

اهمیت نماز غافل می شویم و مانند آن. برای این شکست‌ها هم راه نجاتی هست و آن توبه و بازگشت به خداست. در درس بعد به توبه و اهمیت آن خواهیم پرداخت.

• فکر کن و بگو:

۱. چرا شکست را پل پیروزی دانسته‌اند؟
۲. در سخن پیشوایان دینی ما آمده است که ناامیدی بزرگترین گناه است. به نظر شما، دلیل این سخن چیست؟
۳. با استفاده از مطالب درس، بیان کنید یکی از عوامل پیشرفت هر جامعه چیست؟

در درس گذشته، به یازدهمین قانون لازم برای فرمول موفقیت در زندگی دنیا و آخرت اشاره کردیم و گفتیم که دین اسلام ما را به شدت از ناامیدی و یأس نهی کرده است. راه حل دین برای ایجاد امید در دل گناهکاران و افراد ناموفق، توبه و بازگشت دوباره به ابتدای راه است. توبه یکی از فضیلت‌های بسیار مهم اخلاقی است. خداوند توبه‌کاران را دوست دارد و درهای رحمت و بخشش خود را به روی آنان باز کرده است:

توبه و امیدواری به رحمت و بخشش خدا

قُلْ يٰعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾

بگو: «ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند ناامید نشوید که خدا همه‌ی گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است. (زمر، ۵۳)»

در این آیه خداوند از پیامبرش می‌خواهد که به بندگان خطاکار این پیام را برساند که هیچ وقت از رحمت خداوند ناامید و مأیوس نشوند؛ زیرا در صورت توبه و پشیمانی، او همه‌ی گناهان شما را می‌بخشد. در طول تاریخ افراد بسیاری بوده‌اند که در یک لحظه به خود آمده و از گذشته‌ی خود پشیمان شده‌اند و با توبه به جمع بهترین بندگان خدا رسیده‌اند. نمونه‌ی این افراد، «بشتر حافی» بود که با یک جمله‌ی امام کاظم علیه السلام توبه کرد و از اولیای خدا شد.

این نکته هم ضروری است که توبه از برخی گناهان، فقط پشیمانی از انجام نیست؛ بلکه باید فرد در صدد جبران هم بر بیاید؛ مثلاً کسی که به اموال دیگران آسیب زده، باید علاوه بر توبه، آن‌ها را هم راضی کند.

• فکر کن و بگو:

۱. افراد بزرگی چون حرّ - یار باوفای امام حسین علیه السلام، بشر حافی - یار امام کاظم علیه السلام با توبه و پشیمانی از گناهشان به موفقیت دست یافتند. داستان این افراد را بازگو کنید.
۲. این حدیث را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ»
۳. آیا خداوند توبه‌ی هنگام مرگ را هم می‌بخشد؟

فرض کنید کلید گاو صندوق بزرگ پر از پول را به شما داده‌اند تا هر وقت که بخواهید بتوانید از آن استفاده کرده و نیازتان را برآورده سازید. در این صورت، شما هیچ‌گاه در زندگی خود احساس کمبود و مشکل نخواهید کرد و به پشتوانه‌ی آن کلید، هر کاری که بخواهید انجام می‌دهید.

برای معرفی کلید طلایی زندگی‌تان، به آخرین عامل موفقیت توجه کنید:

۱۲- نیازهایت را از خداوند بخواه و با او سخن بگو!

آری! تعجب‌آور نیست که بگوییم که دعا و درخواست از خداوند، کلید همیشگی و طلایی در دست ماست که با آن می‌توان هر وقت و هر جا نیاز خود را به خدا گفت و از خزانه‌ی تمام نشدنی رحمت او بهره‌مند شد:

دعا و توسل به درگاه حق

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي

سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ﴿٦٠﴾

پروردگار شما گفته است: «مرا بخوانید تا (دعای) شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند

به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند!» (غافر، ۶۰)

امام علی علیه السلام به فرزند خود می فرماید: «بدان که کسی که ملکوت و خزائن دنیا و آخرت در دست اوست، به تو اجازه داده تا او را بخوانی و اجابت دعای تو را تضمین کرده و به تو فرمان داده که از او بخواهی تا به تو عطا کند و او مهربان و بخشنده است. میان تو و خودش، فاصله ای نهاده و تو را به آوردن واسطه و میانجی، وادار نکرده است... سپس کلید خزائن و گنجینه هایش را - که همان دعا و خواستن از اوست - در اختیار تو نهاده است. پس هرگاه تو بخواهی، با دعا کردن، در گنجینه های او را می گشایی.»

• فکر کن و بگو:

۱. آیا همه ی دعا های ما مستجاب می شود؟
۱. چه زمان هایی دعا بیشتر استجاب می شود؟
۳. چگونه از آیه ی بالا می شود فهمید که دعا کردن یک عبادت است؟

در درس گذشته گفتیم که خداوند در قرآن وعده داده است که دعای بندگان را اجابت می‌کند. در این درس می‌خواهیم به اثرات تربیتی دعا اشاره کنیم. برای این منظور، به آیه‌ی زیر توجه کنید:

دعا سبب رشد بندگان

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ
فَلَيْسَتْ حِجَبُوا لِي وَلِيَوْمُ مَوْتِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ﴿١٨٦﴾

و هنگامی که بندگان من، از تو درباره‌ی من سؤال کنند، (بگو): من نزدیکم! دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می‌خواند، پاسخ می‌گویم! پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان بیاورند، تا راه یابند (و به مقصد برسند)! (بقره، ۱۸۶)

همه‌ی شما با اهمیت دعا و توسل به خداوند آشنا هستید. راز و نیاز و سخن گفتن با خدا روح انسان را پرواز داده و او را با خالق مهربان و یگانه‌ی خویش مرتبط می‌سازد. دعا هم به انسان آرامش و امنیت می‌دهد و هم او را از مشکلات و سختی‌ها رهایی می‌بخشد. هم جایگاه انسان را نزد خداوند بالا می‌برد و هم معارف دینی را در افراد زیاد می‌کند و بالأخره آثار تربیتی فراوانی دارد. در یک جمله دعا انسان را رشد می‌دهد. در آیه‌ی بالا هدف از دعا همین بیان شده است.

پیامبر گرامی ما ﷺ فرموده است: «دعا برترین عبادت‌هاست. دعا سلاح مؤمن، ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است.»

یکی از افتخارات ما شیعیان این است که دعاهای بسیاری از امامان ما وارد شده است که هر کدام از آن‌ها بسیار زیبا و پرمعناست و چگونگی سخن گفتن با خدا را به ما یاد می‌دهد.

• فکر کن و بگو:

۱. چند دعای مشهور را نام برده و بگویند هر یک از کدام امام نقل شده است؟
۲. این جمله از کیست؟ «ما مفتخریم که صحیفه‌ی سجادیه از ماست»
۳. آیا خدا به دعای ما نیاز دارد؟

دعا و راز و نیاز با خدا هم مثل هر کار دیگری آداب و شروطی دارد که با رعایت آن، بهتر انجام می‌شود. برخی آداب دعا عبارت‌اند از: ۱- دعا را با نام خدا و حمد او آغاز کنیم. ۲- قبل و بعد از دعا، بر پیامبر ﷺ و خاندانش درود بفرستیم. ۳- در ابتدا به گناهانمان اعتراف کرده و سپس از خدا چیزی بخواهیم. ۴- خدا را با نام‌های نیکویش بخوانیم. ۵- از دعاهایی که در قرآن و مفاتیح آمده، بیشتر استفاده کنیم. در این چند درس، می‌خواهیم به چند دعای قرآنی اشاره کنیم که خوب است در قنوت نمازها خوانده شود.

دعا برای کسب بهترین‌ها

...رَبَّنَا إِنَّا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةٌ وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ﴿۲۰۱﴾

پروردگارا! به ما در دنیا (نیکی) عطا کن! و در آخرت نیز (نیکی) مرحمت فرما! و ما را از عذاب آتش نگاه دار! (بقره، ۲۰۱)

این دعا به ما یاد می‌دهد که: ۱- خوب است ابتدای دعا خدا را با نام «رَبَّنَا» بخوانیم. ۲- نباید در دعا تنها به مسائل مادی فکر کرد و خوب است به فکر آخرت هم باشیم. ۳- لازم نیست حتماً هر نیازی داریم به زبان بیاوریم. خدا خودش خواسته‌ی ما را بهتر می‌داند. بهتر است بگوییم: خدایا! هر چه خوب و به نفع ماست، به ما بده.

• فکر کن و بگو:

۱. صفت «ربّ» برای خداوند به چه معناست؟
۲. هر کدام از آداب دعا که در این درس ذکر شد، از کجای آیه برداشت شد؟
۳. چرا یکی از آداب دعا این است که طلب خودمان را به زبان نیاوریم؟

در این درس، به یکی دیگر از دعاهای قرآنی اشاره می‌کنیم:

دعا برای عاقبت به خیری

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا
ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ﴿١٩٣﴾

پروردگارا! ما صدای ندادهنده را شنیدیم که به ایمان دعوت می‌کرد که: «به پروردگار خود، ایمان بیاورید!» و ما ایمان آوردیم. پروردگارا! گناهان ما را ببخش! و بدی‌های ما را بپوشان! و ما را با نیکان (و در مسیر آن‌ها) همیران! (آل‌عمران، ۱۹۳)

این دعا یکی از دعاهایی است که از زبان خردمندان در قرآن بیان شده است. در این دعا از خداوند، خواسته شده تا به خاطر پذیرش ایمان از سوی ما، گناهان و خطاهای ما را ببخشد. از این دعا می‌آموزیم: ۱- سعی کنیم با یادآوری کارهای خوبان رحمت خداوند را جلب کنیم. (به شرطی که کارهای خوبان را به رخ نکشیده و منت نگذاریم) ۲- به گناهان خودمان اعتراف کرده و از خدا بخواهیم آن‌ها را ببخشد. ۳- یکی از دعاهای خوب، درخواست عاقبت به خیری است؛ یعنی از خدا بخواهیم تا لحظه‌ی مرگ ما را در صف مؤمنان قرار داده و با ایمان از دنیا ببرد.

• فکر کن و بگو:

۱. هر کدام از آداب دعا که در این درس ذکر شد، از کجای آیه برداشت شد؟
۲. آیا می‌توانید اصول دین (توحید، نبوت، معاد) را از این دعا استخراج کنید؟
۳. با مراجعه به قرآن، بگویید دعا‌های قبل و بعد از این دعا چیست؟

دعای زیبا و مشهور دیگری که مستحب است در نماز خوانده شود، این است:

دعا برای استقامت و پایداری در دین

... رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ﴿٨﴾

... «پروردگارا! دل‌هایمان را، بعد از آن‌که ما را هدایت کردی، (از راه حق) منحرف مگردان! و از سوی خود، رحمتی بر ما ببخش، زیرا تو بخشنده‌ای! (آل‌عمران، ۸)»

در این دعا از خداوند، خواسته شده تا پس از آن‌که ما را هدایت کرد، رحمت خود را از ما دریغ نکند و به ما توفیق بدهد تا هم‌چنان در راه راست باشیم. این دعا اهمیت زیادی دارد؛ چون خیلی از انسان‌های خوب بر اثر غرور و خودبینی یا بی‌اعتنایی از راه مستقیم منحرف شده و به مرور زمان بی‌ایمان شده‌اند.

از این دعا می‌آموزیم: ۱- یکی از دعا‌های خوب، درخواست استقامت و پایداری بر ایمان است. ۲- از خداوند بخواهیم تا از گنجینه‌های خاص رحمتش به ما عطا کند. ۳- خوب است خداوند را با نامی بخوانیم که هماهنگ با خواسته‌مان باشد؛ مثلاً اگر از رحمت او درخواست داریم، از نام‌های «رحیم» و «رحمان» یا «ارحم الراحمین» استفاده کنیم یا اگر از او می‌خواهیم روزی مان را اضافه کند، بگوییم: «یا خیر الرازقین» و مانند آن. در این آیه صفت «الوهاب» به معنای بخشنده است که مناسب معنای قبل از خودش است.

• فکر کن و بگو:

۱. استقامت و پایداری در ایمان چه اهمیتی دارد؟
۲. هر کدام از آداب دعا که در این درس ذکر شد، از کجای آیه برداشت شد؟
۳. چرا یکی از آداب دعا این است که خدا را با نام‌های متناسب با خواسته‌مان بخوانیم؟

به این دعای زیبا و پرمحتوا دقت کنید:

دعا برای آمرزش گناهان

رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾

پروردگارا! ما به خویشتن ستم کردیم! و اگر ما را نبخشی و بر ما رحم نکنی، از زیانکاران خواهیم بود!»

(۲۳) (اعراف، ۲۳)

این دعا، از زبان حضرت آدم و حوا نقل شده است. آنان بعد از آن که از بهشت بیرون شدند، توبه کرده و از کار خود پشیمان شدند. سپس برای اعتراف به درگاه خداوند و طلب آمرزش این دعای زیبا را می خواندند. خداوند نیز درخواستشان را پذیرفت و آنان را بخشید.

از این دعا می آموزیم: ۱- در ابتدای دعا به گناهان خود اعتراف کنیم. امام صادق علیه السلام می فرماید: «بپرهیزید از این که خدا را دعا کنید؛ قبل از آن که او را ستایش کرده و به پیامبر صلی الله علیه و آله و خاندانش درود فرستاده و به گناهان خود اقرار کنید.» ۲- به ضعف و ناتوانی خودمان در برابر خدا اعتراف کنیم. ۳- گناه، ظلم انسان به خود است؛ نه به خدا. ۴- طلب بخشش گناهان از مهم ترین دعاهای هر مسلمانی در سراسر زندگی است. ۵- دعای دسته جمعی امکان اجابت بیشتری دارد. ۶- خوب است برای دیگران هم دعا کنیم. (این مطلب از دعاهای قبل هم برداشت می شد.)

• فکر کن و بگو:

۱. چرا گناه ظلم به خودمان است؟
۲. هر کدام از آداب دعا که در این درس ذکر شد، از کجای آیه برداشت شد؟
۳. چرا دعای دسته جمعی امکان اجابت بیشتری دارد؟

آخرین دعایی که در این جا با هم حفظ می‌کنیم تا در قنوت نماز و جاهای دیگر زمزمه کنیم، این دعاست:

دعا برای نماز و آمرزش گناهان

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ ﴿٤٠﴾ رَبَّنَا
اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ ﴿٤١﴾

پروردگارا مرا بر پا کننده‌ی نماز قرار ده و از فرزندان من نیز چنین کن! پروردگارا دعای ما را بپذیر.
(۴۰) پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه‌ی مؤمنان را، در آن روز که حساب برپا می‌شود، بیامرز! (۴۱)
(ابراهیم)

این چند دعا، از زبان حضرت ابراهیم عليه السلام نقل شده و بسیار پرمحتواست.

از این دعاها می‌آموزیم:

- ۱- یکی از بهترین درخواست‌ها، درخواست توفیق برای اقامه‌ی نماز توسط خود و نزدیکان است.
- ۲- برای نسل‌های بعد از خود هم دعا کنیم. این کار تأثیر زیادی در ایمان آنان دارد.
- ۳- یکی از درخواست‌های خوب این است که از خدا بخواهیم دعاهای ما را به درگاهش

بپذیرد. از این جمله معلوم می‌شود دعا خودش عبادت است.

۴- از بهترین دعاها، دعای آمرزش گناهان برای پدر و مادر است. ۵- در دعا کردن بخیل نباشیم. برای همه دعا کنیم. از خداوند چیزی کم نمی‌شود اگر خواسته‌ی خود را برای همه‌ی مؤمنان جهان بخواهیم.

• فکر کن و بگو:

۱. بهترین دعا برای پدر و مادرمان چیست؟
۲. هر کدام از آداب دعا که در این درس ذکر شد، از کجای آیه برداشت شد؟
۳. دعا برای دیگران چه تأثیری در اجابت دعای خودمان دارد؟

در این چند درس، می‌خواهیم فرمول محبوبیت را از نگاه قرآن و اسلام بیان کنیم. پیش از این کار، خوب است بدانیم که شهرت و محبوبیت پیش مردم در دین ما امر مثبت و پسندیده‌ای است؛ به شرطی که هدف اصلی و تنها در زندگی نباشد. به عبارت دیگر، اگر محبوبیت نزد مردم با محبوبیت نزد خدا و مؤمنان همراه شد، پسندیده است و گرنه ناپسند و مردود است. فرمول محبوبیت نزد خدا و مردم ده قانون دارد. اولین قانون آن عبارت است از:

۱- به دیگران نیکی کن!

احسان و نیکی به دیگران تأثیر زیادی در محبوبیت نزد خدا و مردم دارد و به همین دلیل، مورد سفارش فراوان دین اسلام است. پیشوایان دین ما نمونه‌های مشخص و روشنی برای نیکی به مردم بودند. آنان حتی با دشمنانشان خوب برخورد کرده و پاسخ دشمنی‌شان را با ابراز محبت و دوستی می‌دادند. قرآن کریم در این باره آیات زیادی دارد. از جمله در این آیه می‌فرماید:

احسان و نیکی به دیگران

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ

كَأَنَّهُ وَوَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿۳۴﴾

هرگز نیکی و بدی یکسان نیست؛ بدی را با نیکی دور کن، ناگاه (خواهی دید) همان کس که میان تو و او دشمنی است، گویی دوستی گرم و صمیمی [تو] است! (فصلت، ۳۴)

این آیه راهکار بسیار خوبی برای رفع کدورت و پاشیدن بذر محبت در قلب دیگران ارائه می دهد. خوب است بدانید که خدمت به خلق بالاترین عبادات از نظر پیامبر گرامی اسلام ﷺ دانسته شده است. پس تلاش کنیم تا همواره در خدمت و نیکی به دیگران سبقت گرفته و این کار را برای رضایت خداوند انجام دهیم.

• فکر کن و بگو:

۱. جاهای خالی شعر را پر کرده و بگویند این شعر از کیست؟

.....
بنی آدم اعضای یکدیگرند
.....
چو عضوی به درد آورد روزگار
.....
تو کز محنت دیگران بی غمی

۲. نقش خدمت به مردم در موفقیت انسان چیست؟

۳. این حدیث را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «قال الإمام الصادق عليه السلام: قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حَجَّةٍ»

روزی مردی شامی وارد مدینه شد و به امام حسن علیه السلام برخورد کرد. آن مرد که به شدت تحت تأثیر تبلیغات مسموم معاویه علیه حضرت علی علیه السلام قرار گرفته بود، به امام حسن علیه السلام و پدرش ناسزا گفت. امام به او سلام کرده و با گشاده‌رویی پرسید: «آیا غریب هستی؟» مرد گفت: «آری.» امام فرمود: «با من به خانه‌ام بیا تا کمی استراحت کنی و گرسنگی و تشنگی‌ات برطرف گردد.» مرد از شدت حلم و بردباری امام حسن علیه السلام، شگفت‌زده شد و و بی‌اختیار گریه کرد. سپس گفت: «شهادت می‌دهم که تو جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله هستی. به خدا قسم، قبل از آنکه شما را ملاقات کنم، تو و پدرت بدترین مردم نزد من بودید، ولی حالا که شما را شناختم، هیچ کس را به اندازه‌ی شما دوست ندارم.»

از این حکایت می‌فهمیم که اخلاق نیکو و گشاده‌رویی با مردم تأثیر بسیار زیادی در ایجاد رابطه‌ی مطلوب با آنان دارد. پس قانون دوم در فرمول محبوبیت عبارت است از:

۲- با مردم گشاده‌رو و خوش‌اخلاق باش!

خداوند در قرآن، دلیل گرایش مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله را خوشرویی و حسن خلق آن حضرت می‌داند:

خوش‌خلقی پیامبر صلی الله علیه و آله با مردم

فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ لَوْلَا كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ

به (برکت) رحمت خدا، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی! و اگر خشن و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند. (آل عمران، ۱۵۹)

پیامبر اکرم ﷺ در حدیث زیبایی می‌فرماید: «در روز قیامت چیزی برتر و بالاتر از حسن خلق در ترازوی عمل کسی نهاده نمی‌شود.»

• فکر کن و بگو:

۳. از کجای ایه می‌توان فهمید خوش خلقی نعمتی از سوی خداست که باید آن را از خداوند طلب کنیم؟

۲. این حدیث از امام حسن علیه السلام را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ»

۳. این شعر را توضیح بده:

تار و پود عالم امکان به هم پیوسته است عالمی را شاد کرد آن کس که یک دل شاد کرد

مرد شکارچی به همراه سگ شکاریش وارد مغازه شد. کوزه‌ی پر شده از عسل کوهی را در اختیار مغازه‌دار گذاشت و از او خواست تا عسل‌ها را بخرد. مقداری عسل به زمین ریخت. راسوی کوچکی که برای مغازه‌دار بود، خود را بر زمین انداخت تا آن مقدار عسل را بخورد. سگ شکاری به راسو حمله‌ور شد و او را گاز گرفت. مرد مغازه‌دار عصبانی شد و با چوب بر سر سگ شکاری کوبید. شکارچی نیز طاقت نیاورد و با مغازه‌دار گلاویز شد که چرا به سگش حمله کرده است. مرد مغازه‌دار با چوبدستی سر شکارچی را شکافت. شکارچی تفنگش را بیرون آورد و مرد مغازه‌دار را کشت. پلیس خبردار شد و شکارچی را بازداشت کرد. هنگامی که از شکارچی علت قتل مغازه‌دار را پرسیدند، گفت: «یک قطره عسل!»

ماجرای فوق چندان هم تخیلی نیست. شبیه این ماجراها را هر روز در زندگی روزمره می‌بینیم. بدون شک یکی از عوامل اصلی دوستی خدا و مردم، کنترل خشم و غضب به هنگام عصبانیت است. پس سومین قانون را به یاد داشته باشیم:

۳- خشم و عصبانیت را کنترل و از کار نسنجیده دوری کن!

قرآن کریم یکی از صفات مؤمنان را فرو بردن خشم در زمان عصبانیت می‌داند:

فرو بردن خشم و غضب

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ وَالْعَافِينَ عَنِ

النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٣٤﴾

آن‌ها که در توانگری و تنگدستی، انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از خطای مردم درمی‌گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد. (آل عمران، ۱۳۴)

• فکر کن و بگو:

۱. لقب امام هفتم ما چیست؟ چرا مردم به آن حضرت این لقب را دادند؟
۲. حکایت مشهوری از مالک اشتر - یار باوفای امام علی علیه السلام - در خصوص فرو بردن خشم نقل شده است. این حکایت را از کتب دینی یافته و برای دیگران نقل کنید.
۳. این حکایت از سعدی را معنا کنید:
«یکی از صاحب‌دلان، زورآزمایی را دید که به هم برآمده و کف بر دماغ انداخته! گفت: «این را چه حالت است؟» گفتند: «فلان دشنام دادش!» گفت: «این فرومایه هزار من سنگ بر می‌دارد و طاقت سخنی نمی‌آرد!!»

روزی یکی از خدمتکاران امام سجاد علیه السلام ظرف آبی را برای وضوی حضرت آوردند. ظرف از دست خدمتکار افتاد و بر سر امام خورد. سر امام شکست. خدمتکار بلافاصله برای امام آیه درس گذشته را تلاوت کرد و گفت: «وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ» امام فرمود: «خشم خود را فرو بردم!» خدمتکار ادامه داد: «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» امام فرمود: «تو را بخشیدم!» خدمتکار ادامه آیه را تلاوت کرد و گفت: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» این بار امام با تبسمی به او گفت: «تو را آزاد کردم!»

در درس قبل، گفتیم که یکی از عناصر کلیدی محبوبیت انسان در بین خدا و مردم و موفقیتش در زندگی، کنترل خشم هنگام عصبانیت است. در این درس، به قانون کلیدی دیگری که از همان آیه نیز برداشت می‌شود، اشاره می‌کنیم:

۴- از خطای دیگران چشم‌پوشی کرده و اشتباهاتشان را ندیده بگیر!

این یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد محبت و علاقه در قلب‌ها و از بین رفتن کینه است. خداوند در قرآن خطاب به مؤمنان می‌فرماید:

عفو و گذشت از خطای دیگران

... وَيَعْفُوا وَيَصْفَحُوا أَلَا يُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ...

پس آن‌ها باید عفو کنند و چشم‌پوشند! آیا دوست نمی‌دارید خداوند شما را ببخشد؟! (نور، ۲۲)

آری! اگر کسی دوست دارد که خداوند از خطاهایش چشم‌پوشی کرده و گناهش را ببخشد، باید خودش هم از اشتباه دیگران چشم‌پوشی کند. بسیاری از فضایل اخلاقی از همین عفو و مدارا با مردم ریشه می‌گیرند. پس چه نیکوست که خود را به این صفت خوب آراسته کنیم.

• فکر کن و بگو:

۱. کجای آیه‌ی درس گذشته به عفو و گذشت مؤمنان اشاره داشت؟
۲. این جمله به چه معناست؟ «در عفو لذتی است که در قصاص نیست.»
۳. با جابجایی کلمات، شعر را مرتب کن:

بخشد- خدای- بر- خواهی- که- تو

کن- خلق- با- خدای- نکویی

- روزی امام حسین علیه السلام از محلی عبور می کرد. عده‌ای از فقرا بر روی زمین نشسته بودند و نان خشک می خوردند، به امام نیز تعارف کردند. امام، با گشاده رویی و تواضع کنارشان نشست و از غذایشان خورد. سپس فرمود: «من دعوت شما را قبول کردم؛ شما هم دعوت مرا قبول کنید و به خانه‌ی من بیایید.» آن‌ها نیز پذیرفتند و با امام به خانه‌ی ایشان رفتند و از غذای حضرت میل کردند.

زندگی بزرگان دینی ما پر است از حکایات این چنینی در تواضع و فروتنی آنان. پنجمین قانون تأثیرگذار برای محبوب شدن پیش خدا و مردم، عبارت است از:

۵- با مردم فروتن و خاضع باش و خود را از هیچ‌کس برتر ندان!
قرآن کریم نیز یکی از صفات بندگان راستین خداوند را تواضع آنان می‌داند:

تواضع و فروتنی

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا

سَلَامًا ﴿١٣﴾

بندگان [خاص خداوند] بخشنده، کسانی هستند که با آرامش و بی‌تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان با آن‌ها سخن می‌گویند، به آنها سلام می‌گویند [و با بی‌اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند]

(فرقان، ۶۲)

در سیره و رفتار عملی پیامبر ﷺ آمده است که با یتیمان و فقرا هم نشین شده و هیچ‌گاه خود را برتر از دیگران نمی‌دید. آری! رمز محبوب شدن آنان نزد خدا و مردم همین بوده است. خداوند متکبران را دوست ندارد و مردم را نیز از آنان بیزار می‌کند.

• فکر کن و بگو:

۱. معنای این ضرب‌المثل چیست؟ «درخت هر چه پربارتر است، افتاده‌تر است.»

۲. این شعر را معنا کن:

تکبر به خاک اندر اندازدت

تواضع سر رفعت افرازدت

۳. این حدیث از رسول گرامی اسلام ﷺ را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «مَنْ تَوَاصَعَ لِلَّهِ

رَفَعَهُ اللَّهُ»

یکی از مهم‌ترین وظایف اجتماعی مؤمنان در دین اسلام، ارتباط با خویشاوندان و رفت و آمد با فامیل است. به این کار در اصطلاح دینی، «صله‌ی ارحام» گفته می‌شود. دلیل این که صله رحم را جزو عناصر محبوبیت آوردیم، این حدیث از پیامبر گرامی اسلام ﷺ هست که می‌فرماید: «صله‌ی رحم باعث طول عمر، جلب محبت و زیادی روزی می‌شود.» پس قانون ششم محبوبیت نزد خدا و مردم از این قرار است:

۶- با خویشاوندان ارتباط داشته باش و از احوالشان جویا شو!

آیات و احادیث فراوانی به اهمیت صله‌ی رحم و ارتباط با خویشاوندان اختصاص دارد. برای نمونه به این آیه دقت کنید:

میان امام صادق علیه السلام و یکی از پسرعموهایش مسئله‌ای پیش آمد که باعث اختلاف شد. پسر عموی امام با صدای بلند به آن حضرت توهین کردند. مردم اطراف آن دو جمع شدند و نظاره‌گر آنان بودند. مدتی نگذشته بود که امام صادق علیه السلام به منزل پسرعمویش رفت و او را صدا زد و بلافاصله این آیه را خواند:

ارتباط با خویشاوندان (صله‌ی رحم)

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ﴿٢١﴾

و آن‌ها که پیوندهایی (مانند پیوند با خویشاوندان) را که خدا دستور به برقراری آن داده، برقرار می‌دارند

و از پروردگارشان می‌ترسند و از بدی حساب (روز قیامت) بیم دارند. (رعد، ۲۱)

پسر عموی امام هم با شنیدن آیه متأثر شد و فهمید که امام برای قطع نشدن رابطه‌شان به این زودی به خانه‌اش آمده است. پس امام را در آغوش گرفت و معذرت‌خواهی کرد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «سریع‌ترین کار خیری که ثوابش به انسان می‌رسد، صله‌ی رحم است.»

• فکر کن و بگو:

۱. چرا اسلام به صله‌ی رحم سفارش کرده است؟
۲. معنای این حدیث چیست؟ «صِلْ مَنْ قَطَعَكَ»
۳. به جز صله‌ی رحم، چه پیوندهای دیگری است که خدا از قطع کردن آن نهی کرده است؟

سعید با خوشحالی به خانه برگشت و شروع به خواندن کتاب داستانی کرد که از دوستش رضا به امانت گرفته بود. مادرش با تعجب پرسید: «کتاب را از کجا آوردی؟!»، گفت: «از دوستم گرفتم». مادرش با لحن جدی گفت: «پس مراقب باش که سالم به او تحویل برگردانی!» سعید توصیه‌ی مادرش را جدی نگرفت و پس از این که داستان را تمام کرد، کتاب را همان جا گذاشت. صبح روز بعد هر چه دنبال کتاب گشت، پیدا نکرد. با خجالت به مدرسه رفت و به دوستش گفت: «نمی‌دانم کتاب چه شد؟ کتاب را گم کردم!» رضا خیلی ناراحت شد و با سعید قهر کرد. بعد از ظهر که سعید به خانه برگشت دید ورق‌های پاره‌پاره‌ی کتاب دوستش در میان اسباب‌بازی‌های خواهر کوچکش افتاده است. فهمید که مادرش چه سفارش مهمی به او کرده بود.

هفتمین عامل محبوبیت نزد خدا مردم این است:

۷- در امانت‌های مردم خیانت نکن!

خداوند در قرآن می‌فرماید:

امانت‌داری

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا ... ﴿۵۸﴾

خداوند به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به صاحبانش بدهید!... (نساء، ۵۸)

اگر بخواهیم درباره‌ی اهمیت امانت‌داری در اسلام سخن بگوییم، باید چندین کتاب طولانی نوشته شود. در این جا تنها به دو حدیث اشاره می‌کنیم. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «اگر می‌خواهید مسلمانان را بشناسید به امانت‌داری او نگاه کنید.» امام سجاد علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، اگر قاتل پدرم همان شمشیری که با آن امام حسین علیه السلام را کشت، به من امانت بدهد، در آن خیانت نمی‌کنم.»

• فکر کن و بگو:

۱. لقب پیامبر اسلام ﷺ پیش از بعثت چه بود؟ چرا مردم ایشان را به این لقب می‌خواندند؟
۲. این حدیث از امام علی علیه السلام را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «الْأَمَانَةُ تَجْرُّ الرِّزْقَ»
۳. از داستان این درس چه نکات آموزنده‌ی دیگری می‌توان برداشت کرد؟

می دانید که پیامبر محبوب و دوست داشتنی ما در کودکی چوپانی می کرد. یکی از هم بازی های پیامبر ﷺ در آن زمان می گوید: «من و محمد هر کدام، گوسفندان خودمان را به چرا می بردیم. روزی به او گفتم: «ای محمد! بیا به وسط دره برویم؛ چون من در آن جا چراگاه پر آب و علفی دیده ام.» محمد گفت: «باشد. فردا با هم به چراگاه برویم.» روز بعد که به دره رسیدم، دیدم او زودتر از من به چراگاه رسیده، ولی اجازه ی چرا به گوسفندانش نمی دهد. پرسیدم: «چرا چنین کردی؟» گفت: «چون به تو قول داده بودم، با هم به چراگاه برویم. دوست نداشتم زیر قولم زده و زودتر گوسفندانم را بچرانم.»

این اخلاق نیکوی پیامبر ﷺ بود که سبب شده بود تا هم خدا او را دوست داشته باشد و هم مردم. آری! هشتمین قانون فرمول محبوبیت نزد خدا و مردم این است:

۸- به عهد و پیمان خود پایبند باش!

همه ی ما انسان های خوش قول را دوست داریم. خدا در کتاب خود به ما گوشزد می کند که از وفای به عهد بازخواست خواهد کرد:

خوش قولی و وفای به عهد

... وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَتْ مَسْئُولًا ﴿۲۴﴾

... و به عهد (خود) وفا کنید، که از [وفای به] عهد سؤال می شود! (اسراء، ۲۴)

دقت کنید که ما پیمان‌های زیادی در زندگی خود داریم؛ مثل عهد با خدا در گناه نکردن؛ عهد و پیمان با پیامبر ﷺ و امامان در پیروی از آنان؛ عهدهایی که با پدر و مادر و معلم و دوستانمان می‌بندیم و حتی عهدهای اجتماعی مثل حمایت از کشور و دین و رهبر؛ پس باید به همه‌ی آن عمل کنیم تا مورد خشم خدا نباشیم.

• فکر کن و بگو:

۱. چه پیمان‌های مهمی می‌شناسید که وفای به آن برای هر انسانی ضروری است؟
۲. این حدیث از پیامبر اکرم ﷺ را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ»
۳. کدام پیامبر خدا در قرآن با صفت وفای به عهد نامیده شده است؟

نازنین دختر سر به زیر و ساکتی بود که تازه به کلاس آمده بود. برای همین هم دوست زیادی نداشت. برخی بزرگ‌ترهای کلاس، او را مسخره می‌کردند و برایش شکلک در می‌آوردند. این کار سمانه را ناراحت می‌کرد. او دختر مهربان و دوست‌داشتنی بود. برای همین هم، نازنین فقط با او صحبت می‌کرد و کنار او می‌نشست. یک روز بچه‌های کلاس تصمیم گرفتند تا وقتی نازنین وارد کلاس می‌شود، یواشکی به او پشت پا بزنند تا به زمین بیفتد و به او بخندند. سمانه نقشه‌ی آن‌ها را فهمید و می‌خواست به دوستش بگوید، ولی بچه‌ها تهدیدش کردند که اگر به نازنین بگوید، همه با او قهر می‌کنند. سمانه هم ترسید و خودش را به ندانستن زد. نازنین وارد کلاس شد و با پشت پای دختر اول به زمین خورد. گرد و غبار لباسش را تکان داد و به راه رفتن ادامه داد، ولی دختر دومی هم به او پشت پا زد و دوباره زمین خورد. صدای فقهه بچه‌ها بلند شده بود. سمانه با خودش فکر می‌کرد که چرا اجازه داده است تا هم‌کلاسی‌ها، دوستش را مسخره کنند؟! آیا به نظر شما، سمانه کار درستی کرده است؟! اگر شما جای او بودید، چه می‌کردید؟

یکی از چیزهایی که باعث می‌شود پیش مؤمنان و خدا دوست‌داشتنی شویم، همکاری با مؤمنان در کارهای خوب و عدم همکاری با انسان‌های بد است. این نهمین قانون برای فرمول محبوبیت در قرآن است:

۹- در کارهای خوب، مؤمنان را همراهی کن و با افراد بد همکاری نکن!

این مطلب در قرآن هم آمده است:

همکاری در کارهای خوب

... وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ... ﴿۲﴾

... و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری

نمایید! ... (مائده، ۲)

• فکر کن و بگو:

۱. آیا سکوت در برابر گناه یک فرد، همکاری با او به شمار می‌رود؟
۲. این حدیث از امام علی علیه السلام را ترجمه و مفهوم آن را بیان کن: «يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ»
۳. تعاون و همکاری چه تأثیری در پیشرفت کشور ما دارد؟

اگر می‌خواهید چیزی در اختیار داشته باشید که با آن خدا را راضی کرده و دل‌های مردم را بخريد، به آخرین قانون لازم در فرمول محبوبیت توجه کنید:

۱۰- در رفتار، کردار و گفتار ادب را رعایت کن!

درست سخن گفتن، درست راه رفتن، درست غذا خوردن، درست نشست و برخاست کردن، درست رفتار کردن با دیگران و ... شاخه‌های مختلف ادب است که نقش بسیاری در رابطه‌ی خوب ما با مردم دارد. بی‌ادبی، بی‌اعتنایی به حقوق و شخصیت انسان‌هاست. برای همین تأثیر بسیار بدی در موفقیت و محبوبیت ما دارد. قرآن کریم نیز به آداب مختلفی اشاره کرده و مؤمنان را به رعایت آن دعوت کرده است. یکی از زیباترین این آیات، این است:

مهم‌ترین آداب نیکو

حُذِّ الْعَفْوَ وَأْمُرٌ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿۱۳۳﴾

با آن‌ها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکی‌ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان! (اعراف، ۱۳۳)

در این آیه خلاصه‌ی مهم‌ترین آداب نیکو، به زیبایی بیان شده است. امام صادق علیه السلام این آیه را جامع‌ترین آیه‌ی اخلاقی دانسته‌اند. برای این که اهمیت ادب را در زندگی بفهمیم، به این چند حدیث از امام علی علیه السلام دقت کنید: «هیچ زینتی برای انسان بهتر از ادب نیست.»

«هیچ ارثی برای پدر و مادر نیکوتر از ادب فرزندشان نمی باشد.» «با بی ادبی هیچ شرفی وجود ندارد.» «هر چیزی به عقل و درک نیاز دارد و عقل به ادب نیاز دارد.»
ما در درس های آینده به برخی آداب مهم زندگی اشاره می کنیم، ولی اگر بخواهیم شاخه های مختلف ادب را در یک جمله خلاصه کنیم، باید به قاعده ی طلایی در کلام امام علی علیه السلام اشاره کنیم که فرمود: «با دیگران آن گونه رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند.»

• فکر کن و بگو:

۱. این حکایت از سعدی را توضیح دهید: «لقمان را گفتند: ادب از که آموختی؟ گفت: از بی ادبان، که هر چه از ایشان در نظرم ناپسند آمد، از فعل آن پرهیز کردم.»
۲. این شعر را کامل کن:

از جوئیم توفیق ادب محروم ماند از لطف حق

۳. این حدیث از امام علی علیه السلام را ترجمه و مفهوم آن را بیان کن: «لا میراث کالادب»

در درس گذشته گفتیم که ادب شاخه‌های مختلفی دارد. در این چند درس به برخی از این شاخه‌ها اشاره می‌کنیم. در ابتدا قصد داریم برخی آداب دوستی در قرآن را بررسی کنیم:

انسانی که دوستان زیادی دارد، مانند درختی است که ریشه‌ی قوی‌تر و شاخ و برگ بیشتر دارد. برای همین، اصل دوستی یک امتیاز برای فرد به شمار می‌رود. دوست تأثیر بسیار زیادی بر شخصیت انسان دارد. بنابراین، اولین سؤال درباره‌ی دوستی این است که چه دوستی انتخاب کنیم تا به سود ما باشد؟

برای پاسخ این سؤال، احادیث زیادی از امامان نقل شده است. قرآن در یک کلام شرط دوستی را ایمان و تقوا دانسته و دوستی مؤمنان با یکدیگر را پایدارترین دوستی می‌داند که حتی در روز قیامت پابرجا خواهد بود:

دوستی با انسان‌های خوب

الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿۲۷﴾

همه‌ی دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند؛ مگر پرهیزگاران! (زخرف، ۶۷)

دوست خوب از برادر هم بهتر است. حالا به چند ویژگی دوست خوب در احادیث اشاره می‌کنیم:

- ۱- نمازخوان باشد. ۲- در سختی‌ها تو را فراموش نکند. ۳- امانت‌دار باشد.
- ۴- راست‌گو باشد. ۵- عیب‌هایت را بدون رودربایستی به تو بگوید.
- ۶- با دشمن تو دوست نباشد. ۷- در هنگام عصبانیت، از جاده‌ی حق بیرون نرود. همه‌ی این ویژگی‌ها را می‌توان در یک جمله‌ی کلیدی از حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام خلاصه کرد: «با کسی دوستی که شما را به یاد خدا می‌اندازد.»

• فکر کن و بگو:

۱. با کمک مطالبی که یاد گرفتی، بگو دوست خوب را در کجا بهتر می‌توان پیدا کرد؟ مسجد، مدرسه، پارک، مسافرت،
۲. این حدیث به کدام ویژگی دوست خوب اشاره می‌کند: «الْمُؤْمِنُ مِرَاةُ الْمُؤْمِنِ»
۳. شعر زیر از سعدی را کامل کنید:
گلی خوشبوی درحمام روزی

دو نفر از مشرکان به نام‌های «عَقَبَه» و «أُبَيَّ» با هم دوست صمیمی بودند. عقبه پس از مدتی به پیامبر اسلام ﷺ ایمان آورد و شهادتین را گفت. دوستش که ماجرای اسلام عقبه را شنید، با ناراحتی نزد او آمده و گفت: «آیا تو اسلام آوردی؟ مگر من دوست صمیمی تو نبودم. چرا با من مشورت نکردی؟» عقبه با خوشرویی به دوستش گفت: «اگر می‌دانستم این قدر ناراحت می‌شوی، حتماً با تو مشورت می‌کردم. حالا هم هر کاری تو بخواهی، انجام می‌دهم.» ابی به عقبه گفت: «من دیگر با تو دوست نیستم؛ مگر این که در مقابل محمد بایستی و به او فحش بدهی!» عقبه - که به دوستی با ابی بسیار علاقمند بود - فریب او را خورد و از اسلام برگشت. وی مدتی بعد در جنگ بدر به همراه مشرکان کشته شد.

به این آیات تأثیرگذار و تکان‌دهنده دقت کنید:

پرهیز از دوستی با انسان‌های ناباب

وَيَوْمَ يَعْصُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلاً ﴿٢٧﴾ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

لِيَتَّبِعُوا آيَاتِي لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿٢٨﴾ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي وَكَانَ

الشَّيْطٰنُ لِلْإِنسٰنِ خَدُوْلًا ﴿٢٩﴾

و به خاطر بیاور روزی را که ظالم دست خویش را از شدت حسرت به دندان می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با رسول خدا ﷺ راهی برگزیده بودم. (۲۷) ای وای بر من! کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! (۲۸) او مرا از یاد حق گمراه ساخت، بعد از آن که آگاهی به سراغ من آمده بود و شیطان همواره انسان را [در وادی هلاکت] تنها می‌گذارد. (۲۹) (فرقان)

آری! کم نیستند پسران و دختران خوب و مؤمنی که به خاطر دقت نکردن در انتخاب دوست، ناخودآگاه به راه‌های باطل کشیده شده‌اند. پس به خاطر داشته باشیم که دوست بد از مار هم گزنده‌تر است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس با شخص بد دوست شود، سالم نمی‌ماند.»

• فکر کن و بگو:

۱. با کمک معلم و دوستانتان ویژگی دوستان بد را بیان کنید.

۲. شعر زیر را معنا کن:

تأ توانی می‌گریز از یار بد	یار بد، بدتر بود از مار بد
مار بد، تنها تو را بر جان زند	یار بد بر جان و بر ایمان زند
۳. شعر زیر از سعدی را کامل کنید:	
پسر نوح با بدان بششست ...	

مسعود و رضا دوست‌های صمیمی همدیگر بودند، ولی از دیروز که مسعود بدقولی کرده بود و با رضا به استخر نیامده بود، با هم قهر کرده و دیگر با هم حرف نمی‌زدند. بچه‌های کلاس هم هر چقدر تلاش کردند آن‌ها را با هم آشتی دهند، فایده‌ای نداشت. نوبت به کلاس قرآن رسید. معلم این آیه را خواند:

آشتی بین مؤمنان

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿۱۰﴾

مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوا داشته باشید تا مورد رحمت خدا قرار بگیرید. (حجرات، ۱۰)

رضا با خودش فکر کرد که چه خوب است به این آیه عمل کند. بعد از کلاس، پیش مسعود رفت و خواست تا با هم آشتی کنند. مسعود - که در دلش دوست داشت با رضا آشتی کند - صورتش را برگرداند و با بی‌اعتنایی گفت: «چه شده؟ می‌خواهی منت کشی کنی؟! نتوانستی چند روز طاقت بیاوری؟!» رضا از این حرف مسعود ناراحت شد و گفت: «من خواستم به آیه‌ای که معلم خواند عمل کنم، ولی حالا که دیدم تو پر رو شده‌ای، دیگر نمی‌خواهم با تو آشتی کنم!» چند روز گذشت. یک روز حاج آقا اسماعیلی - امام جماعت مسجد محله - متوجه شد که مسعود و رضا دیگر در مسجد کنار هم نمی‌نشینند و با هم قهر هستند. بعد از نماز

هر دو را صدا کرد و گفت: «چرا با هم قهر کرده اید؟ مگر نمیدانید یکی از آداب دوستی این است که با هم قهر نکنید!» رضا قضیه‌ی آشتی چند روز پیش را تعریف کرد و گفت: «حاج آقا! آگه من دوباره پیش قدم بشم، مسعود خیلی پررو می‌شود و من جلوش کوچک می‌شوم.» حاج آقا اسماعیلی لبخندی زد و گفت: «این قضیه برای یکی از یاران امام صادق علیه السلام هم پیش آمد. امام صادق علیه السلام به او فرمود: «هیچ کس با آشتی کردن ذلیل و خوار نمی‌شود.» خوب است بدانید که پیامبر ما صلی الله علیه و آله فرموده است: «هر گاه دو نفر با هم قهر کنند، آن که برای آشتی کردن پیش قدم شود، زودتر به بهشت می‌رود.» رضا و مسعود از این حدیث تعجب کردند و یک دفعه با هم گفتند: «من دوست دارم اول به بهشت بروم!» حاج آقا اسماعیلی تبسم کرد و از آن‌ها خواست تا بیشتر قدر هم را بدانند.

• فکر کن و بگو:

۱. آشتی دادن بین دو نفر چه ثوابی دارد؟
۲. از این داستان چه درس‌های دیگری می‌گیرید؟
۳. آیا کشورهای مسلمانان هم با هم برادر هستند؟ آن‌ها چه وظایفی در قبال هم دارند؟

در این چند درس، به چند مورد از آداب سخن گفتن اشاره می‌کنیم.

روزی فردی به لقمان حکیم گفت: «گوسفندی را بکش و بهترین عضو را برای من بیاور!» لقمان، گوسفند را قربانی نمود و زبان آن را برایش آورد. سپس آن فرد از لقمان خواست تا این بار بدترین عضو حیوان را بیاورد. این بار هم لقمان، زبان گوسفند را با خود آورد. شخص با تعجب پرسید: «چگونه امکان دارد که بهترین و بدترین عضو حیوان یکی باشد؟» لقمان پاسخ داد: «زبان هر کس بهترین عضو اوست؛ چون اگر از آن خوب استفاده شود، با آن می‌توان بسیاری از کارهای خوب را انجام داد و بدترین عضو او نیز هست؛ چون اگر در راه نادرست استفاده شود، بسیاری از گناهان هم با آن انجام می‌شود.»

اولین ادب در سخن گفتن این است که از گناهان زبان دوری کنیم. این گناهان - که بعداً مفصل به آن پرداخته خواهد شد - عبارتند از: دروغ، غیبت، تهمت، دشنام دادن و ... حالا به این آیه‌ی زیبا توجه کنید:

توجه و دقت در سخن گفتن

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾

انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد؛ مگر این‌که فرشته‌ای مراقب و آماده برای ثبت و ضبط آن

است. (ق، ۱۸)

خداوند در این آیه به ما انسان‌ها گوشزد می‌کند که تمام گفتارهای ما را فرشتگان ثبت کرده و در نامه‌ی اعمال ما می‌نویسند. پس باید در سخنان خود دقت کرده و از گناهان زبان دوری کنیم. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «زبان عاقل در پشت قلب اوست و قلب نادان در پشت زبان اوست»؛ یعنی انسان عاقل، اول فکر می‌کند و اگر سخنش را درست و عاقلانه دید، به زبان می‌آورد، ولی شخص نادان، اول پرحرفی می‌کند و بعد با عقلش فکر می‌کند و پشیمان می‌شود.

• فکر کن و بگو:

۱. کارهای خوب و بد زبان را نام ببر!
۲. این ضرب‌المثل را کامل کن: تا مرد سخن نگفته باشد
۳. به نظر شما، سکوت بهتر است یا حرف زدن؟

در درس گذشته به اولین ادب از آداب سخن گفتن اشاره شد. در این درس، به ادب دوم در این مورد می پردازیم و آن، حق گویی است؛ یعنی در مسائل و پیشامدهای مختلف زندگی همیشه حق بگوییم و از جاده‌ی انصاف و حقیقت خارج نشویم. خداوند در قرآن می فرماید:

حق گویی و گفتار سنجیده

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اتَّقُوْا اللّٰهَ وَقُولُوْا قَوْلًا سَدِيْقًا ﴿٧٠﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای الهی پیشه کنید، و سخن حق و سنجیده بگوئید! (احزاب، ۷۰)

در حدیثی آمده است که هر وقت پیامبر ﷺ بالای منبر می رفت، این آیه را تلاوت می کرد. ما در بسیاری از اوقات، از این که سخن راست و حقیقت را بگوییم، خودداری می کنیم؛ مخصوصاً اگر به ضررمان باشد. به همین خاطر در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «با تقواترین مردم کسی است که همیشه حق را بگوید؛ حتی اگر به ضررش باشد.»

دقت کنید که حق گفتن فقط به معنای راست گفتن نیست؛ بلکه به معنای قضاوت درست و منصفانه درباره‌ی دیگران، گواهی دادن بر حوادثی که آن را می بینیم، انتقاد و نصیحت دیگران و مانند آن نیز هست. نمونه‌های زیادی از حق گویی مردان خدا در طول تاریخ وجود دارد. یکی از بارزترین این نمونه‌ها، حضرت ابراهیم علیه السلام بود که هیچ‌گاه از گفتن حق خودداری

نکرد و ترس به دل راه نداد. او در حالی که هنوز جوان بود، با تمام مردم شهر به بحث و گفتگو پرداخت و خدای یکتا را به همگان معرفی کرد.

• فکر کن و بگو:

۱. ویژگی‌های سخن درست و سنجیده را با کمک مربی و دوستانتان بررسی کنید.
۲. این حدیث از امام علی علیه السلام را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «قُولُوا الْحَقَّ وَ لَوْ عَلَي أَنْفُسِكُمْ»

۳. با جابجایی کلمات، شعر را مرتب کن:

نیایی - سخن - ز - مجال - تا - پیش

گفتن - قدر - خویش - به - بیهوده - مبر

یکی از دستورات اخلاقی اسلام به مسلمانان این است که در هنگام سخن گفتن، ادب و نزاکت در گفتار را حتی با دشمنان رعایت کنند.
به این آیه توجه کنید:

ادب و نزاکت در سخن گفتن

وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ

لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا ﴿۵۲﴾

و به بندگان من بگو که با یکدیگر به بهترین شکل سخن بگویند، چرا که [شیطان به وسیله‌ی سخنان نامناسب]، میان آن‌ها فتنه و فساد می‌کند؛ همیشه شیطان دشمن آشکاری برای انسان بوده است!

(اسراء: ۵۲)

از این آیه به خوبی فهمیده می‌شود که یکی از بیشترین راه‌های نفوذ شیطان از راه زبان است و انسان‌ها باید مراقب باشند تا با گفتار خود دیگران را رنجیده نکنند. به همین دلیل، احادیث زیادی از پیشوایان دینی ما را به خوش‌گفتاری با دیگران دعوت کرده است. خوش‌گفتاری یعنی هم محتوای کلام ما خوب باشد؛ هم برای رساندن آن محتوا، از جملات خوب استفاده کنیم؛ هم به جا و به موقع سخن بگوییم و هم خلاصه و مفید حرف بزنیم.

اهمیت خوش‌گفتاری به قدری است که یکی از بهترین راه‌های شناخت افراد توجه به حرف زدن یا همان گفتار آن‌هاست. در سخنان هر کس، به خوبی می‌توان شخصیت او را مشاهده کرد. از همین رو، امام علی علیه السلام در کلامی بسیار پرمعنا و زیبا می‌فرماید:

«شخصیت هر کس در زیر زبانش پنهان است.»

• فکر کن و بگو:

۱. چند مورد از گناهان زبان را نام ببرید.
۲. این ضرب‌المثل به کدام یک از آداب گفتار اشاره دارد: «هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد.»
۳. آیه‌ی زیر را به دو صورت زیر می‌شود ترجمه کرد: تفاوت و مفهوم این دو صورت را بیان کنید:

«وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره، ۸۳)

الف- با مردم، سخن خوب بگویید. ب- با مردم، خوب سخن بگویید.

یکی از بدترین اخلاق‌ها، داد زدن و فریاد کشیدن بر سر دیگران است. متأسفانه برخی از انسان‌ها به این اخلاق عادت کرده و ناپسندی آن را هم نمی‌دانند. معمولاً کسانی این کار را می‌کنند که مغرور هستند و خودشان را بالاتر از دیگران می‌دانند یا در مقابل حرف منطقی دیگران ناتوان شده‌اند. به هر حال، قرآن کریم این اخلاق ناپسند را به شدت محکوم کرده و آن را به صدای الاغ تشبیه کرده است:

پرهیز از صدای بلند

وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ﴿١٩﴾

(پسرم!) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن و از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین

صداها صدای خران است. (لقمان، ۱۹)

این آیه از نصیحت‌های حکیمانه‌ی لقمان به فرزندش است. او به فرزندش می‌گوید تا از صدای بلند پرهیز کند؛ زیرا اگر صدای بلند نشانه‌ی برتری کسی بود، صدای حیواناتی مانند الاغ از انسان هم بیشتر هست!!

بنابراین باید به شدت تلاش کنیم تا اگر این عادت در ما وجود دارد، آن را از بین ببریم؛ زیرا سخن گفتن با صدای بلند نشانه بی‌ادبی است.

در پایان خوب است به چند مورد دیگر از آداب سخن گفتن اشاره کنیم: ۱- پرحرفی نکنیم.

- ۲- حرف بیهوده و لغو نزنیم. ۳- درگوشی حرف نزنیم. ۴- سخن کسی را قطع نکنیم.
۵- به حرف‌های دیگران خوب گوش بدهیم.

• فکر کن و بگو:

۱. بخش اول آیه به چه نکته‌ی اخلاقی می‌پردازد؟
۲. چه موارد دیگری از آداب سخن‌گفتن سراغ دارید؟
۳. این آیه را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (حجرات، ۴)

وقتی پدر حمیدرضا از سرکار برگشت، خواهر بزرگ و مادرش به او سلام کردند و «خسته نباشید» گفتند، ولی حمیدرضا مشغول تماشای تلویزیون بود و با اینکه متوجه برگشتن پدرش شده بود، به روی خودش نیاورد. پدر لباس‌هایش را درآورد و به سمت حمیدرضا رفت. او را در آغوش گرفت و با مهربانی گفت: «پسر گلم، چرا سلامش رو خورد؟ لابد سلام کرده و من نشنیدم. آره؟» حمیدرضا خودش را برای پدر لوس کرد و گفت: «خودتون چرا اول سلام نمی‌کنین؟» پدر به خودش آمد و آرام در گوش حمیدرضا گفت: «راست میگی! حق با توه! سلام که کوچک و بزرگ نمی‌شناسه. پیامبر ما همیشه اول سلام می‌کرد؛ حتی به کودکان. پس من الآن به تو سلام می‌کنم!» حمیدرضا این بار قیافه‌ی حق به جانب گرفت و گفت: «علیکم السلام! من اصلاً نمی‌فهمم! چرا باید به همدیگه سلام کنیم؟ خب همدیگر رو دیدیم بسه دیگه!» پدر حمیدرضا از این سؤال پسرش خوشش آمد. بعد بلند گفت: «مادر حمیدرضا! پسر تو می‌پرسه چرا باید به هم سلام کنیم؟ به نظر شما چه جوابی بهش بدیم؟» مادر به نگاه مهربانانه‌ای به حمیدرضا انداخت و گفت: «معلومه دیگه. بهش می‌گیم که سلام دادن اخلاق آدمای خوب و بادب مثل پیامبران و امامان هست. خدا در قرآن به پیامبر ﷺ می‌گه:

سلام کردن

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ... ﴿٥٤﴾

هر گاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، به آن‌ها بگو: «سلام بر شما»... (انعام، ۵۴)

مادر ادامه داد: «پسر گلم! سلام به جور نشون دادن دوستی و محبتمون به طرف مقابله. وقتی به دیگران سلام می‌کنیم، انگار یه هدیه کوچیک به اونها می‌دیم که چقدر دوستشون داریم و از دیدنشون خوشحال شدیم. هر سلامی ۷۰ تا ثواب داره که ۶۹ تاش مال اونیه که اول سلام میکنه و یکیش مال اونیه که جواب میده.» پدر، حمیدرضا را بالا انداخت و با خوشحالی گفت: «پس، آفرین به خودم که ۶۹ به ۱ جلو افتادم و پیروز شدم!»

• فکر کن و بگو:

۱. این آیه را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید و موضوع آن را بگویید. «وَ إِذَا حُيِّنْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا» (نساء، ۸۶)
۲. از این داستان چه نکته‌های دیگری می‌فهمید؟
۳. آیا اگر کسی در نماز به ما سلام کند، جوابش واجب است؟

در این چند درس می‌خواهیم به آداب غذا خوردن اشاره کنیم:

خیلی از انسان‌ها هنگامی که غذای رنگین و لذیذی در مقابل خود می‌بینند، بی‌اختیار شده و همه چیز را فراموش می‌کنند، ولی دین ما به ما می‌گوید که وقتی غذا یا میوه‌ای در مقابل ما می‌گذارند، اولین کاری می‌کنیم باید این باشد که به آن غذا و میوه نگاه کرده و با خود بگوییم که چه کسی این غذای لذیذ و گوارا را در اختیار ما قرار داده است؟ این مهم‌ترین و اصلی‌ترین ادب اسلامی در غذا خوردن است. خداوند در قرآن بارها ما را به یادآوری نعمت‌هایش دعوت کرده است. در یکی از این آیات می‌فرماید:

توجه به نعمت‌ها هنگام غذا خوردن

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ ۚ ﴿٢٤﴾

انسان باید به غذای خویش [و آفرینش آن] بنگرد! (عبس، ۲۴)

منظور از نگاه کردن در این آیه، تماشای ظاهری غذا نیست؛ بلکه منظور این است که با خود فکر کنیم که چه کسی که این نعمت را به ما داده و سپس از او تشکر کنیم.

به راستی چه کسی این میوه‌های رنگارنگ و متنوع را در اختیار ما قرار داده است؟ گیاهانی که از زمین می‌روید؛ آب گوارا و لذیذی که در چشمه‌سارها و باران وجود دارد؛ ترکیبات متنوع و خوش طعم غذایی که در طبیعت موجود است، همه و همه پیام مهمی به انسان

دارد و آن این که این غذای لذیذ و خوش طعم برای آن است که در عبادت و اطاعت خداوند کوشا باشیم. به همین خاطر است که در دین ما سفارش شده تا ابتدای غذا را با نام خدا آغاز کنیم و پایان آن را با شکر او تمام کنیم.

• فکر کن و بگو:

۱. موضوع این بیت را بگو:

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

۲. چرا باید در ابتدای غذا خوردن نام خدا را بر زبان بیاوریم؟

۳. ادامه آیه‌ی درس را در قرآن بیابید و مفهوم آن را بیان کنید.

روزی یک دکتر مسیحی از یکی از دانشمندان بزرگ اسلامی پرسید: «آیا در کتاب دینی شما مسلمانان مطلبی درباره‌ی علم پزشکی وجود دارد؟» آن فرد دانشمند پاسخ داد: «آری! در قرآن آمده است:

پرهیز از پرخوری

... وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿۳۱﴾

... بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید؛ زیرا خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد (اعراف، ۳۱)

آن پزشک وقتی این آیه را شنید، بسیار شگفت زده شد و گفت: «به خدا سوگند! با عمل به این آیه، به هیچ کتاب دیگری در علم پزشکی نیاز نیست.»

از این حکایت به خوبی می‌فهمیم که اسراف و زیاده‌روی در خوردن، عامل اصلی بسیاری از بیماری‌هاست. به همین خاطر است که پیامبر گرامی ما ﷺ فرموده است: «پرخوری سبب هر بیماری است.» خود آن حضرت همواره به این موضوع توجه می‌کرد و پیش از آن‌که کاملاً از غذا سیر شود، دست از خوردن بر می‌داشت.

امروزه پزشکان به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از مهم‌ترین راه‌های سلامتی ما، کم خوری است؛ زیرا بدن انسان به گونه‌ای آفریده شده که تنها به مقدار مشخصی از مواد غذایی برای رشد و سلامت نیاز دارد و مواد اضافی بیشتر را دفع می‌کند. گاهی دفع همین مواد،

باعث از کار افتادگی بیشتر کلیه و روده شده و سیستم ایمنی بدن را ضعیف می‌کند. پس از این به بعد سعی کنیم که غذا را به اندازه بخوریم تا هم جسم ما سالم باشد و هم روح ما نشاط بیشتری داشته باشد.

• فکر کن و بگو:

۱. به نظر شما چرا خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد؟

۲. با کمک مربی خود این حدیث از پیامبر اکرم ﷺ را ترجمه کرده و شرح دهید: «صُومُوا تَصِحُّوا»

۳. مفهوم این شعر چیست؟

نه چندان که از تن و جانم برآید.

نه چندان بخور که دهانت برآید

همه‌ی ما می‌دانیم که نباید غذاهای آلوده و غیربهداشتی بخوریم؛ چون ممکن است مریض شویم. خوب است بدانید که در دین عزیز ما برخی از چیزها هستند که خوردنشان حرام و ممنوع است؛ یعنی حتی اگر ظاهراً هم تمیز و بهداشتی باشد، نباید آن را خورد. خداوند عالم و دانا بهتر از هر کسی می‌داند که چه غذایی برای ما ضرر دارد و به همین دلیل، گوشت برخی حیوانات را حرام کرده و از مؤمنان خواسته تا غذای پاکیزه و حلال بخورند:

توجه به غذای پاکیزه و حلال

يَأْتِيهَا النَّاسُ كُلُّوْا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلٰلًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوْا خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ إِنَّهُ

لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ﴿۱۳۸﴾

ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید! چه این‌که او دشمن آشکار شماست! (بقره، ۱۶۸)

اگر به این آیه دقت کنید، می‌فهمید که خداوند دو شرط را برای خوردن غذا قرار داده است:

۱- حلال بودن

۲- پاکیزه بودن. خوب است بدانید که جز چند غذا مثل گوشت خوک، مردار، گوشت

حیوانات وحشی و گزنده، شراب و چند غذای دیگر، باقی غذاها از نظر اسلام حلال است و خوردن آن اشکال ندارد. بسیاری از غذاهایی که در اسلام حرام شده است، از نظر پزشکی نیز ضررش ثابت شده است. البته غذایی که برای انسان نباشد و از راه حرام مثل دزدی به دست آمده باشد هم حرام است. منظور از خوردنی‌های پاکیزه هم غذاهایی است که انسان از خوردن آن بدش نیاید و برای بدن ما مفید باشد.

• فکر کن و بگو:

۱. خوردن غذای دیگران بدون اجازه‌ی آن‌ها چه حکمی دارد؟
۲. چند غذای حرام در اسلام نام ببرید و بگویید که چرا برخی غذاها در اسلام حرام شده است؟
۳. ادامه‌ی آیه چه مطلبی را می‌رساند؟

شقایق دختر خوب و مهربانی بود، ولی قبول نداشت که باید یک انسان همیشه پاکیزه باشد. برای همین هم اتاقش اغلب نامرتب و به هم ریخته بود. ناخن هایش گاهی وقت ها خیلی بلند می شد، موهای نامرتبی داشت؛ مسواک نمی زد و حتی در حمام رفتن هم تنبلی می کرد. پدر و مادر شقایق از دست این کارهای دخترشان خسته شده بودند. روزی معلم پرورشی در کلاس به شقایق گفت: «دخترم! چرا این قدر نسبت به نگهداری وسایل شخصی ات بی توجهی می کنی؟ دفتر و کتابت را درست نگه نمیداری و لباس هایت هم اتوکشیده نیست. مگر نمی دانی که خدا پاکیزگان را دوست دارد؟!»

اهمیت پاکیزگی و نظافت

... إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ ﴿۲۲۲﴾

... خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد. (بقره، ۲۲۲)

شقایق خیلی خجالت کشید، ولی در دلش هنوز نسبت به اهمیت نظافت و پاکیزگی بی میل و توجه بود. روزی یکی از همسایه ها به خانه شان آمد و اتاق به هم ریخته ی شقایق را دید. با تعجب به مادر شقایق گفت: «شقایق همیشه اتاقش رو این طوری کثیف نگه می داره؟» مادر شقایق با لحن ناراحت و افسرده ای گفت: «آره! همین دیروز اتاقش رو تمیز کردم. دیگه از دستش کلافه شدم. اصلاً مثل این که تمیزی بهش نیومده!» زن همسایه به فکر فرو رفت و به مادر شقایق گفت: «شقایق دختر بزرگ و عاقلی شده! به نظر من، آگه می خواهید

اهمیت پاکی و نظافت رو نشونش بدید، باید بگذارید چند روز خودش لذت تمیزی و نظم رو تجربه کنه؛ بعد دیگه حاضر نیست اون رو با چیزی عوض کنه.» از فردا مادر شقایق با دخترش قرار گذاشت که اگر شقایق یک ماه به پاکیزگی و نظم خودش اهمیت داد، برایش یک مانتوی تازه بخرد. شقایق هم قبول کرد و در طول آن مدت، به تمیزی و پاکی خودش و وسایلش اهمیت داد. بعد از پایان یک ماه، مادر شقایق از دخترش پرسید: «دخترم! تمیزی و مرتب بودن چه حسی داره؟» شقایق با خوشحالی زیاد به مادرش گفت: «باور نکردنیه! آدم تا خودش پاکی و نظافت رو تجربه نکنه، نمی‌دونه چه حس آرامش بخشی داره! من که از این به بعد می‌خوام پاکیزه و مرتب باشم!»

• فکر کن و بگو:

۱. شستن دست‌ها قبل از غذا چه فایده‌ای دارد؟
۲. این حدیث از پیامبر اکرم ﷺ را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «إِنَّ اللَّهَ تَطَيِّفٌ يُحِبُّ النَّظَافَةَ»
۳. چه احکامی در اسلام می‌شناسید که در آن به پاکی و نظافت بدن نیز توجه شده باشد؟

آیا تا به حال به کوله پشتی کوهنوردان نگاه کرده‌اید؟ کوله پشتی آنان در عین کوچکی جا، وسایل و امکانات مهم و ضروری را در خود جای داده و هیچ وسیله‌ی غیرضروری در آن نیست. چرا؟ چون کوهنوردان می‌خواهند هنگام بالا رفتن از قله، بار سبک‌تری داشته باشند و راحت‌تر بالا روند.

وضعیت ما در سفر به آخرت هم همین‌طور است. اعمال ما هم چون بار بر دوش ما سوار می‌شوند و ما از آن‌جا جدا نمی‌شویم. به فرموده‌ی قرآن، ما در گرو اعمالمان هستیم:

اعمال ما توشه‌ی راه ماست.

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ ﴿٣٨﴾ إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ ﴿٣٩﴾

هر کس در گرو اعمال خویش است. (۳۸) مگر اصحاب الیمین (یعنی آن‌ها که نامه‌ی اعمالشان را به دست راستشان می‌دهند) (۳۹) (مدثر)

اعمال نیک و شایسته در سفر به یاری ما می‌آیند، ولی برخی کارها بار انسان را سنگین و سفر او را دچار مشکل می‌کند. با هر گناهی مثل این که چیزی روی دوش انسان گذاشته می‌شود و قدرت صعود را از او می‌گیرد. به همین دلیل، قرآن به گناه، «وزر: سنگینی» می‌گوید. (طه، ۱۰۰)

گناه قلب ما را از یاد خدا غافل کرده و مهر گمراهی بر آن می‌زند. قلبی که با گناه آلوده شود،

حقیقت را نمی‌بیند؛ مثل آینه‌ای است که لکه‌های مختلف بر روی آن قرار گرفته باشد و دیگر نتوان چیزی را در آن دید.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «چیزی قلب انسان را از گناه بیشتر فاسد نمی‌کند. قلب با گناه درآمیخته می‌شود تا این که دیگر اطاعت خدا را هم قبول نمی‌کند.»

• فکر کن و بگو:

۱. چرا هر کس در گرو اعمال خویش است؟
۲. گناهان کبیره و صغیره را تعریف کنید.
۳. این حدیث بسیار زیبا و پرمفهوم از امام علی علیه السلام را ترجمه و در حدّ امکان شرح دهید:
«تَخَفُّوْا تَلْحَقُوْا»؟

حتماً تاکنون این حدیث را شنیده‌اید که کلید ورود به همه‌ی بدی‌ها، دروغ است. می‌دانید چرا؟ برای پاسخ، به این حکایت توجه کنید:

مردی نزد رسول خدا ﷺ آمد و به ایشان گفت: «ای رسول خدا! از تو می‌خواهم به من عملی را یاد بدهی تا با انجام آن خوشبختی را در دنیا و آخرت به دست آورم.» پیامبر ﷺ فرمود: «اگر بتوانی هیچ وقت دروغ نگویی، من خوشبختی در دنیا و آخرت را برای تو تضمین می‌کنم.» آن مرد این شرط را پذیرفت و پس از مدتی به یکی از دوستانش گفت: «این شرط پیامبر ﷺ باعث شد تا من تمام گناهان را ترک کنم؛ چون هر وقت می‌خواستم گناهی انجام دهم، با خودم می‌گفتم: اگر دیگران به من بگویند که تو این گناه را انجام داده‌ای، از ترس آبرویم مجبور می‌شوم دروغ بگویم. پس سعی می‌کنم آن گناه را انجام ندهم تا مجبور نشوم بعداً دروغ بگویم.»

حالا با هم به این آیه‌ی قرآن توجه کنیم:

پرهیز از دروغ

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ... (۱۰۵)

تنها کسانی دروغ می‌بندند که به آیات خدا ایمان ندارند (نحل، ۱۰۵)

از این آیه معلوم می‌شود که دروغ‌گو در واقع، خداوند را قبول ندارد؛ چون اگر باور داشت که خداوند تمام اعمالش را می‌بیند و فرشتگان نیز آن را ثبت می‌کنند، می‌فهمید که فریب دادن دیگران باعث نمی‌شود که خداوند نیز فریب بخورد و خطای او را ندیده بگیرد. بیشتر کسانی که دروغ می‌گویند، فکر می‌کنند که اگر راست بگویند، به ضررشان است و دیگران آنان را سرزنش می‌کنند؛ در حالی که این تصور، اشتباه است؛ چون راستگویی هم باعث جلب اعتماد دیگران می‌شود و هم وجدان ما را راحت‌تر می‌کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «نجات هر کس در راستگویی است.»

• فکر کن و بگو:

۱. به نظر شما، آیا افراد دروغ‌گو و فریب‌کار آدم‌های زرنگ و باهوشی هستند یا ترسو و تنبل؟
۲. آیا اگر به شوخی دروغ بگوییم، باز هم اشکال دارد؟ چرا؟
۳. دروغ مصلحت‌آمیز چیست؟ از مری خود بخواهید موارد آن را برایتان شرح دهد.

یکی از گناهان بسیار زشتی که در دین اسلام هم به شدت مورد نكوهش قرار گرفته است، غیبت است. غیبت یعنی پشت سر یک فرد، چیزی از او بگویی که اگر بشنود، ناراحت شود. دین اسلام احترام زیادی برای آبروی افراد قرار داده است و به هیچ کس اجازه نمی‌دهد تا با آبروی فرد دیگر بازی کند. اینک به آیه‌ای که پیرامون نهی از غیبت می‌باشد، توجه کنید:

پرهیز از غیبت

... وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّبُ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ

وَأَنْقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ﴿١٢﴾

... و هیچ يك از شما غیبت دیگری را نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! [قطعاً] همه‌ی شما از این امر کراهت دارید. و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است! (حجرات، ۱۲)

در این آیه غیبت کردن به خوردن گوشت مرده‌ی برادر تشبیه شده است. این تشبیه بسیار زیبا و بامفهوم است؛ یعنی چون آبروی هر فرد، گوشت تن اوست؛ غیبت کردن هم خوردن گوشت تن آن فرد است و چون در غیبت، فرد غیبت‌شونده حاضر نیست تا از خود دفاع کند، غیبت به خوردن گوشت مرده تشبیه شده است. امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «از غیبت

دوری کنید؛ چون خورش سگ‌های جهنم است.»

خوب است بدانید که شنیدن غیبت هم مانند گفتن آن گناه است و شنونده نیز مثل گوینده مجازات می‌شود. بنابراین هنگامی که می‌بینیم کسی عیب دیگران را در غیاب آنان می‌گوید، باید او را از این کار بازداریم.

• فکر کن و بگو:

۲. چرا غیبت حرام شده است؟

۱. مفهوم این بیت را توضیح بدهید:

هر که عیب دگران پیش تو آورد و شمرد بی‌گمان عیب تو پیش دگران خواهد برد

۳. برخی از موارد در اسلام وجود دارد که اگر بدی دیگران در پشت سرشان گفته شود، غیبت نیست. با کمک مربی و دوستانتان برخی از موارد را نام ببرید.

اگر به شما بگویند باید برای رفتن به بالای قله، چیز بسیار سنگینی را با خود حمل کنید، چه حالی به شما دست می دهد؟ در میان گناهان، گناهی است که به فرموده ی امام صادق علیه السلام، از کوه های برافراشته هم سنگین تر است. این گناه، تهمت زدن به دیگران و ریختن آبروی آنان است.

آری! کسانی به دیگران از روی بی اطلاعی یا بی توجهی تهمت می زنند باید بدانند که چگونه گناهی را به دوش خواهند کشید و چه عاقبت سختی در انتظار آنان خواهد بود.

پرهیز از تهمت زدن

وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا ﴿۱۱۲﴾

و کسی که خطا یا گناهی مرتکب شود، سپس بی گناهی را متهم سازد، بار بهتان و گناه آشکاری بر دوش گرفته است. (نساء، ۱۱۲)

تهمت زدن یکی از مهم ترین راه های مخالفت با انبیاء بوده است. مخالفان پیامبران، آنان را به دیوانگی، سحر، سفاهت و مانند آن متهم می کردند تا توجه مردم به ایشان کم شود. زمینه های تهمت زدن در زندگی ما هم بسیار زیاد اتفاق می افتد، ولی ما به آن بی توجهی می کنیم و متأسفانه مرتکب این گناه می شویم.

این گناه بسیار زشت، آثار و نتایج زیان باری نیز دارد؛ مثلاً ایمان را از بین می برد؛ روابط میان

انسان‌ها را خراب کرده و کینه را در دل‌ها ایجاد می‌کند؛ سبب رسوایی فرد در دنیا و آخرت می‌شود و بالأخره او را به آتش دوزخ خواهد انداخت. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هرگاه فردی به برادر مؤمن خویش تهمت بزند، ایمان از قلب او محو می‌شود؛ همان‌طور که نمک در آب ذوب می‌گردد.»

• فکر کن و بگو:

۱. فرق تهمت و غیبت چیست؟

۲. مفهوم این شعر را توضیح دهید:

مریز آبروی برادر به کوی

که دهرت نریزد به شهر آبروی

۳. این حدیث زیبا از امام صادق علیه السلام را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «الْمُؤْمِنُ اعْظَمُ حَرْمَةً مِنْ الْكَعْبَةِ»

دوست و یار همیشگی امام صادق علیه السلام بود؛ به طوری که هر جا امام می‌رفت، او هم همراهش بود. کسی باورش نمی‌شد آن دو از هم جدا شوند. روزی با امام وارد بازار شد. یکی از خدمتکارانش چند بار عقب افتاد و به آن‌ها نرسید. به عقب برگشت و به خدمتکارش ناسزا گفت. امام از حرکت باز ایستاد و با تعجب پرسید: «چه گفتی؟» پاسخ داد: «ای پسر رسول خدا! این غلام اصلاً مسلمان نیست. من به همین خاطر به او ناسزا گفتم.» امام بر پیشانی خود زدند و گفتند: «سبحان الله! من تو را آدم مؤمنی می‌دانستم. از این پس دیگر با من رفت و آمد نکن!» امام صادق علیه السلام به خاطر همان یک دشنام، دیگر با او دیدار نکرد.

دشنام دادن و بددهنی از بدترین گناهان است. خداوند در قرآن اجازه‌ی دشنام به هیچ کس - حتی مخالفان - را نداده است:

پرهیز از دشنام و بدگویی

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ ... (۱۰۸)

به (معبود) کسانی که غیر خدا را می‌خوانند دشنام ندهید، مبادا آن‌ها (نیز) از روی (ظلم و) جهل، خدا را دشنام دهند. (انعام، ۱۰۸)

در این آیه خداوند برخی مؤمنان را که به بت‌ها فحش می‌دادند، توبیخ کرده است. از

این مطلب می فهمیم که فحش به مسلمان چقدر ناپسند و مورد خشم خداست. پیامبر عزیز ما ﷺ فرموده است: «خداوند بهشت را بر هر کسی که از روی بی حیایی دشنام می دهد و درباره ی آن چه می گوید و به او گفته می شود، بی تفاوت است، حرام کرده است.»

• فکر کن و بگو:

۱. به نظر شما، آیا اگر کسی به ما ناسزا گفت، جواب ناسزای او را باید بدهیم؟
۲. به نظر شما، ریشه ی بددهنی در چیست؟
۳. با جابجایی کلمات، بیت را مرتب کن:

نخوانند- خرد- بزرگش- اهل

زشتی- بزرگان- به- که- نام- برد

یکی از گناهان بسیار زشتی که متأسفانه در میان ما زیاد هم اتفاق می‌دهد، مسخره کردن دیگران هست. کودکان، نوجوانان، جوانان، مردان و زنان، اقوام مختلف، شهرها و کشورهای متفاوت و خلاصه هر فرد و گروهی به راحتی دیگران را مسخره و تحقیر می‌کند؛ در حالی که این گناه بسیار زشت و آثر بدی هم دارد. خدا در قرآن می‌فرماید:

پرهیز از مسخره کردن

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا لَا يَسْخَرُوْا مِنْ قَوْمٍ مِّنْ قَوْمٍ عَسَىٰ اَنْ يَّكُوْنُوْا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءً مِّنْ نِّسَاءٍ يَتَّبِعُهُنَّ الْوَالِدَاتُ وَيَسْتَلْمِزْنَهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوْا اَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَرُوْا بِالْاَلْقَابِ ... (حجرات، ۱۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آن‌ها از این‌ها بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعنه و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را صدا نزنید... (حجرات، ۱۱)

این آیه به خوبی دلیل نهی از مسخره کردن را هم بیان می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «عذاب کسی که دیگران را مسخره می‌کند، این است که در قیامت او را می‌آورند و در بهشت را برایش باز می‌کنند و می‌گویند: «وارد شو!» او با خوشحالی می‌خواهد وارد شود، ولی در را به رویش می‌بندند. سپس در دیگری باز می‌کنند و وقتی به در می‌رسد، می‌بندند و همین‌طور او را سرگردان می‌کنند تا این که دیگر ناامید شده و جلو نمی‌آید.»

• فکر کن و بگو:

۱. در آیه‌ی درس چه مواردی از مسخره کردن بیان شده است؟
۲. با توجه به آیه، دلیل حرام بودن تمسخر دیگران چیست؟
۳. آیا مسخره کردن فردی به خاطر لهجه، زبان، قوم و شهری که در آن به دنیا آمده است، کار درستی است؟ چرا؟

عامل بسیاری از جنایت‌ها در دنیا حسد بوده است. ابلیس به خاطر حسد به انسان از بهشت رانده شد و قابیل به خاطر حسادت به برادرش هابیل، اولین قتل روی زمین را مرتکب شد. قرآن کریم کسانی را به که به پیامبر ﷺ و مؤمنان به خاطر نعمت‌های خدا حسادت می‌کنند، سرزنش کرده است:

پرهیز از حسد

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ... ﴿٥٤﴾

یا این [کافران] نسبت به مردم و آنچه خدا از فضلش به آنان بخشیده، حسد می‌ورزند؟ (نساء، ۵۴)

اگر می‌خواهید بدانید علامت‌های حسادت چیست، به این نشانه‌ها دقت کنید: ۱- فرد حسود موفقیت دیگران را زیر سؤال می‌برد؛ مثلاً نقاشی خوب دیگری را می‌گوید از جایی کپی کرده یا نمره‌ی بیست دیگران را به خاطر امتحان آسان یا معلم خوب می‌داند. ۲- اگر نتواند موفقیت دیگران را زیر سؤال ببرد، عیب‌های دیگران را به یاد می‌آورد یا موفقیت‌های خود را به رخ می‌کشد. ۳- اگر از کسی پیش او تعریف کنند، ساکت می‌شود و خوشش نمی‌آید. خوب است بدانید که چون گناه حسادت به این راحتی از بین نمی‌رود، خداوند مهربان، حسادت‌هایی که فقط در دل باشد و ابراز نشود، می‌بخشد، ولی این بخشش نباید باعث شود تا ما نسبت به حسادت بی‌توجه باشیم؛ چون اگر به آن عادت کنیم، هم چون آتشی

هیزم اعمال ما را می سوزاند. امام علی علیه السلام می فرماید: «حسد تدریجا ایمان را می خورد همان طور که آتش هیزم را تدریجا از بین می برد»

• فکر کن و بگو:

۱. کدام آیه از سوره ی فلق به حسادت اشاره دارد؟ مفهوم آن چیست؟
۲. چه ضرب المثلی درباره ی حسادت می شناسید که عاقبت حسود را بیان می کند؟
۳. داستان هاییل و قایل را در قرآن پیدا کرده و در کلاس بازگو کنید.

شکی نیست که نزدیک‌ترین افراد به انسان، دوست و برادر او هستند. حال اگر از شما بپرسند، دوست و برادر شیطان کیست، چه پاسخی می‌دهید؟ فراموش نکنید که شیطان دورترین موجود به خداست. پس کسی که نزدیک‌ترین افراد به او باشد، دورترین افراد از خدا هم است.

حالا برای شناختن دوست و برادران شیطان به این آیه توجه کنید:

پرهیز از اسراف و زیاده‌روی

إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا ﴿٢٧﴾

چرا که اسراف‌کنندگان، برادران شیاطینند و شیطان در برابر پروردگارش، بسیار ناسپاس بود! (اسراء، ۲۷)

قبلاً از یکی از جلوه‌های اسراف - یعنی پرخوری - صحبت کردیم. اسراف فقط در غذا نیست؛ بلکه در همه‌ی امور زندگی - حتی بسیاری از عبادت‌ها - نیز ممکن است اتفاق بیفتد. در این آیه به یکی دیگر از نمونه‌های اسراف اشاره شده است و آن، ولخرجی و ریخت و پاش است. حتماً در زندگی خود شاهد چنین افرادی بوده‌اید. کسانی که برای یک مراسم و جشن ساده، هزینه‌های آن‌چنانی می‌کنند و از خرج کردن بدون حساب و کتاب ترسی ندارند. شاید توجیه آنان این باشد که این مال خودمان هست و می‌خواهیم هر طور که دوست داریم، استفاده کنیم. به نظر شما این دلیل درست است؟ خیر، زیرا غیر از خدا، هیچ کس در این

دنیا مالک اصلی چیزی نیست. همه‌ی اموال و دارایی‌های ما امانتی است که خدا در اختیار ما قرار داده تا از آن در کار خیر استفاده کنیم و به نیازمندان کمک کنیم. بنابراین نمی‌توانیم به امانت‌های خدا آسیب زده و آن را بیهوده خرج کنیم.

• فکر کن و بگو:

۱. چرا اسراف‌کنندگان برادران شیطان معرفی شده‌اند؟

۲. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «نشانه‌ی اسراف‌کار سه چیز است: این سه مورد را ترجمه و چند مثال برای هر یک بیان کنید: ۱- يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ ۲- يَلْبِسُ مَا لَيْسَ لَهُ ۳- يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ»

۳. با مراجعه به کتاب‌های تفسیر قرآن و با کمک مربی‌تان، تفاوت میان اسراف و تبذیر را بیان کنید.

آن روز محمدجواد خیلی خوشحال بود؛ چون قرار بود خانواده‌ی آن‌ها به همراه خانواده‌ی عمویش به بیرون شهر رفته و ناهار را در کنار طبیعت بخورند. او می‌توانست کلی با یاسر -پسرعمویش- بازی و تفریح کند. هر دو خانواده سوار ماشین شدند و با هم به یکی از روستاهای بیرون شهر رفتند. آن‌ها زیر سایه‌ی چند درخت سرسبز و در کنار رود کوچکی در روستا نشستند و مشغول آماده کردن غذا شدند. محمدجواد و یاسر تصمیم گرفتند به کنار چشمه‌ای که در آن روستا بود، رفته و کمی آب بازی کنند. در بین راه، چشمشان به درختان سیب زرد و قرمزی خورد که در باغ‌ها بود. بوی سیب طوری در فضا پیچیده بود که هر کسی را به هوس خوردن آن‌ها می‌انداخت. یاسر تصمیم گرفت از دیوار کوچک یکی از باغ‌ها بالا رفته و چند تا سیب از یکی از درختان بردارد، ولی محمدجواد به او گفت: «یاسر! چکار می‌خواهی انجام بدی؟! مگه نمی‌دونی نباید بدون اجازه به اموال دیگران دست بزنیم؟! این کار حرامه.» یاسر گفت: «می‌دونم، ولی من می‌خوام فقط چند تا سیب که روی زمین افتاده رو بردارم. آگه ما سیب‌ها رو برداریم، خراب می‌شه و حتی صاحبش هم نمی‌تونه ازشون استفاده کنه.» محمدجواد گفت: «ولی ما اجازه نداریم به باغ دیگران بریم؛ حتی آگه سیب‌ها روی زمین افتاده باشه، باید از صاحب باغ اجازه بگیریم.» آن دو پسرعمو هم چنان با هم بحث می‌کردند که پدر یاسر از راه رسید و گفت: «سلام بر دو پسرعموی صمیمی! چی شده با هم بحث می‌کنید؟ مشکلی پیش اومده؟» محمدجواد قضیه را برای عمویش توضیح داد. عموی محمدجواد رو به به پسر خودش کرد و گفت: «یاسر جان! حق با محمدجواد

هست. ما اجازه نداریم اموال دیگران را بدون اجازه‌ی آن‌ها برداریم یا بخوریم. خداوند در قرآن می‌فرماید:

پرهیز از حرام‌خوری و آزار دیگران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبُطْلِ ... ﴿٣٠﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال یکدیگر را از راه حرام نخورید! (نساء، ۲۹)

این سبب‌ها هم در داخل باغ دیگران افتاده و رفتن در باغ بدون اجازه‌ی صاحبش گناهه؛ حتی اگر دیوار باغ کوتاه باشه. به این گناهان، «حق الناس» گفته می‌شود؛ یعنی گناهایی که در آن حق مردم پایمال می‌شود. برای بخشیده شدن این گناهان، هم باید توبه کرد و هم رضایت مردم را به دست آورد. برای همین هم خیلی گناه سنگینیه و باید مواظبش بود. «...» یاسر با حرف‌های پدرش قانع شد و با محمدجواد به سمت چشمه حرکت کرد. در راه، به درخت سیبی برخوردند که در مسیر عبور بود. محمدجواد -که می‌دانست درختان بین راه مال شخصی نیست و می‌شود از آن خورد- به یاسر گفت این بار به بالای درخت برود و چند سیب آبدار و رسیده بچیند تا در کنار چشمه بخورند.

• فکر کن و بگو:

۱. چند مورد از گناهان «حق الناس» را نام ببرید.
۲. آیا آسیب زدن به اموال عمومی مثل اتوبوس یا تخته سیاه و ... هم حق الناس هست؟
۳. اگر مالی را در خیابان پیدا کردیم و صاحب آن را نمی‌شناختیم، باید چه کنیم؟

فریده از جلسه‌ی امتحان زود برگشت و در حیاط مشغول بازی شد. دوستانش یکی یکی از جلسه‌ی امتحان می‌آمدند و با تعجب به فریده می‌گفتند: «چرا این قدر زود برگه‌ات رو دادی. یعنی این قدر از جواب‌ها مطمئنی؟»

فریده با خیال راحت گفت: «آره بابا! سوآل‌اش مثل آب خوردن بود. من که حتماً بیستم!» هنگامی که معلم برگه‌های امتحان را به شاگردان می‌داد، فریده با دیدن نمره‌اش به شدت تعجب کرد و داد زد: «چرا شانزده؟ من که همه‌ی جوابها رو درست نوشتم.» معلم رو به فریده کرد و گفت: «چرا در کلاس داد می‌زنی؟ به جای این کارها ببین چه اشتباهی کردی که نمره‌ات این قدر پایین آمده! از تو بعیده دخترم!»

فریده نگاهی به برگه‌ی امتحانش انداخت و بعد از مدتی، هاج و واج ماند؛ زیرا متوجه شده بود که به پشت برگه‌اش توجه نکرده بود. دو تا از سوآل‌ها در پشت برگه بود و فریده آن‌ها را اصلاً ندیده بود. سرش را پایین انداخت و به لحظه‌هایی فکر کرد که دوست داشت اول از همه، برگه‌اش را بدهد و برود در حیاط بازی کند.

به نظر شما، اشتباه فریده در چه بود؟ آری! درست است! عجله کردن. از قدیم گفته‌اند: «عجله کار شیطونه!» می‌دانید چرا؟ چون عجله و شتاب‌زدگی نمی‌گذارد انسان بر کارهای خود تمرکز کند و او را از هدف باز می‌دارد. خداوند در قرآن شتاب‌زدگی انسان را بارها نکوهش کرده است:

پرهیز از عجله و شتاب‌زدگی

وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا ﴿١١﴾

انسان (بر اثر عجله)، بدی‌ها را به سمت بدی می‌رود؛ همان‌گونه که [باید] به دنبال خوبی بشتابد. و انسان، همیشه عجول بوده است! (اسراء، ۱۱)

البته - همان‌طور که از این آیه هم فهمیده می‌شود - عجله در کارهای خوب مثل نماز اول وقت، کمک به دیگران، مسجد رفتن و ... خیلی خوب است.

• فکر کن و بگو:

۱. این آیه را ترجمه و مفهوم آن را بیان کنید: «فاستبقوا الخیرات»
۲. آیا عجله در راه رفتن خوب است. کدام آیه‌ی از دروس قبل را برای پاسخ این سؤال مناسب می‌دانید.
۳. آیا منظور از انسان در آیه، همه‌ی انسان‌ها هستند؟

بخش هشتم:

وظیفه‌ی عملی من چیست؟

هر سفری قانون‌های لازم و بایسته‌ای دارد که برای رسیدن به مقصد باید آن را رعایت کرد. به این قانون‌ها در اصطلاح دینی «احکام» گفته می‌شود. منابع اصیل احکام در دین اسلام، قرآن، سخنان پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام و عقل است. البته روشن است که احکام و قوانین اسلامی در قرآن بسیار بیشتر از آن مقداری است که در این بخش آمده است، ولی سعی کرده‌ایم تا در این بخش، به مهم‌ترین موضوعات در حوزه‌ی «احکام» پرداخته شود.

در این بخش، می‌خواهیم به مهم‌ترین وظایف عملی خود در طول سفر دنیا تا آخرت اشاره کنیم. به این وظایف در اصطلاح دینی، «احکام» گفته می‌شود.

اولین وظیفه‌ی عملی ما در برابر خدا، شناخت دین و احکام است. احکام یعنی باید‌ها و نبایدها که به پنج دسته تقسیم می‌شود: ۱- واجب؛ یعنی کارهایی که حتماً باید انجام شود؛ مانند نمازهای روزانه یا روزه در ماه رمضان. ۲- مستحب؛ یعنی کارهایی که بهتر است انجام شود؛ مانند نماز اول وقت یا تلاوت قرآن. ۳- مُباح؛ یعنی کارهایی که انجام یا ترک آن فرقی ندارد؛ مانند راه رفتن یا خوابیدن. ۴- مکروه؛ یعنی کارهایی که ترک آن بهتر از انجام آن است؛ مانند خوابیدن در مسجد یا آب خوردن در بین غذا. ۵- حرام؛ یعنی کارهای که به هیچ وجه نباید انجام شود؛ مانند دروغ و غیبت و ...

یکی از افتخارات ما این است که تاج بندگی خدا بر سر ما نهاده شده است و ما در برابر خداوند مکلف هستیم؛ یعنی باید کارهایی را انجام داده و از برخی کارها دوری کنیم. برای شناخت احکام نیاز به شناخت منابع دینی و تخصص در این زمینه است. معلوم است که همه‌ی ما قدرت و فرصت کافی برای شناخت معنای دقیق آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام نداریم. برای همین باید از کسانی تقلید و پیروی کنیم که این توانایی را دارند؛ یعنی کسانی که هم اهل تقوا و پرهیزکاری و هم دارای علم و کوشش باشند. به این افراد، «مراجع تقلید» گفته می‌شود و کتابی که احکام دینی ما در آن نوشته شده است، «رساله عملیه» نام دارد. تقلید در احکام هم از نظر عقلی واجب است و هم از نظر قرآن. خداوند در قرآن می‌فرماید:

وجوب تقلید از عالمان دین

... فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿۴۳﴾

... اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید. (انبیاء، ۷)

از این آیه فهمیده می‌شود کسانی که علم و آگاهی لازم در مسائل دینی ندارند، باید به افراد خبره و آگاه مراجعه و از آنان تقلید کنند؛ درست مثل افرادی که از علم پزشکی آگاهی ندارند و به هرچه دکتر می‌گوید، گوش می‌دهند. به همین دلیل، از این آیه برای اثبات امامت اهل بیت علیهم‌السلام هم استفاده می‌شود؛ چون آنان عالم‌ترین مردم به احکام و مسائل دین بودند و همه باید به آنان مراجعه کنند.

• فکر کن و بگو:

۱. آیا در اصول دین هم می‌شود تقلید کرد؟
۲. آیا می‌شود از هر عالمی تقلید کرد؟ مرجع تقلید باید چه شرایطی داشته باشد.
۳. با مراجعه به رساله عملیه و کمک مربی خود، اصطلاحات زیر را توضیح دهید: احکام مبتلا به - احتیاط واجب - احتیاط مستحب - نماز ادا و قضا

در میان همه‌ی تکالیفی که خداوند برای مؤمنان قرار داده است، بهترین تکلیف چیست؟ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پاسخ این سؤال را این‌گونه داده است: «نماز بهترین تکلیف خداوند است.» نماز دارای حکمت‌ها و فواید بسیاری است که اگر بخواهیم آن را در چندین کتاب مفصل نیز توضیح دهیم، باز هم کافی نخواهد بود. مهم‌ترین دلیل واجب شدن نماز در این آیه آمده است:

حکمت و دلیل وجوب نماز

أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ ابْتِغَاءَ الصَّلَاةِ تَنْهَى عَنِ
الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ﴿۴۵﴾

آن‌چه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه بازمی‌دارد، و یاد خدا بزرگتر است و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید!

(عنکبوت، ۴۵)

در این آیه دو دلیل اصلی برای واجب شدن نماز بیان شده است: ۱- جلوگیری از گناه. ۲- بر پاداشتن یاد خدا. اینک برای هر کدام از این دلایل به روایتی توجه کنید:

روزی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از یاران خود سؤال کرد: «اگر مقابل در خانه‌ی یکی از شما نهری از آب صاف و پاکیزه باشد و در هر روز پنج بار خود را در آن شستشو دهد، آیا باز هم چیزی از

آلودگی و کثیفی در بدن او می ماند؟» اصحاب پاسخ دادند: «خیر!» پیامبر ﷺ فرمود: «نماز نیز همین طور است. هر بار که مسلمانی نماز می خواند، گناهانش پاک می شوند و در صورتی که در روز پنج بار نماز بخواند، دیگر گناهی از او نمی ماند.»

از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: «چرا نماز واجب شده است؟» ایشان پاسخ دادند: «چون اگر نماز نبود، چیزی که یاد خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را در میان مردم زنده نگاه دارد، وجود نداشت و بدین ترتیب، همه ی مردم به تدریج گمراه می شدند.» ایشان هم چنین در حدیث بسیار مهمی فرمود: «اولین چیزی که در قیامت از بنده سؤال می شود، نماز است. اگر پذیرفته شود، اعمال دیگر هم پذیرفته می شود و در غیر این صورت، آن ها هم پذیرفته نخواهد شد.»

• فکر کن و بگو:

۱. چرا امام حسین علیه السلام در ظهر عاشورا و در حال جنگ، نماز خواند؟
۲. نمازهای واجب چند تا است؟ آن ها را نام ببرید.
۳. این حدیث از کیست و معنای آن چیست؟ «جُعِلَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ»

فرض کنید پدری از سر کار برگشته و از فرزندش می‌خواهد تا برایش آب خنک بیاورد. فرزند به پدر بی‌اعتنایی می‌کند و خود را به نشنیدن می‌زند. اندکی بعد، پدر دوباره فرزندش را صدا می‌زند و از او می‌خواهد تا برایش آب خنکی مهیا کند. این بار نیز فرزند تبلی کرده و حرف پدر را نشنیده می‌گیرد. بار سوم پدر از فرزند آب طلب می‌کند و فرزند می‌گوید: «الآن کار دارم! بعداً می‌آورم.» این کار چندین بار صورت می‌گیرد تا این‌که فرزند چند ساعت بعد با بی‌حوصلگی لیوان آب خنکی را پر کرده و برای پدر می‌آورد. در این صورت پدر چه می‌کند؟ آیا از پسرش تقدیر خواهد کرد که بالأخره و پس از مدت زیاد به سخن او گوش کرده است. مسلماً خیر.

وضعیت بسیاری از ما انسان‌ها در نماز خواندن همین‌طور است. هنگامی که صدای اذان بلند می‌شود، خداوند مهربان ما را به نماز و سخن گفتن با خودش فرا می‌خواند، ولی ما گاهی ندای اذان را بی‌پاسخ گذاشته و پس از ساعت‌ها با بی‌میلی نماز می‌خوانیم. چنین نمازی ارزش واقعی خود را از دست داده است.

خداوند در قرآن یکی از صفات مؤمنان را مواظبت بر وقت نماز دانسته است و از ما نیز می‌خواهد تا به نماز اول وقت اهمیت زیادی بدهیم:

توجه به نماز اول وقت

حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْاَوْسَطَى وَفُؤُوا لِلَّهِ قَنِينًا ﴿٢٣٨﴾

در انجام همه‌ی نمازها، (به خصوص) نماز وسطی [یعنی نماز ظهر] کوشا باشید! و از روی خضوع و اطاعت، برای خدا به پاخیزید! (بقره، ۲۳۸)

• فکر کن و بگو:

۱. اوقات نمازهای پنجگانه را بازگو نمایید.
۲. برخی آداب و مستحبات نماز را نام ببرید.
۳. به نظر شما، چرا در این آیه بر خواندن نماز ظهر تأکید شده است؟

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام به نام «ابوبصیر» می‌گوید: «هنگامی که خبر شهادت امام را شنیدم، به خانه‌ی حضرت رفتم تا به خانواده‌ی امام تسلیت بگویم. وقتی وارد خانه شدم، صدای شیون و زاری بانوان به گوش می‌رسید. من به اتاق رفتم و پس از مدتی مادر امام را دیدم که برای تشکر نزد من آمد. با دین او به گریه افتادم. او نیز گریست و پس از مدتی گفت: «ای ابوبصیر! اگر در هنگام وفات امام در این جا بودی، چیز عجیبی از امام می‌دیدی!» پرسیدم: «چه چیزی؟» ایشان گفت: «در لحظات آخر حیات، امام به یکباره به هوش آمدند و با حالت پریشانی گفتند: «همه‌ی بستگانم را جمع کنید!» ما نیز همه‌ی خویشان او را جمع کردیم. امام نگاهی به آنان انداخته و فرمودند: «آگاه باشید که شفاعت ما به کسی که به نماز اهمیت ندهد، نمی‌رسد.»

حدیث بالا بسیار تکان‌دهنده و قابل تأمل است؛ زیرا روشن می‌کند که حتی آنانی که نمازشان را مرتب می‌خوانند، ولی سهل‌انگاری کرده و در آداب و شرایط آن کوتاهی و تبلی می‌کنند، به بهشت نمی‌روند. خداوند در سوره‌ی ماعون می‌فرماید:

عاقبت سهل‌انگاری در ادای نماز

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ ﴿٤﴾ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ﴿٥﴾

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ ﴿٦﴾

وای بر نمازگزاران (۴) آن‌ها کسانی هستند که در نمازشان سهل‌انگاری می‌کنند. (۵) آن‌ها کسانی هستند که پیوسته ریا می‌کنند. (۶) (ماعون)

از این آیات هم فهمیده می‌شود که سهل‌انگاری در نماز چه عاقبت بدی دارد؛ چه برسد به ترک نماز.

• فکر کن و بگو:

۱. ریا در نماز به چه معناست؟ از کجا بفهمیم نماز ما همراه با اخلاص است؟

۲. مقصود از شفاعت اهل بیت علیهم‌السلام چیست؟

۳. با جابجایی کلمات شعر را مرتب کن:

به - اخلاص - نکوست - عبادت - نیت

آید - وگرنه - مغزیوست - چه - ز - بی

یکی از آداب نماز، برقراری آن به صورت جماعت است. ثواب نماز جماعت بسیار بسیار زیاد است. پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: «یک رکعت نماز جماعت مساوی با بیست و چهار رکعت نمازی است که هر رکعت آن از چهل سال عبادت بیشتر باشد.» در قرآن کریم بر نماز جماعت تأکید شده است:

نماز جماعت

وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿۴۳﴾

و نماز را بپا دارید، و زکات را بپردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگزارید)!

(بقره، ۴۳)

به این حدیث در اهمیت نماز جماعت دقت کنید: پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «روزی جبرئیل بر من نازل شد. از او پرسیدم: «ثواب نماز جماعت برای امت من چقدر است؟» گفت: «بسیار زیاد! اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند، هر رکعتی ثواب ششصد نماز دارد و هر چه بیشتر شوند ثواب نمازشان بیشتر می شود تا به ده نفر برسند و تعداد آنان که از ده گذشت، اگر تمام آسمان ها کاغذ؛ و دریاها مرکب؛ و درخت ها قلم؛ و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند و تنها خدا می تواند آن را حساب کند. برای مؤمن،

درک کردن یک تکبیر با امام جماعت، از شصت هزار حج و عمره بهتر است و از همه‌ی دنیا هفتاد هزار مرتبه بهتر می‌باشد. یک رکعت نماز که مؤمن با امام جماعت می‌خواند از صدقه دادن صد هزار دینار بر فقرا بهتر است. و یک سجده که مؤمن با امام جماعت انجام می‌دهد، از آزادکردن صد برده بهتر است.»

• فکر کن و بگو:

۱. چرا نماز جماعت این همه فضیلت دارد؟
۲. آیا نماز جماعت از نماز اول وقت هم مهم‌تر است؟
۳. با کمک مربی و دوستانتان مهم‌ترین احکام نماز جماعت را بازگو کنید.

همان طور که می‌دانید دین اسلام به اجتماع مسلمانان در مراسم دینی اهمیت زیادی می‌دهد و عبادت‌های بسیاری به صورت جمعی است؛ مثل حج در زمان مشخص یا نماز عید فطر و نماز جماعت و ... یکی از مهم‌ترین این عبادت‌ها نماز جمعه است که به آن سفارش زیادی شده است:

نماز جمعه

يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا اِذَا نُودِيَ لِلصَّلٰوةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا اِلَىٰ ذِكْرِ اللّٰهِ وَذَرُوْا
الْبَيْعَ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ﴿١﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود، به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که اگر می‌دانستید، این برای شما بهتر است! (جمعه، ۹)

در این آیه آمده است که مسلمانان به محض شنیدن صدای اذان در روز جمعه، به دنبال نماز جمعه بشتابند و بدانند که این کار بهتر از هر چیز دیگری است.

نماز جمعه آثار و فواید بسیاری دارد: ۱- بین مؤمنان ایجاد وحدت و هم‌بستگی می‌کند. ۲- کفار و دشمنان اسلام را مأیوس و ناامید می‌کند. ۳- معارف دینی و احکام را در میان مردم رواج می‌دهد. ۴- مشکلات جامعه و کشور را بررسی و حل می‌کند. ۵- یاد خدا را در اجتماع زنده می‌کند.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «هر کس به خاطر رضای خدا به نماز جمعه برود، گناهانش بخشیده می شود.»

• فکر کن و بگو:

۱. آیا نماز جمعه واجب است؟
۲. روز جمعه چه اهمیتی در میان روزهای هفته دارد؟
۳. مهم ترین احکام نماز جمعه چیست؟

شخصی از ابوعلی سینا - دانشمند مشهور مسلمان - سؤال کرد: «چرا نماز در مسجد این قدر فضیلت دارد؟» او پاسخ داد: «به نظر شما اگر چند چراغ در اتاق‌های جداگانه روشن باشند، بهتر است یا این که همه در یک اتاق باشند؟» آن مرد پاسخ داد: «نمی‌دانم.» ابو علی سینا گفت: «اگر چراغ‌ها در اتاق‌های جداگانه باشند، در صورتی که یک چراغ خاموش شود، آن اتاق هم خاموش می‌شود، ولی اگر همه در یک اتاق باشند، با وجود خاموشی یک چراغ، اتاق هم چنان روشن خواهد ماند؛ چون چراغ‌های دیگر هم هستند.» سپس ابوعلی سینا ادامه داد: «نماز در مسجد هم به همین دلیل ثواب بیشتری دارد؛ چون هر یک از نمازگزاران مثل چراغی رحمت خدا را با خود همراه دارند و نورافشانی می‌کند. بنابراین اگر به جایی برویم که نمازگزار بیشتری باشد، رحمت و نور بیشتری از خدا دریافت می‌کنیم.»

خداوند در قرآن ما را به احیای مسجد و زنده نگه داشتن آن دعوت کرده و ثواب بسیاری برای آنان که به ساخت مسجد یا رونق آن اهمیت می‌دهند، قرار داده است.

اهمیت مسجد

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿۱۸﴾

و این که مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید! (جن: ۱۸)

مسجد پایگاه یاد خدا و کانون بیداری مسلمانان است. بنابراین نباید مساجد را خالی و کم رونق کنیم. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «هر کس برای نماز جماعت به مسجد برود، خدا برای هر قدمش هفتاد هزار ثواب در نظر می گیرد.»

• فکر کن و بگو:

۱. آیا آباد کردن مسجد فقط به ساختن و زینت کردن آن است؟
۲. این جمله از کیست و چه مفهومی دارد: «مساجد سنگر انقلاب هستند.»
۳. این آیه را ترجمه و مفهوم آن را بگویید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ»
(اعراف، ۳۱)

یکی از واجبات مهم در دین اسلام روزه است. روزه در تمام ادیان بوده است و اثرات تربیتی فراوانی دارد. دلیل واجب شدن روزه هم این است که سبب تقویت ایمان و تقوا در افراد می‌شود؛ چون روزه‌دار به خاطر خدا باید از لذت‌های بسیاری چشم‌پوشی کند. به همین دلیل، خداوند در قرآن می‌فرماید:

روزه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿۱۸۳﴾

ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد تا پرهیزکار شوید. (بقره، ۱۸۳)

در این آیه خداوند با عباراتی مهربانانه از وجوب روزه خبر داده و تأکید کرده است که این حکم برای امت‌های قبل هم بوده است و دلیل آن نیز نزدیک شدن شما به پرهیزکاری و تقواست.

برخی دیگر از فواید روزه عبارت است از: ۱- همدردی با تهیدستان و بینوایان. ۲- تقویت صبر و بردباری. ۳- تندرستی و سلامت جسمی. ۴- اخلاص و دوری از خودنمایی. روزه را به نوعی می‌توان خالص‌ترین عبادت دانست؛ چون نیاز به انجام کاری ندارد تا بشود

در آن ربا و خودنمایی کرد. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «خداوند به من گفته است: «روزه برای من است و خودم جزای آن را می‌دهم. روزه سپر مؤمن از آتش جهنم است.»

• فکر کن و بگو:

۱. آیا روزه‌ی واقعی تنها به معنای پرهیز از خوردن و آشامیدن است؟

۲. با کمک مربی و دوستانتان هر یک از فواید روزه را بررسی کنید.

۳. مفهوم این بیت چیست؟

تهی از حکمتی به علت آن	که پُری از طعام تا بینی
اندرون از طعام خالی دار	تا در او نور معرفت بینی

فرض کنید که مسابقه‌ای بزرگ و مهم طراحی شده است و برنده‌ی آن، اجازه دارد که به مدت یک دقیقه در خزانه‌ی جواهرات کشور حضور یابد و هر چه می‌خواهد بردارد. بدون شک همه تلاش می‌کنند تا در این مسابقه برنده شده و این فرصت گران‌بها را به دست آورند.

تعجب نکنید اگر بگویم که این فرصت طلایی برای همه‌ی ما فراهم می‌شود؛ آن هم نه یک دقیقه؛ بلکه یک بار در هر سال و هر باری ۴۳۲۰۰ دقیقه.

این فرصت طلایی همان ماه مبارک رمضان است که در آن خداوند درهای رحمت و خزانه‌ی بی‌انتهای رحمت خود را بر همه می‌گشاید و ما را به مهمانی خود دعوت کرده است:

اهمیت ماه رمضان

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ
وَالْفُرْقَانِ ... (۱۸۵)

ماه رمضان، ماهی است که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه‌های هدایت، و فرق گذاشتن میان حق و باطل، در آن نازل شده است. (بقره، ۱۸۵)

ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن کریم - که نمونه‌ی آشکار رحمت خداست - نازل

شده است و روزه - که بندگان را به خدا نزدیک می‌کند- واجب شده است و دعا - که سخن گفتن با خداست - سفارش شده است. بسیار شایسته و نیکوست که قدر این ماه بسیار مهم را بدانیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اگر بندگان می‌دانستند که ماه رمضان چه برکاتی دارد، دوست داشتند همه‌ی سال ماه رمضان بود.»

• فکر کن و بگو:

۱. یکی از دلایل اهمیت ماه رمضان، این است که شب قدر در آن واقع شده است. با استفاده از آیات قرآن فضیلت شب قدر را بیان کنید.
۲. ثواب قرائت قرآن در ماه رمضان چقدر است؟
۳. چند مورد از احکام روزه را بیان کنید.

در دین اسلام دو نوع واجب وجود دارد: واجبات فردی و واجبات اجتماعی. اسلام همان‌طور که به رابطه‌ی فرد با خدا توجه کرده است، به رابطه‌ی او با مخلوقات هم توجه کرده و از مسلمانان خواسته تا حقوق اجتماعی یکدیگر را به جا آورند. یکی از مهم‌ترین واجبات اجتماعی، زکات است که بارها در قرآن، کنار نماز ذکر شده است. زکات شرایط معینی دارد که در کتاب‌های احکام آمده است. زکات نوعی انفاق و صدقه است. خداوند -علاوه بر توصیه‌ی زیاد مؤمنان به انفاق و صدقه- پاداش مادی و معنوی فراوانی را نیز برای آنان قرار داده است:

انفاق و صدقه به نیازمندان

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَبِيلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿۳۶۱﴾

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه از آن رویدده شود که در هر خوشه، صد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کس بخواهد، دو یا چند برابر می‌کند و خدا وسیع، و (به همه چیز) داناست. (بقره، ۲۶۱)

دستگیری از نیازمندان ثواب بسیار زیادی دارد. کسانی که مال خود را نگه داشته و به نیازمندان نمی‌دهند، در واقع معامله‌ی بسیار مهمی را از دست داده‌اند؛ چون خداوند به

آنان وعده داده است تا سود مالشان را چند برابر به آنان باز خواهد گرداند.
خوب است بدانید قرآن کریم آیات زیادی درباره‌ی آداب و شروط انفاق دارد که
مطالعه‌ی آن بسیار سودمند و مفید خواهد بود.

• فکر کن و بگو:

۱. بیت زیر را کامل کنید:

تو نیکی می‌کن و در دجله انداز

۲. با استفاده از آیات ۲۷۰ تا ۲۷۵ بقره، چند مورد از آداب انفاق را بیان کنید:

۳. شرایط وجوب زکات چیست؟

می‌دانید که یکی از فروع دین اسلام و مهم‌ترین واجبات، امر به معروف و نهی از منکر است. این واجب دینی به قدری مهم است که بدون آن شکل‌گیری جامعه‌ی دینی امکان ندارد. به همین دلیل، لقمان حکیم در سفارش‌هایش به فرزند خویش می‌گوید که امر به معروف و نهی از منکر از کارهای بسیار مهم است:

امر به معروف و نهی از منکر

يَبْنِيْ اَقِمِ الصَّلَاةَ وَاْمُرْ بِالْمَعْرُوْفِ وَاَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاَصْبِرْ عَلٰى مَا اَصَابَكَ ۗ اِنَّ
ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْاُمُوْرِ ﴿١٧﴾

پسرم! نماز را برپا دار، و امر به معروف و نهی از منکر کن، و در برابر مصیبت‌هایی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این موارد از کارهای مهم است! (لقمان، ۱۷)

هر مسلمانی به نوبه‌ی خود باید غیرت دینی داشته باشد و در مقابل گناه و گمراهی دیگران بی‌تفاوت نباشد. دلیل واجب شدن این دو فریضه در روایت زیبایی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «یک فرد گنهکار، در میان مردم همانند کسی است که با عده‌ای سوار کشتی شود، و به هنگامی که در وسط دریا قرار گیرد، تبری برداشته و به سوراخ کردن جایی که در آن نشسته بپرداز. اگر به او اعتراض کنند، در جواب بگوید: من جایی از کشتی را سوراخ می‌کنم که خودم نشسته‌ام و کاری به شما ندارم. اگر دیگران او را از این عمل خطرناک باز ندارند،

طولی نمی‌کشند که آب دریا به داخل کشتی نفوذ کرده و همگی در دریا غرق می‌شوند. این مثال به خوبی دلیل واجب شدن امر به معروف و نهی از منکر را بیان کرده است. اگر مردم جامعه نسبت به گناهان دیگران بی‌تفاوت باشند، احکام دین در جامعه کم‌رنگ شده و کسی به آن توجه نمی‌کند؛ چون یک فرد گناه‌کار مانند یک سیب فاسد، می‌تواند یک جعبه‌ی سیبِ سالم را مثل خودش فاسد کند.

• فکر کن و بگو:

۱. معروف و منکر یعنی چه؟
۲. با کمک مربی و دوستانتان، مهم‌ترین آداب و شروط امر به معروف را بیان کنید.
۳. آیا این ضرب‌المثل‌ها برای فرار از امر به معروف و نهی از منکر صحیح است: «موسی به دین خود، عیسی به دین خود» «هرکسی را در قبر خودش می‌گذارند» در چه مواردی باید از این مثل‌ها استفاده کرد؟

در درس قبل به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر اشاره کردیم. دلیل واجب شدن این دو فریضه‌ی دینی را هم در ضمن مثالی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان کردیم. در این درس قصد داریم شما را با یک آیه و چند حدیث دیگر در این زمینه آشنا کنیم. خوب است بدانید که یکی از دلایل ناکامی و شکست اقوام گذشته، سکوت پرهیزکاران و مؤمنان در برابر گناه و انحرافات مردم آن اقوام بوده است. قرآن در چند جا به این مطلب اشاره می‌کند و یکی از وظایف مسلمانان توجه جدی به این واجب دینی می‌داند:

امر به معروف؛ وظیفه‌ی گروهی و فردی

وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ﴿۱۰۴﴾

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آن‌ها همان رستگارانند. (آل عمران، ۱۰۴)

همان‌طور که می‌بینید این آیه امر به معروف را وظیفه‌ی برخی مسلمانان می‌داند؛ درحالی‌که می‌دانیم که امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ی همه‌ی مسلمانان است. بنابراین باید این آیه را این‌گونه معنا کرد که برخی از مسلمانان وظیفه دارند تا به طور دسته‌جمعی

و گروهی، امر به معروف و نهی از منکر کنند و دیگران باید به صورت فردی از این واجب غافل نشوند.

پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خداوند در زمین و جانشین پیامبر و کتاب او است.» امام علی ؑ می فرماید: «تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر مثل آب دهان است در برابر دریای پهناور!»

• فکر کن و بگو:

۱. این آیه را ترجمه کرده و مفهوم آن را بگویید: «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْهَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» (بقره، ۴۴)

۲. در جایی که امکان امر به معروف وجود ندارد، باید چه کرد؟

۳. مهم ترین هدف امام حسین ؑ از قیام عاشورا چه بود؟ توضیح دهید.

روز اول مدرسه‌ها بود. دخترها یکی یکی وارد حیاط مدرسه می‌شدند و با خوشحالی به سراج دوست‌های قدیمی‌شان می‌رفتند. منصوره تازه به این مدرسه آمده بود و کسی را نمی‌شناخت. وارد حیاط شد و در صفِ کلاس دوم «ب» ایستاد. جلوی او، دختری با مانتوی کوتاه و شیک ایستاده بود. منصوره که خیلی درباره‌ی مدرسه‌ی جدیدش کنجکاو بود. به آن دختر گفت: «سلام! اسم من منصوره است. تازه به این مدرسه اومدم. تو پارسال هم تو این مدرسه بودی؟» دختر جواب داد: «سلام. من هم نگین هستم! نه؛ منم مثل تو تازه به این مدرسه اومدم؛ قبلاً خونمون تو یک محله‌ی دیگه بود.» نگین نگاهی به سر و وضع منصوره انداخت و با تعجب پرسید: «تو همیشه با چادر میای مدرسه؟! اذیت نمی‌شی؟» منصوره نگاهی به چادرش انداخت و با خوشحالی گفت: «نه! برای چی باید اذیت بشم؟! مامانم هر سال برام چادر جدید می‌دوزه. به نظرم، خیلی خوشگله! این طور نیست؟» نگین سرش را با حالت بی‌اعتنایی بالا انداخت و جواب داد: «نمی‌دونم! به نظر من که چادر مال زن‌های قدیمیه. خانم‌های امروزی باید ساپورت یا مانتوهای کوتاه بپوشن؛ چون هم شیک‌تره و هم جمع و جورتره.» بعد مانتوی خودش را به منصوره نشون داد و با افتخار گفت: «بینش! بابام از به فروشگاه گرون قیمت گرفته. تازه مُد شده.» منصوره نگاهی آمیخته با حسرت و تعجب، به مانتوی نگین انداخت و خواست قیمتش را بپرسد که ناظم مدرسه از به‌ها خواست تا مرتب بایستند و به حرف نزنند. منصوره و نگین با هم در یک میز نشستند. آن‌ها خیلی زود با هم دوست شده بودند. در طول همین مدت کوتاه، منصوره تحت تأثیر اخلاق دوستش نگین قرار گرفته بود و ناخودآگاه می‌خواست مثل او حرف بزند؛ بازی کند و لباس بپوشد. یک روز،

منصوره بعد از خداحافظی با نگین، سریع به خانه رفت و همین که وارد خانه شد، چادرش را درآورد. بعد با حالت ناراحتی به مادرش گفت: «مامان! چرا بابا برام یه ماتوی کوتاه و خوشگل نمی‌خره؟ آخه از دست چادر خسته شدم. دوستم نگین می‌گه چادر مال زن‌های قدیمیه.» زهرا خانم -مادر منصوره- به دخترش سلام کرد و گفت: «نگین دوست جدیدته؟ او گفته که چادر مال زن‌های قدیمیه؟ اصلاً هم این‌طور نیست. چادر بهترین حجاب برای خانم‌هاست. حجاب هم حکم خداست. به دوستت بگو که حکم خدا قدیم و جدید نداره. بگو که من چادر رو برای این انتخاب کردم که بهتر بتونم این حکم رو انجام بدم.» منصوره -که انگار حس تازه‌ای نسبت به حجاب پیدا کرده بود- با کنجکاوی پرسید: «آیا توی قرآن هم آیه‌ای درباره‌ی حجاب هست؟» زهرا خانم لبخندی زد و این آیه را خواند:

و جوب حجاب برای زنان

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابِهِنَّ ذَلِكَ آدَبٌ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ ... ﴿٥٩﴾

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: روسری‌های بلند خود را بر خویش بیندازند، این کار برای این‌که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است (احزاب، ۵۹)

بعد رو دخترش کرد و گفت: «در این آیه، هم حکم حجاب و هم دلیلش بیان شده. می‌تونی این آیه رو برای دوستت بخونی و ارزش بخوای که او هم چادری بشه.»

• فکر کن و بگو:

۱. دلیل وجوب حجاب چیست؟ و چرا حجاب با چادر بهترین حجاب است؟

فردا صبح، منصوره، آیه‌ای را که از مادرش یاد گرفته و حفظ کرده بود، در راه تکرار می‌کرد تا برای دوستش نگین بخواند. زنگ اول که تمام شد، با نگین به حیاط مدرسه رفت تا با هم خوراکی‌هایشان را بخورند. بعد رو به نگین کرد و گفت: «راستی! مامانم گفت که بهت بگم چادر بهترین حجاب و خدا هم تو قرآن گفته که زن‌ها باید حجاب کنند. منم برای همین چادر می‌پوشم.» بعد آیه‌ی دیروزی را از حفظ برای نگین خواند. نگین با تعجب به منصوره نگاه کرد و گفت: «تو تموم این آیه رو دیروز حفظ کردی؟ تا حالا این آیه را نشنیده بودم.» منصوره -در حالی که خودش را گرفته بود- گفت: «آره. این که چیزی نیست. مادرم آیه‌های زیادی از قرآن رو حفظه. راستی نگفتی می‌خواهی چادر رو امتحان کنی یا نه؟» نگین جواب داد: «راستش، منم دیروز به مامانم گفتم که چرا برام چادر نمی‌خره. مامانم گفت: «چادر جلوی دست و پات رو می‌گیره!» منصوره یک دفعه خنده‌اش گرفت و گفت: «این چه حرفیه! یعنی الان چادر دست و پای من رو گرفته؟!» بعد ادای آدم‌های زندانی را درآورد که با دست و پای بسته و غل و زنجیر راه می‌روند. نگین هم با دیدن این صحنه خنده‌اش گرفت و بعد دوباره پرسید: «یعنی گرمت هم نمی‌شه؟» منصوره شانه‌هایش را بالا انداخت و گفت: «نه اون قدری که فکرش بکنی. این‌ها بهانه‌های الکی برای کنار گذاشتن چادره. می‌تونی خودت امتحان کنی.» نگین یک فکری کرد و به دوستش گفت: «منصوره! به مامانت میگی یه چادر هم برای من بدوزه؟! آخه می‌خوام حجاب کردن با چادر رو هم یاد بگیرم.» منصوره گفت: «آره! معلومه که می‌گم. مطمئنم مامانم هم قبول می‌کنه.»

چند روز بعد، منصوره، نگین را به خانه‌ی خودشان دعوت کرد تا مادرش چادر او را اندازه بگیرد. وقتی زهرا خانم داشت قد نگین را اندازه می‌گرفت، نگین پرسید: «زهرا خانم!

به نظرتون الآن زود نیست من حجاب داشته باشم؟ آخه به نظرم با چادر خیلی بزرگ نشون داده می شم.» زهرا خانم گفت: «نه دخترم! الآن دیر هم هست. تو باید به چادر عادت کنی. چند روز که چادر بیوشی می فهمی که این حکم اسلام چه نعمت بزرگی برای خانم هاست.» نگین یک دفعه سؤالی به ذهنش رسید و گفت: «راستی! اگه چادر بیوشم باز هم می تونم با پسرعمو هام بازی کنم؟ آخه من خیلی با اون ها دوست هستم.» زهرا خانم در حالی که داشت پارچه ی چادری را برای نگین پُرش می زد. با تعجب به نگین نگاه کرد و گفت: «دختر خوبم! تو دیگه بزرگ شدی. نباید با نامحرم ها دوست باشی. خدا دوست نداره پسرها و دخترهای نامحرم با هم دوست باشن.» نگین - که می دانست زهرا خانم اطلاعات قرآنی زیادی دارد - گفت: «واقعاً تو قرآن آیه ای برای این موضوع هست.» زهرا خانم جواب داد: «بله دخترم. خداوند می فرماید:

پرهیز از دوستی با نامحرم

... وَلَا مَتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ ...

و (زنان) نباید (اهل) دوست گیری (با نامحرم) باشند. (نساء، ۲۵)

دوخت چادر که تمام شد، زهرا خانم چادر را بر سر نگین کرد. بعد رو به دختر خودش کرد و گفت: «منصوره بین دوستت چقدر با چادر خوشگل تر شده! حتماً مامان و باباش هم خوششون میاد.»

• فکر کن و بگو:

۱. چرا دوستی بانامحرم حرام است؟

نگین، چادر زیبایی که زهرا خانم برایش دوخته بود، را به سر کرد و به طرف خانه راه افتاد. توی راه احساس می‌کرد که نگاه آدم‌ها به او تغییر کرده و همه به او مثل یک خانم رعنا و با وقار نگاه می‌کنند. وقتی به خانه رسید، مادرش تعجب کرد و گفت: «این چیه پوشیدی؟ این چادر رو کی بهت داده؟» نگین تمام اتفاقات را برای مادرش تعریف کرد و بعد گفت: «مامان! من از الان به بعد می‌خوام با چادر بیرون برم. آخه فکر می‌کنم با چادر هم خوشگل‌تر می‌شم و هم بزرگ‌تر.» سمیرا خانم - مادر نگین - چادر دخترش را درآورد و گفت: «دخترم! چادر قدیمی شده. شما دخترهای امروزی باید لباس‌های قشنگ‌تر بپوشید. چادر هم گرمه و جلو دست و پات رو می‌گیره. هیچ جای قرآن هم نیومده که حجاب به این معناست.» نگین به مادرش گفت: «بله. اما خدا توی قرآن گفته زن‌ها باید حجاب داشته باشند. چادر هم بهترین حجابیه. من دوست دارم احکام خدا به بهترین شکل انجام بدم. درست مثل این که کسی بگه قبولی توی امتحان کافیه و دیگه نیازی به نمره‌ی بیست گرفتن نیست.» سمیرا خانم از پاسخ دخترش خوشش آمد و با تعجب از او پرسید: «این حرف‌ها رو از کجا یاد گرفتی؟» نگین تمام ماجرا را برای مادرش تعریف کرد. سمیرا خانم گفت: «اگه دوست داری می‌تونم یه روز دوست و مادرش رو دعوت کنی تا ببینم می‌تونه به سؤال‌های من هم پاسخ بده.»

فردا صبح نگین ماجرای روز گذشته را برای منصوره تعریف کرد و هر دو از اتفاقی که افتاده بود، خوشحال بودند؛ چون الان می‌توانستند حرف‌های مادرهایشان را رد و ببینند و بهتر بفهمند حق با کیست. چند روز بعد، منصوره و مادرش به دعوت مادر نگین، با مادرش به خانه‌ی او رفتند. سمیرا خانم در حالی که وسایل پذیرایی را می‌آورد، رو به مادر زهرا کرد و گفت: «نگین از شما خیلی تعریف کرد و گفت که خانم با دانشی هستید. ممنون که

براش چادر دوختید، ولی ای کاش قبلش با ما مشورت می کردید.» زهرا خانم گفت: «راستش فکر نمی کردم ناراحت بشید؟» سمیرا خانم جواب داد: «نه نه! ناراحت نشدم. فقط یه سری سؤال داشتم که دوست داشتم جوابش رو از خودتون بشنوم.» زهرا خانم با ادب خاصی گفت: «در خدمتم.» سمیرا خانم استکان چای را در مقابل منصوره و مادرش گذاشت و گفت: «سؤال اول این که، اصلاً چرا ما باید به خاطر نگاه هوس‌آلود مردها خودمون رو بیوشونیم؟ خوب مردها خودشون رو کنترل کنند و نگاه نکنند!» زهرا خانم لبخندی زد و گفت: «اتفاقاً خدا قبل از این که به خانم‌ها بگه خودشون رو بیوشوند، به مردها گفته که نگاهشون رو کنترل کنند:

پرهیز از نگاه به نامحرم

قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَعْضَوْنَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ

بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿۳۰﴾

به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرم) فروگیرند، و عفاف خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه‌تر است. خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است! (نور، ۳۰)

زهرا خانم ادامه داد: «البته باید بگم چون امکان گناه در مردها خیلی بیشتر از زن هاست؛ خدا به زن‌ها دستور داده تا خودشون رو بیوشوند که زمینه‌ی گناه کمتر بشه.»

• فکر کن و بگو:

۱. نگاه به نامحرم چه اثری در ایجاد گناه دارد؟

منصوره و نگین از این گفتگو خیلی خوششان آمده بود و با دقت به صحبت های مادرهایشان گوش می دادند. سمیرا خانم روی میبل روبرویی نشست و از مادر منصوره پرسید: «گفتید که چون زمینه ی گناه در مردها بیشتره، خدا به زن ها دستور داده تا حجاب کنند. خب به نظر شما، این حکم برای زن ها سخت گیرانه نیست؟ چون باعث می شه آزادی از اون ها گرفته بشه.» زهرا خانم جواب داد: «بستگی داره آزادی رو چه بدونید. آزادی حقیقی در گوش دادن به فرمان های حکیمانه ی خداست. به نظر من، حجاب خیلی هم به نفع خانم هاست؛ چون باعث می شه بهتر در اجتماع رشد کنند و محیط امن تری براشون فراهم بشه.» سمیرا خانم این بار با لحن جدی تری گفت: «اصلاً چرا اسلام این قدر به حجاب اهمیت داده؟ مهم اینه که قلب انسان پاک باشه. دینداری که به یک تکه پارچه نیست.» زهرا خانم آرامش خودش را حفظ کرد و با لبخند محبت آمیزی گفت: «حق با شماست! باید قلب انسان پاک باشه. به همین خاطر هم خدا در قرآن می فرماید:

ارتباط کم با نامحرم؛ سبب پاکی قلب ها

... وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ ... ﴿۵۳﴾

و هنگامی که چیزی را از آنان [زنان] می خواهید، از پشت پرده بخواهید؛ این کار برای پاکی دل های شما و آن ها بهتر است . (احزاب، ۵۳)

زهرا خانم ادامه داد: «از این آیه می فهمیم که پاکی قلب به رعایت عفت و حجاب با دیگران

هست. بله! دینداری به یک تکه پارچه نیست، ولی گاهی وقت‌ها بندگی خدا با همین یک تکه پارچه ثابت می‌شود. نمی‌شود که ما بگیم دین اسلام رو قبول داریم، ولی تنها به این یک حکم عمل نمی‌کنیم.» صحبت به این جا که رسید، سمیرا خانم - که از جواب‌های خوب مادر منصوره جا خورده بود - من و من کرد و گفت: «والله چی بگم! راستش، من خودم هم تو به خانواده‌ی مذهبی رشد کردم و مادرم چادریه، ولی چون فکر می‌کردم با مانتو امروزی تر نشون داده می‌شم، چادر رو کنار گذاشتم. به سؤال دیگه هم ازتون داشتم. چرا اسلام این قدر در روابط زن و مرد سخت گرفته! مثلاً چرا نباید زن و مرد نامحرم به هم دست بدهند یا پسر و دختر با هم دوست باشند؟» زهرا خانم پاسخ داد: «پاسخ این سؤال یک کم دقیق هست. گناهان دو جورند: نَفْتی و بَنزینی. گناهان نَفْتی، گناهانی است که اگر به آن نزدیک شویم، باز هم فرصت پیشگیری از انجام آن وجود دارد، ولی گناهان بنزینی گناهانی هستند که خیلی زود در وجود انسان شعله‌ور شده و فرصت فکر کردن و جلوگیری را به انسان نمی‌دهد. به همین خاطر، اسلام از مراحل اولیه و زمینه‌ساز این گونه گناهان جلوگیری کرده است. مسائل جنسی هم از جمله‌ی گناهان بنزینی است که خیلی زود تمام وجود انسان را دربر گرفته و او را وسوسه می‌کند. برای همین هم، خدا از هرگونه ارتباط زن و مرد مثل دست زدن، دوستی یا صحبت کردن زیاد جلوگیری کرده تا زمینه‌ی انحراف جنسی در آنان به وجود نیاید.»

در پایان مهمانی، سمیرا خانم از منصوره و مادرش خواست تا ارتباط بیشتری با هم داشته باشند. منصوره خوشحال بود که نگین و مادرش را به حجاب و پوشیدن چادر تشویق شده بودند.

• فکر کن و بگو:

۱. این حدیث از امام علی علیه السلام را ترجمه و مفهوم آن را بگویید: «صِيَانَةُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَعُمَّ لِجَمَالِهَا وَ أَدْوَمُ لِحْمَالِهَا»